



مرکز حقوق بشر افغانستان

وضعیت حقوق بشر در افغانستان در سال 1404 خورشیدی

تاریخ نشر: حمل 1405

فهرست موضوعات:

2	معرفی
4	درباره مرکز حقوق بشر افغانستان:
5	روش تحقیق
6	خلاصه گزارش:
9	فصل اول: وضعیت عمومی حقوق بشر
16	فصل دوم: حقوق زنان
29	فصل سوم: حقوق مدنی و سیاسی
45	فصل چهارم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
53	فصل پنجم: شکنجه، رفتارهای غیر انسانی و تحقیر کننده
58	فصل ششم: مجازات بدنی (اعدام، شلاق زدن و سنگسار)
60	فصل هفتم: حقوق کودکان
64	فصل هشتم: حقوق اشخاص دارای معلولیت
67	فصل نهم: حسابدهی، عدالت انتقالی و حسابدهی بین المللی
72	فصل دهم: نقشه راه، جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
73	فصل یازدهم: نتیجه گیری و پیشنهادات

معرفی

مرکز حقوق بشر افغانستان این گزارش را به منظور بررسی و تحلیل وضعیت حقوق بشر در افغانستان در سال 1404 خورشیدی تهیه نموده است. ما وضعیت حقوق بشر را با در نظر داشت، اصول و معیارهای مندرج در کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر که افغانستان قبلا به آنها الحاق نموده، مورد بررسی قرار می دهیم. علاوه بر آن، وضعیت حقوق بشر در کشور را با در نظر داشت شرایط جدید سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که بعداز آگست 2021 میلادی به میان آمده، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می دهیم. علاوه برآن، وضعیت موجود حقوق بشر در افغانستان با نگاه به پس منظر حقوق بشر به ویژه در سالهای اخیر دوره جمهوریت مورد بحث قرار می دهیم.

این گزارش می کوشد تا یک تحلیل جامع در مورد چگونگی وضعیت حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی در کشور را ارائه نماید. علاوه بر بررسی قوانین، دستورالعمل ها، پالیسی ها و برنامه های طالبان که حقوق بشر را متأثر می سازد، به چالش ها و عوامل نقض حقوق بشر و پیامدهای آن نیز می پردازد. این گزارش می کوشد تا با ارائه یک تحلیل روشن از وضعیت موجود حقوق بشر، راههای حل عملی را به حاکمان فعلی، جامعه جهانی و سازمان های ملی و بین المللی از طریق پیشنهادات مشخص ارائه می کند.

پس منظر حقوق بشر در افغانستان به ویژه در طول چهل سال گذشته فراز و نشیب های زیادی داشته است. پس از شکست رژیم طالبان در سال 2001 میلادی و با تشکیل دولت موقت و انتقالی در افغانستان، نهادهای دموکراتیک و مدنی تاسیس و شروع به فعالیت نمود. قانون اساسی جدید افغانستان در جنوری 2004 میلادی از سوی نمایندگان مردم در لویه جرگه به تصویب رسید. این قانون اساسی بسیاری از حقوق اساسی از جمله برابری زنان و مردان، آزادی بیان و عقیده، آزادی تجمعات و اعتراضات، حق آموزش، حق صحت، حق کار، حق آزادی گشت و گذار، احترام به کرامت انسانی و رهایی از شکنجه را تضمین نموده بود. براساس این قانون اساسی اولین انتخابات ریاست جمهوری در اکتوبر 2004 میلادی برگزار شد. به تعقیب آن، شورای ملی کشور (پارلمان) از طریق انتخابات سراسری در سپتامبر 2005 تشکیل یافت. هم چنین، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در جون 2002 میلادی به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر، حفاظت و انکشاف حقوق بشر تشکیل یافت و با تصویب قانون اساسی کشور در سال 2004 میلادی، در ماده 58 آن، مبنای محکم قانونی یافت.

در دوره جمهوریت که حدود 17 سال طول کشید، در عرصه قانونگذاری نیز پیشرفت های زیادی صورت گرفت. قوانین زیادی به تصویب رسید و اجرایی گردید. اکثریت مطلق این قوانین با دادخواهی های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مطابق کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر که افغانستان به آنها الحاق کرده بود، تصویب و یا مورد بازبینی قرار گرفتند. کد جزا در سال 2018 میلادی به تصویب رسید. تقریبا تمامی مواد این کد جزا بر اساس تعهدات بین المللی افغانستان در عرصه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی تنظیم و تهیه گردید و مورد تصویب قرار گرفت.

هم چنان در عرصه های مختلف حقوق بشر، پیشرفت های چشمگیری به میان آمد. ساختارها و سازمان های مدنی مستقل از دولت به منظور نظارت و حمایت از حقوق بشر تاسیس گردید. در کنار آن وضعیت آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات با افزایش فعالیت روزنامه ها، رادیوها و تلویزیون های آزاد بهبود یافت. با وجود چالش های فراوان، سازمان های مدنی و رسانه های آزاد تا حدودی در گسترش آگاهی جمعی، نظارت از عملکرد ارگانهای دولتی و افزایش شفافیت و حسابدهی موثر بودند.

مشارکت زنان در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رو به افزایش بود. زنان افغانستان توانسته بودند تا 27 درصد کرسی پارلمان کشور را به دست آوردند و تعدادی از زنان در کابینه دولت های مختلف دوره جمهوریت، حضور داشتند.

علاوه بر آن، در اوایل دوره جمهوریّت وزارت امور زنان به منظور حمایت از حقوق زنان تشکیل یافت و تا آخر دوره جمهوریّت نقش نسبتاً موثری را ایفا کرد. بر اساس داده های بانک جهانی نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در نیمه اول سال 2021 میلادی، 15 درصد بود و قبل از آن در سال 2017 میلادی 21 درصد را تشکیل می داد¹.

دسترسی به خدمات اولیه صحتی در دوره جمهوریّت سال به سال افزایش یافت. بر اساس گزارش سازمان های خیریه بین المللی تا اوایل سال 2021 میلادی بیش از 70 درصد نفوس افغانستان به خدمات اولیه صحتی با فاصله حداکثر دو ساعت راه، دسترسی داشتند². میزان مرگ و میر طفل و مادر نیز سال به سال کاهش می یافت. امید به زندگی هنگام تولد بر حسب سال نیز به 59.9 درصد در سال 2021 میلادی افزایش یافت³.

دسترسی به حق آموزش نیز در دوره جمهوریّت سال به سال افزایش یافت. هرچند هنوز یک فیصدی قابل توجه افراد واجد شرایط مکتب، به خدمات آموزشی دسترسی نداشتند یکی از دلایل آن، ایجاد نا امنی توسط طالبان بود. اما با این وجود دولت جمهوریّت تلاش می کرد تا سطح دسترسی به آموزش افزایش یابد. بر اساس اطلاعات اداره احصائیه و معلومات افغانستان در سال 1398 خورشیدی 61 درصد پسران و 39 درصد دختران به مکتب عمومی دسترسی داشتند⁴. علاوه بر آن، در سالهای اخیر دوره جمهوریّت تعداد مکتب خصوصی و موسسات تحصیلات عالی خصوصی افزایش یافته بود و از این سبب، دسترسی به آموزش و تحصیلات عالی نیز افزایش یافته بود.

افغانستان اکثریت کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر را به تصویب رسانده است. افغانستان به کنوانسیون های بین المللی ذیل الحاق نموده است:

1. کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (سال الحاق 1983)،
2. کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (سال الحاق 1983)،
3. کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی (سال 1983)،
4. کنوانسیون بین المللی منع شکنجه (سال الحاق 1987)،
5. کنوانسیون بین المللی حقوق کودک (سال الحاق 1994)،
6. کنوانسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض علیه زنان (سال الحاق 2003)
7. پروتکل های اختیاری کنوانسیون بین المللی حقوق کودک (سال الحاق 2002 و 2003)
8. کنوانسیون بین المللی حقوق اشخاص دارای معلولیت (2012)

علاوه بر آنها، افغانستان اساسنامه رم را در سال 2003 میلادی به تصویب رساند و رسماً عضویت محکمه جزایی بین المللی (International Criminal Court) را پذیرفت.

دولت افغانستان در مراحل مختلف در مورد تعهدات خود در قبال کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر گزارش های متعددی را به کمیته های مربوطه ارائه نمود. علاوه بر آنها، چهار گزارش مرور دوره ای جهانی (Universal Periodic Review) به سازمان ملل متحد ارائه شده است. ارگانهای دولتی تلاش کردند تا پیشنهادات مربوط به این مکانیزم را اجرا

¹ بانک جهانی، جزییات بیشتر در این لینک قابل دریافت است:

<https://data.worldbank.org/indicator/SL.TLF.CACT.FE.ZS?locations=AF>

² سازمان OCHA، "طرح پاسخ بشردوستانه برای افغانستان" از 2018 تا 2021 میلادی، قابل دریافت در این لینک:

https://afghanistan.un.org/sites/default/files/2020-09/AFG_HRP_June_2020_0.pdf?utm_source=chatgpt.com

³ سازمان جهانی صحت، جزییات بیشتر در این لینک قابل دریافت است: <https://data.who.int/countries/004>

⁴ اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان، سالنامه احصائیه 1399، صفحه 62، تاریخ نشر حمل 1400

نمایند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و برخی از سازمان های مدنی نیز گزارش های سایه (Shadow Reports) به مکانیزم های مربوط به سازمان ملل متحد ارائه نمودند.

در مجموع می توان گفت که در طول دوره جمهوریت، با وجود چالش های مانند فساد اداری، نا امنی، ضعف در حکومتداری و ضعف در حاکمیت قانون، تلاش هایی زیادی از سوی ارگانهای مختلف به ویژه سازمان های مستقل و سازمان های مدنی صورت می گرفت تا وضعیت حقوق بشر بهبود یابد. هرچند قضایای جدی نقض حقوق بشر مانند قضایای جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، نقض حقوق زنان، آزادی بیان، دسترسی به عدالت و سایر حقوق و آزادی ها گزارش می شد؛ ولی ساختارهای نظارت کننده برای حسابدگی و شفافیت وجود داشت تا این قضایا را مورد پیگیری قرار دهند. به عنوان نمونه، قضایای شکنجه در نظارت خانه ها و زندانها در سالهای اخیر دوره جمهوریت نسبت به سالهای قبل کاهش قابل ملاحظه ای یافته بود.

اما با به قدرت رسیدن گروه طالبان در 15 اگست 2021 میلادی، یکی از تاریک ترین فصل های تاریخ معاصر افغانستان آغاز شد. نظام سیاسی، اقتصادی، آموزشی، صحتی، عدلی و قضایی فروپاشید و زمینه های نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در افغانستان فراهم گردید. نهادهای دموکراتیک و مدنی که نقش مهمی در آگاهی دهی، پاسخگویی و حسابدگی داشتند، منحل گردید و محدودیت های شدیدی بر رسانه های آزاد وضع گردید.

با رسیدن طالبان در قدرت، سرکوب و تبعیض سیستماتیک علیه زنان و گروههای آسیب پذیر شروع شد. نخستین قربانی تغییر نظام، زنان افغانستان است. زنان افغانستان با شدید ترین تبعیض بر اساس جنسیت که سیستماتیک، گسترده و هدفمند است، مواجه هستند و هیچ اصطلاحی جز "پارتاید جنسیتی" نمی تواند شرح این وضعیت را بیان کند. بازداشت های خودسرانه، شکنجه و قتل های فراقانونی نیروهای مسلح و کارکنان دولت قبلی، فعالان مدنی و حقوق بشر با وجود اعلان عفو عمومی تا حال ادامه دارد. کوچ اجباری اقوام غیر پشتون و غصب ملکیت های افراد توسط طالبان و افراد تحت حمایت آنها به طور نگران کننده ای در حال اجرا است.

با در نظر داشت وضعیت فعلی و پس منظر حقوق بشر در افغانستان، این گزارش تهیه و نشر می گردد. این گزارش عمده ترین چالش ها و مشکلات در عرصه حقوق بشر در افغانستان را مورد بحث و بررسی قرار می دهد. تلاش شده است تا دلایل و عوامل نقض حقوق بشر و پیامدها و تاثیرات آن در زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مردم مورد تحلیل قرار بگیرد. گزارش حاضر ابتدا وضعیت عمومی حقوق بشر را مورد ارزیابی قرار داده، سپس موضوعات مهم چون حقوق زنان، حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، شکنجه، مجازات صحرایی در محضر عام، حقوق کودکان، حقوق اشخاص دارای معلولیت، حسابدگی و پاسخگویی و در آخر روی یک نقشه راه برای آینده افغانستان مورد بحث و بررسی قرار داده است.

درباره مرکز حقوق بشر افغانستان:

مرکز حقوق بشر افغانستان (AHRC) یک سازمان نظارت بر حقوق بشر است که در سال 2022 میلادی توسط فعالان برجسته حقوق بشر تاسیس شده است. این فعالان به دلیل شرایط مجبور به تبعید شده اند اما با خود بیش از بیست سال تجربه در زمینه حقوق بشر به همراه دارند. هدف اصلی این سازمان نظارت بر وضعیت حقوق بشر و حمایت از حقوق مردم افغانستان از طریق استفاده از یک شبکه گسترده محلی از افراد است که قادر و متعهد به دفاع از حقوق بشر در داخل افغانستان هستند. این سازمان با تکیه بر تخصص و دانش نهادی که از نقش های پیشین خود در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC) به دست آورده است، جایی که رهبری و کارکنان فعلی پیش از این در آن مشغول به کار بودند، خود را در راستای پیگیری و مشارکت در مأموریت مکانیزم حقوق بشر ملی افغانستان می داند.

برنامه ها و زیر ساخت های مرکز حقوق بشر افغانستان بر اساس یک پایه مستحکم از تجربه و تخصص بنا شده است که این امکان را می دهد تا در دشوارترین شرایط، به طور مؤثر حقوق بشر را نظارت، مستند و دفاع کند. با برخورداری از منابع و پشتیبانی کافی، مرکز حقوق بشر افغانستان موقعیت مناسبی دارد تا خلأ موجود در نظارت، حفاظت و ترویج حقوق بشر در افغانستان را پر کند.

روش تحقیق

این گزارش وضعیت حقوق بشر در افغانستان را در سال 1404 خورشیدی (21 مارچ 2025 تا 20 مارچ 2026 میلادی) مورد بحث و بررسی قرار می دهد. تفاوت تاریخ میلادی و هجری خورشیدی در این گزارش لحاظ شده و بسیاری از واقعات به دلیل اینکه از منابع انگلیسی زبان گرفته شده، به تاریخ میلادی نوشته شده است.

گزارش حاضر با استفاده از مجموعه ای از منابع به شمول داتابیس مرکز حقوق بشر افغانستان، نظارت محلی، مصاحبه ها و چشم دیدها، گزارش های سازمان های بین المللی و رسانه های مستقل تهیه گردیده است. برای تحلیل وضعیت عمومی حقوق بشر در افغانستان تقریباً از تمام منابع فوق استفاده شده است. معلومات همه منابع در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان تقریباً بدون تفاوت است و تحلیلی یکسان بدست می دهد.

مرکز حقوق بشر افغانستان در سال 2024 میلادی یک داتابیس نسبتاً ساده و ابتدایی را آماده و راه اندازی کرد. این داتابیس همه روزه به روز رسانی می شود و معلومات مربوط به حقوق بشر در آن درج می گردد. این داتابیس منبع مهم و قابل اعتماد برای تهیه این گزارش است. منبع اصلی آمار و ارقام ارائه شده در این گزارش، داتابیس مرکز حقوق بشر افغانستان است. در صورتی که میان آمار این داتابیس و سایر منابع تفاوتی مشاهده شده، این گزارش به آمار و معلومات این داتابیس اتکا کرده است.

برای ارائه تحلیل واقع بینانه و جامع از وضعیت حقوق بشر در کشور، از معلومات ارائه شده در گزارش های سازمان های بین المللی مانند، دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، سازمان عفو بین الملل، دیدبان حقوق بشر و برخی سازمان های مدنی افغانستان فعال در خارج از کشور به حیث منابع ثانوی استفاده شده است. معلومات ارائه شده در گزارش های سازمان های بین المللی و سازمان های مدنی افغانستان با امانتداری کامل در این گزارش استفاده شده و به منابع مربوط ریفرنس داده شده است.

منبع دیگری که این گزارش از آن استفاده نموده است، اخبار و گزارش های رسانه های مستقل بین المللی و رسانه های مستقل افغانستان مقیم در خارج است. البته باید یادآوری نمود که اخبار و گزارش های رسانه ها با احتیاط و دقت لازم مورد استفاده قرار گرفته و اغلباً کوشیده شده است که با سایر منابع نیز چک و بازیابی گردد تا شک و شبهه ای باقی نماند.

نظارت محلی و مصاحبه ها منبع دیگر این گزارش است. مرکز حقوق بشر افغانستان یک تعداد کارمندان محلی در برخی ولایت افغانستان دارد که همواره از وضعیت حقوق بشر نظارت نموده و گزارش ارائه می نمایند. گزارش های ناظران مرکز حقوق بشر افغانستان از طریق ای میل و یا واتساپ به دفتر مرکز حقوق بشر افغانستان ارسال می شود. باید یادآوری نمود که ناظران محلی مرکز حقوق بشر افغانستان با چالش های جدی امنیتی مواجه هستند و برخی از قضایا را نمی توانند به آسانی مستندسازی نمایند. مثلاً ناظران محلی نمی توانند آزادانه با قربانیان و شاهدان در تماس شوند و اسناد و مدارک جمع آوری کنند. آنها می کوشند که از طریق روابط شخصی خود با قربانیان و شاهدانی که آنها فکر می کنند قابل اعتماد هستند، ارتباط برقرار می کنند.

یکی از چالش‌های مرکز حقوق بشر افغانستان پیدا کردن قربانیان و شاهدان نقض حقوق بشر بود. از آنجایی که طالبان هر نوع همکاری با رسانه‌ها و سازمان‌های مدنی مقیم در خارج را ممنوع اعلام نموده‌اند، هر کسی حاضر به مصاحبه نمی‌شود؛ زیرا که از عواقب امنیتی آن می‌ترسند. به همین دلیل، در این گزارش تعداد مصاحبه‌شدگان اندک است. مرکز حقوق بشر افغانستان توانسته است که یک تعداد افراد را به حیث قربانی و یا شاهد در ولایات بدخشان، کندز، تخار، بغلان، کابل و هرات مصاحبه کنند. متأسفانه در سایر ولایات به دلایلی که گفته شد، نتوانستیم با قربانیان و شاهدان مصاحبه انجام دهیم. مصاحبه‌های انجام شده توسط ناظران محلی و کارمندان مرکز حقوق بشر افغانستان مقیم در خارج از طریق وسایل امن مانند واتساپ و یا سیگنال صورت گرفته است. قبل از انجام مصاحبه، به مصاحبه‌شدگان اطمینان داده شد که هویت آنها در گزارش آورده نمی‌شود و هم‌چنان مشخصات هویتی آنها با هیچ فرد یا گروه دیگری شریک ساخته نمی‌شود. بنابراین، اسم مصاحبه‌شدگان در این گزارش به شکل مستعار آورده شده است.

برای ارائه تحلیل جامع و دقیق، کوشیده شد که تمام منابع باهم بررسی شده و مورد تدقیق و تایید قرار بگیرد. برای تهیه این گزارش در تدقیق و تایید معلومات احتیاط زیادی به کار گرفته شد تا معلومات خلاف واقع ارائه نشود. در برخی موارد اگر مرکز حقوق بشر افغانستان معلومات دقیق در دسترس نداشت ولی منابع مختلف معلومات متفاوت ارائه می‌کردند؛ نویسندگان این گزارش در نهایت به معلوماتی اتکا نموده که بیشتر معقول و موجه به نظر می‌رسید و با کانتکست و شرایط و احوال داخل افغانستان سازگاری داشته است.

مرکز حقوق بشر افغانستان در تهیه این گزارش تمامی استندردهای حقوق بشری و ملاحظات اخلاقی را رعایت نموده است. در جریان مستندسازی و جمع‌آوری معلومات و هم‌چنان در جریان مصاحبه‌ها "اصل ضرر نرسانیدن" را کاملاً رعایت نمود. پرسش‌های که احساسات قربانی را خدشه دار بسازد و از لحاظ جنسیتی و یا جنسی حساسیت برانگیز است، با مصاحبه‌شدگان مطرح نگردید.

خلاصه گزارش:

دریافت‌های این گزارش نشان می‌دهد که وضعیت حقوق بشر در افغانستان به شدت وخیم است و اکثریت حقوق و آزادی‌های مردم به ویژه حقوق زنان، کودکان، اقلیت‌های قومی و مذهبی به طور سازمان‌یافته، گسترده و سیستماتیک توسط مقامات حاکم مورد نقض قرار می‌گیرد. دختران و زنان از اکثریت حقوق و آزادی‌های ابتدایی و اساسی محروم‌اند و تبعیض با شدیدترین وجه آن علیه زنان اعمال می‌گردد.

بازداشت‌شدگان به ویژه نیروهای پیشین امنیتی، کارکنان دولت پیشین، فعالان مدنی و فعالان حقوق زن، خبرنگاران و افراد وابسته به گروه‌های مسلح مخالف طالبان مورد بدرفتاری و شکنجه قرار می‌گیرند. نظارت‌خانه‌های استخبارات طالبان به ویژه اداره 40، به محل اصلی شکنجه تبدیل شده است. برخی افراد تحت شکنجه شدید، جان داده‌اند. گزارش‌های وجود دارد که برخی از فعالان حقوق زن، علاوه بر شکنجه در نظارت‌خانه‌های طالبان مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند.

خبرنگاران و رسانه‌ها به طور شدید با سانسور و سرکوب مواجه هستند و آزادی بیان به طور گسترده مورد نقض قرار می‌گیرد. مقامات حاکم فرامین و دستورالعمل‌های شفاهی و کتبی زیادی بر رسانه‌های داخلی وضع کردند که تمامی این دستورالعمل‌ها به منظور ایجاد محدودیت، سانسور و تهدید رسانه‌ها صادر شده است. در سال 2025 میلادی، 17 تن از خبرنگاران و کارمندان سکتور رسانه از سوی مقامات طالبان بازداشت گردیدند. برخی از این خبرنگاران پس از مدت کوتاهی آزاد شدند و برخی از آنها به حبس‌های کوتاه و متوسط محکوم شده‌اند و اکنون در زندان به سر می‌برند. از زمان بازگشت طالبان به قدرت از آگست 2021 میلادی تا اکنون حداقل 165 خبرنگار و کارمند رسانه‌ای توسط طالبان بازداشت شده‌اند.

در سال 2025 میلادی حداقل 20 تن از خبرنگاران افغان از پاکستان مجبور شدند به افغانستان برگردند. دهها خبرنگار دیگر از ترس اخراج اجباری در خفا زندگی می کنند. در حال حاضر حدود 200 خبرنگار افغان با خانواده های شان در پاکستان به سر می برند. در صورت برگشت به افغانستان، احتمال دارد از سوی طالبان شناسایی شده و مورد بازداشت و شکنجه قرار بگیرند. براساس معلومات گزارشگران بدون مرز، 43% رسانه ها از بین رفتند و بیش از دو سوم از 12000 خبرنگار موجود در سال 2021 میلادی، این حرفه را ترک کردند. از هر ده خبرنگار زن، هشت زن ناچار شدند این کار را رها کنند. شمار اندکی از خبرنگاران که تحت تسلط طالبان کار می کنند با محدودیت های متعدد از جمله نبود دسترسی به منابع، ممنوعیت سفر بدون محرم، ممنوعیت ظاهر شدن در برابر کامره در رسانه های دولتی، جداسازی محیط کار، الزام پوشاندن چهره و انواع آزار و اذیت، معاش های بسیار ناچیز یا حتا بدون معاش رو به رو هستند.

دسترسی به عدالت برای اکثریت مردم به ویژه زنان کشور بسیار محدود شده است. سیستم عدلی و قضایی کشور که بر مبنای حقوق مدرن استوار بود، به عقب برگشته و با آینده تاریک مواجه است. در نبود قانون اساسی و سایر قوانین مدرن، سیستم عدلی و قضایی توسط فرامین کتبی و شفاهی و اعمال سلیقه های مقامات حاکم مدیریت می شود. در جنوری 2026، رهبر طالبان اصولنامه جزایی برای محاکم را تصویب و نشر کرد. این قانون نشان دهنده یک جابجایی و باز تعریف خطرناک نظام عدالت جزایی است که طبقه بندی های تبعیض آمیز را نهادینه نموده و مجازات های غیر انسانی را احیاء می کند. احکام این اصولنامه بازتاب دهنده یک تغییر آگاهانه و هدفمند در اجراءات جزایی است که اصل برابری، قانونیت و اصول محاکمه عادلانه را نقض می کند. سیستم عدلی و قضایی فعلی با هرج و مرج مواجه است و قضات فعلی ملاهایی وابسته به طالبان اند که هیچ کدام تحصیلات اکادمیک حقوق ندارند.

علاوه برآن، تصویب و اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر، بسیاری از آزادی های ابتدایی مردم را محدود نموده و این امر ابعاد مختلف زندگی مردم را تحت تاثیر قرار داده است. این قانون، حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را بسیار محدود کرده است. این قانون به عنوان ابزار عمده تحکیم سلطه طالبان، سرکوب، انحصار و کنترل بر مردم افغانستان وضع شده و اجرا می گردد. در طول سال 1404 خورشیدی علاوه بر دهها فرمان محدود کننده حقوق و آزادیهای بشری که در سالهای قبل صادر و اجرا شده بود، بیش از 25 فرمان دیگر که حقوق بشری افراد را محدود می کند، صادر و به منصفه اجرا درآمد.

محاکم طالبان در طول سال 1404 خورشیدی صدها حکم شلاق و جزای تعزیری صادر نموده که در اثر این احکام 1087 نفر اغلبا در محضر عام شلاق زده شدند. این مجازات بدنی در اکثر ولایات کشور انجام شده و اکثریت مطلق قربانیان را مردان تشکیل می دهد. زنان اغلبا به اتهام رابطه خارج از ازدواج و فرار از منزل شلاق زده شدند.

در سال 2025 میلادی پنج نفر به اتهام قتل عمد اعدام شدند. به تاریخ 11 آپریل، چهار مرد در ولایت های بادغیس، نیمروز و فراه در محضر عام اعدام شدند. از آگست 2021 میلادی تا اکنون 12 تن توسط طالبان در ملاء عام اعدام شده اند. مجازات اعدام در ولایت های فراه، لغمان، غزنی، جوزجان، بادغیس و نیمروز در ملاء عام با حضور صدها تماشاگر به شمول کودکان اجرا شده است.

براساس معلومات مرکز حقوق بشر افغانستان، در سال 1404 خورشیدی به تعداد 1284 نفر تلفات افراد ملکی (310 کشته و 974 زخمی) به ثبت رسیده است. بیش از 90 درصد تلفات افراد ملکی در اثر درگیری های مرزی میان نیروهای طالبان و نیروهای پاکستانی و هم چنین حملات هوایی نیروهای پاکستانی در شهر های مختلف افغانستان رخ داده است. هزینه اصلی این درگیری ها را مردم ملکی افغانستان می پردازد و در هر درگیری دهها تن از مردم ملکی کشته و زخمی می شوند. بررسی های آمار تلفات افراد ملکی نشان می دهد که اکثریت قربانیان را کودکان و زنان تشکیل می دهند.

اکثریت کودکان افغانستان با تبعیض و محرومیت های فراوان مواجه هستند. فقر، گرسنگی، عدم دسترسی به خدمات آموزشی با کیفیت، عدم دسترسی به خدمات صحتی، سوء استفاده های جنسی، خشونت های فیزیکی در محیط خانواده و بیرون از خانه، ازدواج اجباری و زیر سن، نا امنی، قاچاق، استفاده از کودکان در صفوف نیروهای مسلح از جمله عمده ترین مشکلات کودکان افغانستان به شمار می رود. بیش از نصف جمعیت کشور یعنی 24.4 میلیون نفر به کمک های بشردوستانه نیازمند هستند که 12.9 میلیون آنها کودکان اند. وخامت اوضاع سبب شده که 8.7 میلیون تن در سطح اضطراری ناامنی غذایی قرار بگیرند. بر اساس آمار سازمان ملل متحد 45 درصد از مرگ و میر کودکان در افغانستان ناشی از سوء تغذیه است. در حال حاضر میزان سوء تغذیه حاد در 27 ولایت از 34 ولایت بالاتر از حد اضطرار است و به سرعت در حال بدتر شدن است.

کمیت و کیفیت آموزش در افغانستان به شدت کاهش یافته است. کاهش کمک های بین المللی، نبود یک حکومت پاسخگو، بی توجهی طالبان به آموزش مدرن سبب کاهش کمیت و کیفیت آموزش گردیده است. محدودیت های ایجاد شده برای آموزش دختران و زنان، ابهام در مورد تغییرات نصاب تعلیمی، نبود سرمایه گذاری و زیر ساخت های کافی، نظارت ضعیف از سیستم آموزشی، نبود مواد درسی کافی، کمبود شدید معلمان به ویژه معلمان زن، بحران های بشری پی در پی مانند زلزله، سیلاب و خشکسالی وضعیت آموزشی را تحت فشارهای فزاینده قرار داده و آینده یک نسل را به مخاطره می اندازد. مقامات حاکم، اهداف آموزشی را مطابق ایدیولوژی افراطی و خشونت گرایی خود تنظیم کرده اند.

دسترسی به خدمات صحتی نیز کاهش یافته است. از ماه جنوری 2025 میلادی به این سو تقریباً سه میلیون نفر از جمعیت افغانستان به مراقبت های صحتی دسترسی ندارند و تا اوایل 2026 میلادی دو تا سه میلیون نفر دیگر ممکن است دسترسی به مراقبت های صحتی را از دست داده باشند. در سال 2025 میلادی، 364 مرکز صحتی بسته شده و 220 مرکز صحتی دیگر به دلیل کاهش کمک های بین المللی در معرض بسته شدن قرار دارند. طالبان برای کار زنان به شمول کار در سکتور صحتی محدودیت وضع نمود. هم چنان به دلیل فضای ترس، تعداد زیادی از داکتران و کارکنان بخش صحت، از افغانستان خارج شده و به کشورهای دیگر پناهنده شدند. همه این عوامل سبب گردید که سکتور صحت با کمبود پرسنل صحتی و بودجه مواجه شود. زنان بیشتر از همه از این تحولات متاثر گردیده و محدودیت های وضع شده علیه زنان، دسترسی آنها را به خدمات صحتی کاهش داده است.

بر اساس تخمین برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد، در حال حاضر 9.5 میلیون نفر در افغانستان با ناامنی غذایی مواجه هستند و حدود 4.6 میلیون از مادران و کودکان افغانستان دچار سوء تغذیه هستند. آمار دقیق و به روز از سطح بیکاری در افغانستان معلوم نیست. اما در گزارش سال 2025 مربوط به گروه بانک جهانی آمده است که از هر چهار جوان یک نفر بیکار است.⁵ باید گفت که به احتمال زیاد آمار بیکاری بسیار بیشتر است. تغییر اداره، عدم توسعه بخش خصوصی، فرار سرمایه از کشور و نبود سرمایه گذاری خارجی به دلیل عدم اطمینان از ثبات، برگشت چند میلیون مهاجر افغان از کشورهای همسایه که بازار کار را تحت فشار قرار داده است، از عمده ترین دلایل افزایش بیکاری محسوب می شود. خشکسالی های اخیر، وقوع حوادث طبیعی مانند سیلاب و زلزله هزاران نفر را به کام مرگ فروبرده و هزاران تن دیگر از بازماندگان قربانیان را به شدت آسیب پذیر نموده است.

در سال 2025 میلادی، مقامات طالبان بسیاری از ممانعت ها و محدودیت هایی را که بر فعالیت های فرهنگی و هنری وضع کرده بودند، ادامه دادند. از برگزاری جشن نوروز که یکی از جشن های باستانی مردم افغانستان ممانعت کردند. آوازخوانی و موسیقی را ممنوع کرده اند و آواز خوانان و نوازندگان موسیقی وظایف شان را ترک کرده و یا دست به مهاجرت زده اند. طالبان

⁵ گروه بانک جهانی، "اقتصاد افغانستان با وجود چالش های مداوم در حال رشد است"، جزئیات بیشتر در این لینک:

<https://www.worldbank.org/en/news/press-release/2025/12/10/afghan-economy-expands-amid-persistent-challenges#:~:text=Nearly%20one%20in%20four%20young,and%20achieving%20resilient%2C%20inclusive%20growth.>

در دسامبر 2025، سینمای آریانا را تخریب کردند. بر چگونگی سرودن شعر نیز محدودیت وضع کردند. در جریان چهار سال گذشته، طالبان به طور گسترده و سازمان یافته واژه ها و اصطلاحات فارسی را در برخی نهادهای تحصیلی و ادارات و اماکن عامه حذف کرده اند.

پس از تسلط طالبان، اشخاص دارای معلولیت در افغانستان فقیرتر و آسیب پذیر تر شده اند. آنها با چالش ها و مشکلات متعددی رو به رو هستند که حقوق و آزادی آنها را محدود نموده است. تبعیض، کمبود خدمات توان بخشی، محدودیت ها در آموزش، دسترسی به اماکن عامه، خدمات صحتی از جمله جدی ترین چالش ها برای اشخاص دارای معلولیت محسوب می شود. زنان معلول با تبعیض مضاعف رو به رو هستند.

فصل اول: وضعیت عمومی حقوق بشر

گروه طالبان پس از توافق دوحه و با گسترش حملات نظامی، اکثریت ولایات افغانستان را تصرف کرد و به تاریخ 15 آگست 2021 میلادی کنترل شهر کابل را به دست گرفتند. به تاریخ 30 آگست نیروهای بین المللی افغانستان را به طور کامل ترک کردند. سپس به تاریخ 6 سپتامبر، طالبان وارد ولایت پنجشیر شدند و کنترل کامل خود را بر تمامیت ارضی افغانستان اعلام داشتند. طالبان مانند حاکمیت دوره قبلی شان (بین سالهای 1996 تا 2001) دولت امارت اسلامی را اعلام کردند. امارت اسلامی توسط شخصی به نام هیبت الله آخوند زاده که خود را امیرالمومنین می خواند و در تمام امور سیاسی، اداری، اقتصادی، نظامی، قضایی، قانونگذاری و مذهبی از اختیارات مطلق برخوردار است، اداره می شود.

طالبان با اعلام دولت امارت اسلامی، قانون اساسی مصوب سال 2004 و سایر قوانین را به حالت تعلیق درآورد. در این قانون اساسی بسیاری از حقوق و آزادی های اساسی شهروندان افغانستان تسجیل یافته بود و حقوق زنان با مردان مساوی پنداشته شده بود. از آنجایی که طالبان تفسیر سخت گیرانه و واپس گرایانه از شریعت دارند، با محتوای این قانون اساسی دوره جمهوریّت مخالفت می کنند.

در اواخر سپتامبر 2021 میلادی، عبدالحکیم شرعی سرپرست وزارت عدلیه طالبان اظهار نمود که آنها به جای قانون اساسی دوره جمهوریّت از قانون اساسی دوره ظاهرشاه مصوب سال 1964 به شرط حذف محتوای مغایر شریعت اسلام پیروی می کنند. اما در فرامین، لوایح و سایر قوانینی که توسط رهبر طالبان صادر شده و به منصفه اجرا قرار گرفته است، به قانون اساسی دوره ظاهرشاه استناد نشده است. به تاریخ 20 جولای 2025 میلادی ذبیح الله مجاهد، سخنگوی ارشد طالبان در مصاحبه با رسانه ها گفت که ضرورت به قانون اساسی وجود ندارد، چون شریعت اسلام یک چارچوب حقوقی جامع است.⁶ به تاریخ 10 آگست 2025 اظهار داشت که کدام خلاء قانونی در کشور وجود ندارد و اگر شرایط مساعد بود و ضرورت به قانون اساسی احساس شد، آنها ساختن یک قانون اساسی را در نظر خواهند گرفت.⁷ به نظر می رسد که طالبان از هیچ قانون اساسی پیروی نکرده و اکنون این کشور بدون داشتن قانون اساسی اداره می شود.

طالبان برنامه ها و سیاست های سختگیرانه خود را هر روز اعلام و تطبیق می کنند. این سیاست ها از طریق نشر پیام ها، صدور فرمان ها و دستورات کتبی و شفاهی از سوی رهبر ارشد طالبان و سایر مقامات اعلام می گردد. با صدور این فرامین و لوایح بسیاری از حقوق و آزادی های مردم به ویژه حقوق زنان به شمول حق اجتماعات و تظاهرات، آزادی بیان، حق گشت و گذار، حق آموزش، حق کار، امنیت شخصی، حق دسترسی به خدمات صحتی و سایر حقوق و آزادی های بشری روز به روز به طور گسترده و سیستماتیک محدود گردیده است. مقامات طالبان مجازات حدود و قصاص را دوباره اجرا کردند. همه این

⁶ سازمان ملل متحد، گزارش به سرکتر جنرال، "وضعیت افغانستان و تاثیرات آن بر امنیت و صلح بین المللی"، صفحه سوم، A/80/366

S/2025/554

⁷ همان

سیاست‌ها بیانگر آن است که طالبان سیاست‌های دهه 1990 خود را احیاء می‌کنند و هیچ نوع تغییری در آنها دیده نمی‌شود.

بیشترین فرمان‌های محدودکننده آزادی‌ها، مربوط به زنان است. بر اساس این فرامین و دستورهای شفاهی و کتبی، زنان از جامعه افغانستان تقریباً به طور کامل حذف گردیده و با شدت‌ترین، گسترده‌ترین تبعیض سیستماتیک مواجه هستند. زنان در چار دیواری خانه‌ها محصور مانده و حق ندارند بدون همراهی یک مرد خانواده (محرم) از خانه بیرون شوند. زنان از حق کار، اجتماعات و تظاهرات مسالمت‌آمیز، گشت و گذار، آموزش بالاتر از صنف ششم، ورزش، رفتن به تفریحگاه‌ها، رانندگی و سایر حقوق اولیه و اساسی‌شان محروم هستند. بر اساس قانون امر به معروف و نهی از منکر طالبان، حتا صدای زنان عورت شمرده می‌شود.

خالده باشنده شهر هرات در مصاحبه با مرکز حقوق بشر افغانستان چنین گفت:

"امنیت فیزیکی و روانی نداریم. از روزی که طالبان آزادی‌های زنان را محدود کرده است، می‌کوشم که از خانه بیرون نروم تا مبدا توسط طالبان مورد آزار و اذیت قرار بگیرم. یک بار در هنگامی که به سوی بازار می‌رفتم، توسط طالبان از موتر پیاده شدم. با وجودی چادر به سرم بود و ماسک داشتم، مرا از موتر پایین کردند و گفتند که حجاب مناسب ندارم. خیلی ترسیده بودم که مرا لت و کوب و یا بازداشت نکنند. فوراً به خانه برگشتم. پدر و مادرم به خاطر حفظ عزت و آبروی خانواده دیگر اجازه رفتن به بازار نمی‌دهند. می‌دانم که اگر یک دختر به بهانه حجاب و یا هر بهانه دیگری توسط طالبان حتا برای چند ساعت بازداشت شود، دیگر آبروی در خانه و جامعه ندارد. به این دلیل احساس امنیت نمی‌کنم."

بسیاری از قوانین مصوب در دوره جمهوری توسط طالبان در حالت تعلیق درآمده و یا در حالت نامشخص قرار دارد. طالبان اعلام کردند که قوانین تصویب شده در دوره جمهوری را برای ارزیابی مطابقت با شریعت اسلام و سنت‌های افغانستان مورد بازنگری قرار خواهند داد. از نظر طالبان اکثریت قوانین قبلی در تضاد با شریعت اسلام است. مقامات طالبان ادعا می‌کنند که آنها از شریعت اسلام پیروی نموده و قوانینی که در تضاد با شریعت باشد، ملغاً و غیر قابل اجرا است. طالبان در عوض اکثریت قوانین ملغاً شده، قوانین جدید جاگزین نکرده است. با این حال برخی از قوانین دوره جمهوری مانند قوانین در عرصه تجارت، اقتصاد و مخابرات، توسط طالبان اجرا می‌شود. در مجموع می‌توان گفت که وضعیت قوانین در افغانستان تحت سلطه طالبان نامشخص است و این امر سبب عدم قطعیت، انسجام و پیوستگی شده است. بسیاری از سیاست‌های آنها با صدور فرامین و دستورهای کتبی و یا شفاهی اجرا می‌شود. موضع طالبان در مورد بعضی از قوانین مبهم است و معلوم نیست که از کدام قانون پیروی می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین اقدامات طالبان در عرصه قانونگذاری، تصویب قانون امر به معروف و نهی از منکر است که به تاریخ 21 آگست 2024 میلادی با چهار بخش، پنج فصل و 35 ماده، توسط رهبر طالبان به تصویب رسید. قانون امر به معروف و نهی از منکر حجاب و پوشش زنان را اجباری اعلان نموده و تأکید دارد که زنان و دختران باید تمام بدن‌شان را بپوشانند. هم‌چنان این قانون محدودیت‌ها در رفت و آمد، روابط شخصی، آزادی بیان و دسترسی به معلومات، باورها و مناسک دینی، رویدادها و جشن‌های فرهنگی وضع نموده و موسیقی را ممنوع کرده است. هم‌چنین این قانون روابط هم‌جنس‌گرایانه و ایجاد "زمینه و اسباب" برای چنین روابط را جرم‌انگاری کرده است.

این قانون شکل توحید شده بسیاری از فرامین، احکام و سیاست‌های تبعیض‌آمیز و سختگیرانه‌ای است که قبلاً توسط رهبر طالبان صادر شده بود. این قانون سلطه این گروه را به جامعه افغانستان مستحکم نموده و به طور سازمان یافته و سیستماتیک بسیاری ابعاد زندگی جمعی و فردی مردم افغانستان، به ویژه زنان و دختران را تحت کنترل طالبان قرار می‌دهد. اجرای این قانون حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی اشخاص را به شدت محدود می‌کند و پیامدهای زیانبار اجتماعی، فرهنگی،

اقتصادی و روانی دارد. تصویب این قانون با اعتراضات شدید مدافعان حقوق بشر و فعالان جامعه مدنی افغانستان، سازمان های بین المللی حقوق بشر و اعضای جامعه جهانی مواجه شد.

طالبان نهادها و ساختاری دولتی و مستقل نظارت کننده را ملغا کردند. آنها شورای ملی (پارلمان)، وزارت امور زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کمیسیون انتخابات، وزارت های امور پارلمانی و صلح را منحل اعلام کردند. وزارت امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد کردند و به طور نمادین، وزارت امور زنان را به وزارت امر به معروف و نهی از منکر تبدیل و جابجا کردند.

طالبان به تاریخ 7 سپتامبر 2021 میلادی کابینه سرپرست خود را تشکیل دادند و مسوولان پست های کلیدی در سطح ملی و ولایتی را اعلام کردند که تمامی آنها مردان و عمدتاً متعلق به قوم پشتون تعلق دارند. افراد منصوب شده در این پست های کلیدی وابسته به طالبان بوده و تعدادی زیادی از آنها در فهرست تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارند. رهبر طالبان به مناسبت تجلیل از چهارمین سالگرد پیروزی شان، در پانزدهم آگست 2025 میلادی به کابینه سرپرست پایان داد و آن را به کابینه دائمی تغییر داد. هرچند مقامات طالبان ادعا می کنند که دولت آنها همه شمول است؛ اما در عمل فاقد تنوع قومی، جنسیتی، مذهبی، سیاسی و جغرافیایی می باشد.

با تسلط طالبان در آگست 2021 میلادی، افغانستان با انزوای شدید بین المللی مواجه گردید. احتمالاً افغانستان یگانه کشوری است که حکومت آن، برای بیش از چهار سال به رسمیت شناخته نشده و تا به حال فاقد مشروعیت ملی و بین المللی است. تا اکنون، حاکمیت طالبان در افغانستان را به جز کشور روسیه، سایر دولت های عضو سازمان ملل متحد به رسمیت نشناخته است. دولت روسیه به تاریخ 3 جولای 2025 میلادی حاکمیت طالبان در افغانستان به رسمیت شناخت. برخی از کشورهای دیگر به شمول کشورهای منطقه کنسولگری های افغانستان را در اختیار طالبان قرار داده اند، اما هنوز حکومت آنها را به رسمیت نشناخته اند. کرسی افغانستان در سازمان ملل متحد نیز به طالبان سپرده نشده است.

طالبان با موضوع حقوق بشر مخالف اند و حقوق و آزادی های مندرج در کنوانسیون های بین المللی را خلاف اصول و ارزشهای اسلامی می پندارند. هرچند برخی مقامات طالبان گفته اند که اکثریت نورم های بین المللی حقوق بشر از نظر آنها با شریعت سازگار است و آنها در برابر تعهدات بین المللی افغانستان متعهد می باشند⁸، اما در عمل، سیاست های طالبان در تضاد کامل با ارزشهای مندرج در کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر قرار دارد و آنها برخلاف تعهدات افغانستان عمل می کنند. افغانستان تحت تسلط طالبان بدون در نظر داشت اینکه حکومت آنها به رسمیت شناخته شود یا خیر، در اجرای تعهدات بین المللی حقوق بشر مکفیت دارد. مسوولیت کشورها در قبال کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر با تغییر رژیم از بین نمی رود.

سیستم قضایی کشور نیز پس از آگست 2021 میلادی دچار دگرگونی های زیادی گردید. تغییرات به میان آمده فعلی بسیار ناامید کننده است. با تسلط طالبان قضات و سارنوالان زن را خانه نشین شدند. هم چنین قضات قبلی کنار گذاشته شدند و در عوض آنها افراد متعلق به طالبان گماشته شدند. لوی سارنوال هم در سیستم عدلی اداره فعلی به ریاست تطبیق فرامین تبدیل شده است. قاضی القضاات، وزیر عدلیه، سایر پست های کلیدی عدلی و قضایی در مرکز و ولایات آموزش دینی دیده اند و هیچ نوع تحصیلات آکادمیک حقوقی ندیده اند. در کنار محاکم ولایتی و ولسوالی ها، مقامات بلند پایه ولایتی نیز از صلاحیت قضایی و عدلی برخوردارند و به قضایا رسیدگی می کنند. علاوه بر آن، برخی فرماندهان طالبان نیز به قضایای مانند

⁸ سازمان ملل متحد، "وضعیت حقوق بشر در افغانستان"، گزارش گزارشگر ویژه در امور حقوق بشر در افغانستان، صفحه سوم، قابل دسترس در این لینک: <https://docs.un.org/en/A/HRC/51/6>

سرقت، زنا، تجاوز رسیدگی نموده و گاهی بدون در نظر داشت پروسیجرهای عدلی و قضایی، افراد را خودسرانه مجازات می کنند.

محتسبان امر به معروف و نهی از منکر نیز بر اساس قانون امر به معروف و نهی از منکر صلاحیت های گسترده و بی ضابطه دارند حتی در برخی قضایا افراد را بدون رعایت پروسیجرهای قانونی بازداشت نموده و مجازات می کنند. محتسبان صلاحیت دارند که مجازات تعزیری را اعمال کنند و افراد را تنبیه، تهدید و یا تا سه روز حبس نمایند. این بازداشت های اداری خودسرانه برای اولین بار است که در کشور انجام می شود. قانون امر به معروف و نهی از منکر به محتسبان صلاحیت می دهد که مجازات هایی را که "مناسب"⁹ تشخیص می دهند، اعمال کنند که این امر سبب می شود که محتسبان سلیقه ای عمل کنند و خود شان تشخیص دهند که کدام مجازات مناسب است.

طالبان در نوامبر 2021 میلادی انجمن مستقل وکلای مدافع را تحت کنترل شان در آورد و آن را در ساختار وزارت عدلیه ادغام کرد. بر اساس تصمیم آنها صلاحیت صدور جوازنامه وکلای مدافع از انجمن وکلای مدافع مصادره گردید. طالبان جواز وکالت مدافع برای زنان را ممنوع نمود. تا ماه جون 2022 میلادی 2409 مرد به حیث وکیل مدافع جواز داشتند در حالی که در دوره جمهورییت حدود 4000 نفر به شمول 270 زن به حیث وکیل مدافع فعالیت داشتند¹⁰.

در سیستم قضایی طالبان، وکلای مدافع مرد می توانند از موکلین شان وکالت کنند؛ اما در عمل قضات و سارنوالان به نقش وکلای مدافع چندان اعتنایی ندارند و حضور آنها را غیر ضروری می پندارند. در برخی موارد قضات به بهانه سرعت بخشیدن به روند قضایی، وکلای مدافع را از جریان محکمه اخراج می کنند¹¹.

طالبان از همان لحظه ای که به قدرت رسیدند، تا حال حاضر صدها احکام، فرمان، دستورات کتبی و شفاهی به منظور سلب حقوق و آزادی های افشار مختلف جامعه به ویژه زنان افغانستان صادر و اجرا کرده اند. این فرامین و دستورها متناقض و ناسازگار با اصول قانونیت و برابری اند. این وضعیت به دلیل نبود یک روند ثابت برای نشر رسمی قوانین از طریق یک جریده رسمی منظم و در دسترس عموم، وخیم تر شده است. در نتیجه، حفظ یک تصویر جامع از متون حاکم، تعیین سلسله مراتب هنجاری آنها، یا ارزیابی اعتبارشان حتی در چارچوب نظام حقوقی ادعایی خود طالبان دشوار شده است.

تنها در بخش عدالت، مجموعه ای از فرمان ها و دستورالعمل ها حدود بیست مورد است که بر محاکم، نهادهای عدلی و قضایی و دسترسی به عدالت تأثیر گذاشته اند. نهادهای قضایی و رسیدگی کننده را از محاکم مستقل به سازوکارهای مبتنی بر امر و فرمان بدل ساخته است. این اقدامات دسترسی به عدالت را محدود کرده، وضاحت حقوقی را تضعیف نموده و اصول مربوط به برابری در برابر قانون، طی مراحل قانونی و اصول محاکمات عادلانه و منصفانه را به شدت آسیب زده است.

در برابر هر فرمان و سیاست طالبان که بر ضد موازین حقوق بشر اعلان شده، فعالان حقوق بشر، سازمان های بین المللی و اعضای جامعه بین المللی اعتراض کرده اند. با وجود اعتراضات و فشارهای ملی و بین المللی، رهبر طالبان هیچ نوع انعطاف از خود نشان نداده است. گفتنی است که برخی مقامات طالبان در کابل، با بعضی از فرامین و سیاست های رهبر ارشد طالبان خصوصاً در مورد آموزش دختران مخالفت کرده اند؛ اما موفق به تغییر موضع رهبر طالبان نشده اند.

⁹ قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر، ماده 24، بند 7. مصوب سال 1403 خورشیدی

¹⁰ سازمان ملل متحد، گزارش به سرکتر جنرال، "وضعیت افغانستان و تأثیرات آن بر امنیت و صلح بین المللی" صفحه سوم، A/80/366

S/2025/554

¹¹ سازمان ملل متحد، "وضعیت حقوق بشر در افغانستان"، گزارش گزارشگر ویژه در امور حقوق بشر در افغانستان، صفحه 14، قابل دسترس در

این لینک: <https://docs.un.org/en/A/HRC/51/6>

طالبان برای دفاع از سیاست های زن ستیزانه و سایر سیاست های محدود کننده حقوق و آزادی های فردی و جمعی مردم، به شریعت اسلام و سنت های افغانستان متوسل می شوند. آنها استدلال می کنند که چنین سیاست های شان مطابق شریعت اسلام و سنت جامعه افغانستان است. اما تعدادی از علمای اسلامی برخلاف آنچه طالبان می گویند، به ویژه در مورد حقوق زنان نظر متفاوت دارند. به طور مثال، محمد العیسی سر منشی لیک جهانی مسلمانان و ریس سازمان شورای اسلامی در کنفرانس همکاری اسلامی که در اسلام آباد پاکستان برگزار شده بود، گفت که انکار حق آموزش دختران غیر عادلانه و خلاف آموزه های اسلامی است¹².

برخی از عالمان دین در پی اعتراض از سیاست های طالبان مورد پیگرد قرار گرفته اند. سه عالم دین به نام های عبدالقادر قانت، محمود حسن و عبدالعزیز شجاع در یک گردهمایی تحت عنوان "صلح و همدیگر پذیری مردم افغانستان" که به تاریخ 28 جنوری 2025 میلادی در کابل برگزار شده بود، از طالبان انتقاد کردند. آنها خواهان تشکیل حکومت همه شمول و تامین حقوق زنان شدند. اما این سه عالم دین پس از این گردهمایی توسط استخبارات طالبان بازداشت شدند¹³. آنها پس از سپری کردن دو تا سه روز در زندان، دوباره آزاد شدند.

هر نوع اعتراض و مقاومت در برابر سیاست های ظالمانه طالبان با سرکوب و بازداشت مواجه می گردد. زنان افغانستان در شهرهای بزرگ مانند کابل، هرات، مزارشرف و برخی شهرهای دیگر به خاطر سیاست های زن ستیزانه طالبان چندین بار تظاهرات کردند ولی سربازان طالبان با مظاهره کنندگان با خشونت رفتار نموده و تعدادی را بازداشت کردند. برخی از فعالان حقوق زن را از خانه های شان ربوده و برای چندین هفته در بازداشت نگهداشتند. برخی از خبرنگارانی را که از جریان این تظاهرات ها فیلم و عکس می گرفتند، بازداشت و شکنجه کردند. سرکوب تظاهرات زنان با اعتراض های شدید فعالان حقوق بشر، سازمان های بین المللی و اعضای جامعه جهانی مواجه گردید.

همانطوری که قبلاً گفته شد، ساختارهای مستقل نظارت کننده منحل گردیده است و در حال حاضر ساختار مستقل نظارت کننده و حامی حقوق بشر در داخل افغانستان به استثنای دفتر یوناما وجود ندارد. رسانه های خصوصی داخلی با فشار و سانسور مواجه هستند و رسانه های خارج از کشور، دسترسی آزاد به اطلاعات داخل افغانستان ندارند. سازمان های جامعه مدنی افغانستان تعطیل شده و اکثریت فعالان حقوق بشر، به دلیل تهدیدات امنیتی از کشور گریخته اند و به کشورهای غربی و یا کشورهای همسایه زندگی می کنند.

دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) تنها نهاد مستقلی است که در داخل افغانستان حضور دارد. بخش حقوق بشر دفتر یوناما هنوز فعال است که از وضعیت حقوق بشر در افغانستان نظارت می کند. یوناما به طور منظم از وضعیت حقوق بشر افغانستان گزارش ارائه می کند. نفس حضور دفتر یوناما در افغانستان مثبت است؛ اما آنچنان که انتظار می رود، نقش بازدارندگی ندارد. از آنجایی که مقامات حاکم از کار زنان در دفاتر ملل متحد ممانعت کردند، به نظر می رسد که با این ممانعت دسترسی یوناما محدود شده است.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ماه آپریل 2022 برای نظارت و گزارشدهی از وضعیت حقوق بشر در افغانستان، ریچارد بنت را به حیث گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در افغانستان توظیف کرد. گزارشگر ویژه با انجام چندین سفر به افغانستان گزارش های متعددی از وضعیت حقوق بشر در افغانستان به سازمان ملل متحد ارائه نموده است.

¹² تلویزیون آمو، "رییس اتحادیه جهانی اسلام می گوید که ممنوعیت آموزش دختران گناه بزرگی است"، جنوری 12، 2025، قابل دسترس در این

لینک: Available on: <https://amu.tv/150346/>

¹³ تلویزیون آمو، "واکنش ها به بازداشت سه عالم دین: طالبان تحمل صداهای مخالف را ندارند"، جزییات بیشتر در این لینک:

<https://amu.tv/fa/154315>

گزارش های گزارشگر ویژه در نبود رسانه های آزاد و سازمان های مدنی در داخل، اطلاعات دقیق و واقعی را از وضعیت حقوق بشر در افغانستان منعکس می کنند.

نشر گزارش های گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان سبب خشم طالبان گردید. گزارشگر ویژه به تاریخ 21 آگست 2024 میلادی با نشر اعلامیه ای اظهار نمود که طالبان اعلان کرده اند که از این به بعد به او اجازه ورود به افغانستان داده نمی شود¹⁴. بنابر این، در حال حاضر گزارشگر ویژه نیز دسترسی مستقیم به داخل افغانستان ندارد. هرچند داشتن دسترسی مستقیم به داخل افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است؛ اما مشکل عدم دسترسی با کمک تکنالوژی در عرصه ارتباطات تا حدودی رفع می گردد.

دیوان مقدماتی محکمه جزایی بین المللی به تاریخ 8 جولای 2025 میلادی حکم بازداشت هیبت الله رهبر ارشد طالبان و عبدالحکیم حقانی قاضی القضاة طالبان را صادر کرد. در حکم بازداشت این محکمه آمده است که دلایل معقول وجود دارد که نشان می دهد هریک از متهمان مسوول صدور دستور، ترغیب یا تشویق به ارتکاب جنایت علیه به شکل تبعیض و آزار و اذیت بر مبنای جنسیت هستند. قبل از آن، به تاریخ 23 جنوری 2025 میلادی سارنوال محکمه جزایی بین المللی از قضاة این محکمه خواست که حکم بازداشت این دو رهبر طالبان را به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت بر مبنای جنسیت صادر کند.

صدور حکم بازداشت رهبر و قاضی القضاة طالبان توسط محکمه جزایی بین المللی یک قدم بسیار مهم و امیدوار کننده است و در تاریخ افغانستان بی سابقه است. صرف نظر از اینکه بازداشت و محاکمه رهبر و قاضی القضاة طالبان چقدر عملی است، تحقیقات و مستندسازی محکمه در مورد متهمان و صدور حکم بازداشت آنها، یک گام به جلو برای پاسخگویی و حسابدهی است. علاوه بر آن، صدور حکم بازداشت متهمان پیامدهای سیاسی برای طالبان دارد و روند عادی سازی روابط با طالبان و به رسمیت شناختن حاکمیت آنها را با مشکلات جدی رو به رو می کند.

به تاریخ 6 اکتوبر 2025 میلادی، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با تصویب یک قطعنامه، ایجاد سازوکار مستقل تحقیقی برای بررسی نقض حقوق بشر در افغانستان را تأیید کرد و علاوه بر آن، ماموریت گزارشگر ویژه را نیز تمدید نمود. این سازوکار مستقل تحقیقی برای افغانستان، اسناد، مدارک و شواهد نقض حقوق بشر و جنایات بین المللی به شمول جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت را جمع آوری، حفظ و تحلیل می کند. ایجاد این سازوکار تحقیقی برای افغانستان یک اقدام بسیار مهم و ارزنده برای عدالت و پاسخگویی در افغانستان است. هرچند این سازوکار تحقیقی از جانب شورای حقوق بشر ملل متحد باید وقت تر ایجاد می شد. ولی این اقدام نشانگر این است که صدای قربانیان نقض حقوق بشر در افغانستان شنیده می شود. امید می رود که این سازوکار مستقل تحقیقی کارش را به زودی آغاز نماید و اعضای جامعه جهانی نیز توجه بیشتری به وضعیت حقوق بشر در افغانستان مبذول بدارد.

در مجموع موضع اعضای جامعه جهانی در مورد اوضاع سیاسی و وضعیت حقوق بشر در افغانستان قناعت بخش نیست. هرچند حاکمیت طالبان هنوز به رسمیت شناخته نشده و افغانستان در انزوای بین المللی به سر می برد و برخی از مقامات ارشد طالبان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد قرار دارند؛ اما برخی دولت ها در تلاش عادی سازی روابط با طالبان هستند. برخی از کشورها به شمول قطر، امارات متحده عربی، چین، ازبکستان، روسیه، قزاقستان، ایران، پاکستان، ناروی، ترکیه و اخیراً جرمنی کنسولگری های افغانستان را به طالبان واگذار کرده اند. این کشورها برخلاف تعهدات بین المللی شان در قبال

¹⁴ سازمان ملل متحد، گزارشگر ویژه در امور حقوق بشر در افغانستان، "گزارشگر ویژه ملل متحد در امور حقوق بشر در افغانستان می گوید باوجود ممنوعیت ورود او به مردم افغانستان متعهد است"، 21 آگست 2024، قابل دسترس در این لینک:

<https://www.ohchr.org/en/statements-and-speeches/2024/08/un-special-rapporteur-says-committed-people-afghanistan-despite>

حقوق بشر، در صدد عادی سازی روابط با طالبان هستند. عادی سازی روابط با طالبان، عادی سازی جدی ترین و گسترده ترین موارد نقض حقوق بشر و چشم پوشی از حقوق قربانیان است.

موضع گیری دولت های عضو سازمان ملل متحد در قبال چگونگی تعامل با افغانستان کنونی متفاوت و متناقض است. برخی از کشورها به شمول چین و روسیه خواهان آزاد سازی پول های افغانستان که توسط ایالات متحده آمریکا مسدود شده است، می باشند و استدلال می کنند که این پول متعلق به مردم افغانستان و باید برای کمک های بشردوستانه استفاده شود، اما برخی کشورهای دیگر به شمول ایالات متحده و کشورهای اروپایی مخالف آزاد سازی این پول است. باید گفت که اگر پول های مسدود شده، آزاد گردد، هیچ تضمینی وجود ندارد که این پول برای رفع گرسنگی و کاهش فقر به مصرف برسد. با این حال، سازمان های خیریه بین المللی همواره از افزایش گرسنگی و فقر در میان مردم افغانستان هشدار می دهند.

دولت ایالات متحده آمریکا پس از به قدرت رسیدن طالبان در آگست 2021 میلادی بزرگترین کمک کننده به برنامه های بشردوستانه در افغانستان بوده و تا ماه آپریل 2025 میلادی بیش از 3.83 میلیارد دالر کمک های بشردوستانه و انکشافی به افغانستان ارائه نموده است¹⁵. کمک های دولت ایالات متحده آمریکا به افغانستان نیز با انتقاداتی مواجه بوده است. اداره بازرسی آمریکا ادعا می کند که طالبان از این کمک ها به نفع خود استفاده می کنند. اداره بازرسی ایالات متحده برای بازسازی افغانستان (SIGAR) با نشر گزارش خود گفته است که حداقل 10.9 میلیون دالر به صورت مالیات و هزینه های دیگر به رژیم طالبان پرداخت شده است¹⁶. پس از آن، دولت ایالات متحده با استناد به این گزارش مبنی بر سوء استفاده طالبان از این کمک ها، بسیاری کمک های خود به افغانستان را لغو کرد. به ادامه آن، به تاریخ 5 آپریل 2025 میلادی 16 برنامه (به استثنای دو برنامه که متعلق به آموزش زنان است) اداره کمک های بشردوستانه (USAID) در افغانستان مجموع هزینه تخمینی آن به بیش از 765 میلیون دالر می رسید، لغو گردید¹⁷.

سازمان ملل متحد در ماه آپریل 2023 میلادی، بر اساس قطعنامه 2679، فریدون سینیرلی اوغلو (Feridun Sinirlioglu) را به حیث هماهنگ کننده ویژه این سازمان در امور افغانستان تعیین کرد تا وضعیت افغانستان را بررسی نموده و یک نقشه راه جامع و منسجم در مورد چالش های کنونی افغانستان را ارائه کند. آقای اوغلو به مدت هشت ماه، یک ارزیابی مستقل افغانستان را به سازمان ملل متحد سپرد. بر اساس ارزیابی آقای اوغلو به رسمیت شناختن حکومت طالبان مشروط به پابندی به تعهدات بین المللی افغانستان در قبال حقوق بشر باشد. هم چنان او پیشنهاد کرد که در مورد طالبان یک اجماع بین المللی صورت گیرد و یک گفتمان ملی برای ایجاد حکومت فراگیر و تضمین صلح پایدار و توسعه در افغانستان آغاز شود. اما فعالان مدنی و برخی از احزاب سیاسی افغانستان در مورد طرح آقای اوغلو به ویژه عادی سازی روابط با طالبان ابراز نگرانی کردند.

تا اکنون سه نشست در شهر دوحه کشور قطر به ابتکار سازمان ملل متحد برگزار شده است. در این نشست ها موضوعات چون رسیدگی به بحران بشردوستانه افغانستان، حقوق زنان، تشکیل حکومت فراگیر، تروریسم و مبارزه با مواد مخدر در افغانستان مورد بحث قرار گرفتند. در ماه آپریل 2023 اولین نشست و در ماه فبروری 2024 میلادی دومین نشست دوحه با حضور دبیرکل سازمان ملل متحد برگزار شد. در نشست اول نمایندگان دولت های مختلف و نمایندگان نهادهای بین المللی اشتراک داشتند ولی از طالبان و هیچ کسی دیگر به عنوان نماینده های مردم افغانستان دعوت نشده بود.

در دومین نشست دوحه برخی از چهره ها به نمایندگی از جامعه مدنی افغانستان به شمول فعالان حقوق زن اشتراک کردند. اما نماینده های طالبان با وجودی که دعوت شده بودند، به دلیل پذیرفته نشدن شرایطی که آنها خواسته بودند، در این نشست اشتراک نکردند. یکی از شرایط طالبان این بود که سازمان ملل متحد نباید نماینده ویژه برای افغانستان تعیین نماید و

¹⁵ همان

¹⁶ همان، صفحه 7

¹⁷ همان، صفحه 8

هم چنین آنها تقاضا کردند که هیچ کسی دیگر به جز طالبان به نمایندگی از افغانستان اشتراک نکند. در نشست سوم دوحه که در ماه جولای 2024 میلادی برگزار شد، نمایندگان طالبان اشتراک کردند؛ اما نمایندگان جامعه مدنی افغانستان از نشست اصلی حذف شدند. با نمایندگان جامعه مدنی افغانستان قبل و بعد از نشست گفتگو صورت گرفت. حذف نمایندگان جامعه مدنی از نشست اصلی با اعتراض های فراوان همراه بود.

به نظر می رسد که تمامی پالیسی های تعامل با طالبان به شمول نشست های دوحه تا اکنون نتیجه بخش نبوده و برای حل بن بست موجود در افغانستان کمک نکرده است. چشم انداز تعامل و عدم تعامل با طالبان تا اکنون روشن نیست و به این لحاظ اکثریت کشورها پالیسی روشن در قبال افغانستان ندارند. طالبان نیز نه تنها که از سیاست های ظالمانه خود عقب نشینی نکرده اند، بلکه سرسختانه تر از قبل به این سیاست های ضد حقوق بشر خود ادامه می دهند. جامعه جهانی به ویژه دولت های غربی که در بیست سال دوره جمهوریت دخیل بودند، چندان علاقمند به افغانستان نیستند. بنابر این، جامعه جهانی در مورد افغانستان نه تنها که اجماع نظر ندارند؛ بلکه در مورد آن تقریباً بی تفاوت هستند. عدم اجماع جامعه جهانی و بی تفاوتی در قبال افغانستان، چشم انداز حقوق بشر در افغانستان را تاریک تر از قبل خواهد کرد. اگر در موضع منفعل جامعه جهانی تغییری ایجاد نشود، بحران حقوق بشری در افغانستان به طور غیر قابل تصویری وخیم تر خواهد شد.

از آنجایی که افغانستان یکی از کشورهای عقب مانده و جامعه افغانستان سنتی است، عوامل و ریشه های نقض حقوق بشر در افغانستان متعدد و پیچیده است. علاوه بر اینکه طالبان به طور گسترده و سیستماتیک حقوق بشر را نقض می کند، نقض حقوق بشر در افغانستان عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دارد. فقر اقتصادی، نرخ پایین سواد و سطح پایین آگاهی، عدم حاکمیت قانون، سنت های ناپسند اجتماعی، فساد در ادارات عامه از جمله عمده ترین عوامل نقض حقوق بشر در افغانستان محسوب می شود.

علاوه بر سیاست های ظالمانه طالبان، خشکسالی، سیلاب، زلزله، اخراج اجباری گسترده مهاجران افغانستان از کشورهای همسایه، افزایش نرخ بیکاری، کاهش کمک های بین المللی، ناتوانی طالبان در مدیریت بحران و ارائه خدمات به شهروندان و ناتوانی آنها در جلب و جذب کمک ها، وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور را پیچیده و مردم افغانستان را به شدت آسیب پذیر ساخته است. این عوامل بر وضعیت حقوق بشر نیز تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم دارد و سبب محرومیت های بیشتری مردم از حقوق بشری شان می گردد.

قبل از سقوط دولت جمهوری در افغانستان گام های مهمی در راستای حمایت و تقویت حقوق بشر به ویژه آموزش، کار، صحت، آزادی بیان و سایر حقوق و آزادیهای اساسی برداشته شد. تلاش های زیادی از طریق تدوین برنامه ها و طرح پالیسی های دولتی و غیر دولتی برای دسترسی به حقوق بشری مردم در جریان بود. اما بعد از به قدرت رسیدن طالبان در آگست 2021 میلادی، نقض حقوق بشر به طور گسترده و سیستماتیک جریان دارد و حاکمان فعلی به طور سازماندهی شده، حقوق بشری افراد را با خشونت و تهدید سلب می کنند. به عبارت دیگر در حال حاضر، مردم افغانستان در میان چندین بحران به شمول سیاست های ظالمانه طالبان، آفات و بلاهای طبیعی، فقر، بیکاری و خشکسالی، گیر افتاده اند و چشم انداز روشنی برای بهبود اوضاع دیده نمی شود.

فصل دوم: حقوق زنان

اجرای تمام قوانین، فرامین و دستورهای کتبی و شفاهی که از چهار سال قبل صادر شده بود، ادامه یافت و در سال 1404 نیز قوانین و فرامین جدیدی صادر و اجرا گردید. طالبان از روزهای اول رسیدن به قدرت، دهها فرمان، دستور کتبی و شفاهی برای محدود کردن حقوق و آزادی های زنان صادر کردند. با اجرای این فرامین، دستورهای کتبی و شفاهی طالبان، اکنون زنان افغانستان تقریباً از تمامی حقوق و آزادی ها محروم گردیده و با شدید ترین آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت مواجه هستند. این

سیاست های ظالمانه و تبعیض آمیز بسیار گسترده و سیستماتیک است و کشور افغانستان را به یک زندان باز برای زنان تبدیل کرده است.

با اعمال سیاست های تبعیض آمیز طالبان، اکنون زنان از حق کار، حق آموزش بالاتر از صنف ششم، تحصیلات عالی، رانندگی، سفر بدون همراهی محرم مرد، رفتن به پارک و تفریح گاه، حمام عمومی و ورزش محروم شده اند. طالبان سالون های آرایش را به روی زنان بستند. حجاب و پوشش زنان را اجباری کردند و حتا اعلان کردند که صدای زنان عورت است. برای دسترسی به وسایل و ادویه جلوگیری از بارداری محدودیت شدید وضع کردند. آنها اعلان کردند که کلکین های که به سمت خانه همجوار باشد، به خاطر دیده نشدن زنان مسدود و کور شوند.

همه این سیاست های طالبان در مورد زنان افغانستان بر خلاف موازین و ارزشهای کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، اساسنامه رم مربوط به محکمه جزایی بین المللی و سایر اسناد، اعلامیه ها و قطعنامه های سازمان ملل متحد می باشد. سیاست طالبان در مورد زنان افغانستان از مصادیق جنایت علیه بشریت شمرده می شود. از آنجایی که سیاست تبعیض آمیز و سرکوب کننده طالبان علیه زنان قبلا در هیچ جای دنیا چنین گسترده و سیستماتیک سابقه نداشته است، برخی از فعالان حقوق بشر برای اولین بار آنرا "اپارتاید جنسیتی" تلقی کرده اند.

ممنوعیت کار زنان:

ماده یازدهم کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان (CEDAW) بر اهمیت کار زنان و رفع تبعیض در اشتغال، دستمزد برابر با مردان، برخورداری از امنیت شغلی، حق انتخاب آزادانه شغل و حرفه، امکانات شغلی، برخورداری از امتیازات و شرایط خدمتی و استفاده از دوره های آموزشی، برخورداری از تالیفات اجتماعی، برخورداری از بهداشت و ایمنی شرایط کار، جلوگیری از تبعیض به دلیل ازدواج یا بارداری، حق استفاده از مرخصی زایمان و سایر حقوق و آزادی های زنان تاکید می کند. این ماده از تمامی دولت های عضو می خواهد که با هر نوع تبعیض در کار زنان مبارزه نموده و با اجرای برنامه های حمایتی تضمین نمایند¹⁸.

ماده چهاردهم این کنوانسیون مشکلات خاص زنان روستایی را مد نظر قرار داده و نقش مهمی که زنان در حیات اقتصادی خانواده های خود از جمله کار در بخش های غیر مالی انجام می دهند، تاکید می کند. از دولت های عضو می خواهد تا کلیه اقدامات مقتضی را به عمل بیاورند تا کلیه مفاد کنوانسیون نسبت به زنان روستایی اجرا گردد¹⁹.

در دوره جموریت، در قوانین مربوط به کار و اشتغال تبعیض علیه زنان وجود نداشت. افغانستان بر اساس تعهدات بین المللی به شمول کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، اهداف توسعه پایدار و قانون کار افغانستان تلاش می کرد تا تعداد زنان شاغل در ادارات عامه را افزایش دهد. باوجودی که در عرصه عمل برخی مشکلات و موانع در برابر کار زنان وجود داشت؛ اما تعداد زیادی زنان در ادارات عامه و خصوصی کار می کردند و تعداد آنها حدود 220000 هزار تن تخمین زده می شد. براساس قانون کار، زنان از فرصت های شغلی، دستمزد مساوی با مردان و پرداخت حقوق در مرخصی زایمان برخوردار بودند. تلاش ها جریان داشت که در سالهای بعدی تعداد زنان شاغل در ادارات عامه افغانستان به 30 درصد برسد. زنان در ادارات دولتی ملکی، سکتور دفاعی و امنیتی نیز مصروف وظیفه بودند. در دوره های مختلف زمان جمهوریت زنان در کابینه دولت افغانستان حضور داشتند. بر اساس ماده 83 قانون انتخابات مصوب سال 2004 میلادی، 25 درصد کرسی های پارلمان

¹⁸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، مصوب 18 دسامبر 1979، ماده 11

¹⁹ همان، ماده 14

برای زنان در نظر گرفته شده بود. یعنی از مجموع 249 کرسی، 68 کرسی برای زنان اختصاص یافته بود. در آخرین پارلمان افغانستان 69 کرسی یعنی بیش از 27 درصد را زنان در اختیار داشتند.

با سقوط دولت جمهوریت در آگست 2021 میلادی، وضعیت کار و اشتغال زنان کاملاً تغییر کرد. طالبان مانع وارد شدن کارکنان زنان (به استثنای کسانی که در بخش صحت و معارف کار می کنند) در ادارات عامه شدند و از آنها خواستند تا در خانه بمانند. در حالی که زنان اجازه دارند در برخی از ادارات عامه از جمله میدان هوایی، ریاست پاسپورت، توقیف خانه ها و محابس زنان به وظایف شان ادامه بدهند، تعداد زیادی از زنان که در بخش های مسلکی و خدمات ملکی کار می کردند، مجبور شده اند تا حالا در خانه بمانند.

زنانی که در سکتور اقتصاد غیر رسمی مانند بخش صنایع دستی و هنر، زراعت و مالداري و تشبثات کوچک مانند دکان ها و رستوران ها مصروف بودند نیز متضرر شدند زیرا که در آوردن محصولات به بازار و محدودیت ایجاد شده در رفت و آمد زنان، مانع جدی ایجاد کرده است. به طور مثال، خیاطی های زنان از سوی مقامات حاکم مسدود گردید. در حالی که کار زنان در سکتور غیر رسمی اقتصادی و کسب و کارهای کوچک و متوسط به ویژه برای زنان بیوه و بی سرپرست و زنان روستایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و ایجاد موانع برای آنها استقلال مالی زنان را از بین برده است و در نتیجه خانواده های آنها راه درآمد شان را از دست داده اند.

در سال 2025 میلادی، ممنوعیت کار زنان ادامه داشت. بر اساس فرمان منتشر شده 5 آپریل 2023 میلادی توسط رهبر طالبان، کار زنان در خارج از خانه ممنوع اعلام گردید. هرچند زنان قبل از صدور این فرمان از روزی که طالبان به قدرت رسیدند، از کار کردن در ادارات دولتی ممنوع گردید. حالا تعداد اندکی از داکتران زن و کارکنان صحتی در شفاخانه ها و کلینیک ها، مکتب های ابتداییه، میدان هوایی و زندانها مصروف وظیفه هستند. در سایر عرصه ها، زنان از حق کار محروم هستند. به تاریخ 25 جون 2023 بر اساس دستور شفاهی رهبر طالبان تمام آرایشگاه های زنان مسدود گردید. آرایشگاه ها و سالون های زیبایی زنانه از سوی مقامات حاکم غیر اسلامی قلمداد شد. در برخی موارد این آرایشگاه ها با اجبار و استفاده از زور مسدود گردیدند. معلمان زن در مکاتب پسرانه حتا مکاتب ابتداییه نیز ممنوع گردید.

در طول سال 2025 میلادی، گزارش های از بازداشت زنانی که مخفیانه سالون های زیبایی را اداره می کردند، به نشر رسیده است. اما تعداد این قضایا هنوز معلوم نیست. به تاریخ 23 فبروری محتسبان امر به معروف و نهی از منکر ولایت سرپل، بدون حکم و اطلاع قبلی تلاشی خانه به خانه را به منظور تخریب و ضبط محصولات و وسایل زیبایی زنان را انجام دادند²⁰. پس از ممنوعیت کار سالون های زیبایی زنان، آنها وسایل و محصولات زیبایی را به خانه انتقال داده و در خانه های شان این خدمات را ارائه می کردند. سالون های زیبایی زنان در ماه جولای 2023 میلادی توسط مقامات حاکم مسدود گردید.

به تاریخ هفتم سپتامبر 2025 میلادی رسانه ها گزارش دادند که نیروهای طالبان کارمندان زن دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) در شهر کابل را اجازه ورود به دفتر شان ندادند²¹. سربازان طالبان به این کارمندان زن گفتند که بر اساس فرمان رهبر طالبان، زنان اجازه کار در خارج از خانه را ندارند. یوناما تایید کرد که طالبان مانع ورود کارمندان زن به دفاتر این سازمان شدند. یوناما این اقدام طالبان را مانع جدی در برابر اجرای ماموریت های سازمان ملل متحد در افغانستان دانست و این دفتر به رسانه ها گفت که پس از این اتفاق، کارکنان زن خود را تا اطلاع بعدی به مرخصی فرستاده است. بر اساس گزارش یوناما نیروهای طالبان در دروازه های ورودی دفاتر ملل متحد در کابل، هرات و مزار شریف مستقر

²⁰ یوناما، "وضعیت حقوق بشر در افغانستان: از جنوری تا مارچ 2025"، صفحه 2

²¹ افغانستان انترنشنل، "طالبان مانع ورود کارمندان زن ملل متحد به دفتر یوناما شد"، هشتم سپتامبر 2025 میلادی، جزییات بیشتر در این لینک:

<https://www.afintl.com/202509088182>

شده بودند تا این محدودیت را اجرا کنند²². این اقدام بر اساس ابلاغیه 5 آپریل 2023 میلادی مبنی بر ممنوعیت کار زنان، اجرا گردید. تا زمان تهیه این گزارش به کارمندان زن ملل متحد اجازه بازگشت به کارشان داده نشده است. قابل یادآوری است که کارمندان زن داخلی یوناما و سایر دفاتر ملل متحد، صندوق ها و برنامه های ملل متحد از سوی افراد ناشناس تهدید به مرگ شده بودند²³.

به تاریخ 11 نوامبر 2025 میلادی، مقامات طالبان دکان های زنان در شهر نیلی مرکز ولایت دایکندی را بستند. بر اساس گزارش رسانه ها، در اثر مسدود شدن دکانهای زنان در دو بازار شهر نیلی حدود 300 زن بیکار شده اند. طالبان گفته اند که دکانهای زنان به دلیل فعالیت در بین مردان بسته شده است. مقامات حاکم در دایکندی گفته اند که زنان تجارت خود را در پارکی در گوشه شهر ادامه بدهند و باید برای خودشان دکانهای چوبی (غرفه) که مبلغ آن 50000 افغانی است، خریداری کنند. قبل از این قضیه نیز تعداد از دکان های مربوط به زنان از بازار نیلی به جای دیگر شهر منتقل شده بود. زنان معترض به دفتر والی طالبان در دایکندی مراجعه کردند اما موفق به دیدار وی نشدند. با اصرار زنان، معاون والی طالبان با برخی از نمایندگان زنان ملاقات کرد ولی زنان برخورد وی را توهین آمیز و نادرست خواندند. وی زنان معترض را تهدید کرده است که یا از دستورات شهرداری پیروی کنند و یا دکانهای شان را جمع نموده و در خانه بمانند²⁴.

محدودیت ها در پوشش و گشت و گذار زنان:

وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان به تاریخ 26 دسامبر 2021 میلادی رهنمودی را درباره مسافرت صادر کرد. بر اساس این رهنمود راننده ها نباید زنان بدون محرم و زنانی که حجاب اسلامی ندارند، از مسافت بیش از 78 کیلومتر انتقال دهند. به تعقیب آن، به تاریخ 27 مارچ 2022 میلادی وزارت امر به معروف و نهی از منکر به مالکان پارک های تفریحی، باغ ها، جای میله ها در کابل دستور داد تا اوقات جداگانه ای را برای دسترسی مردان و زنان اختصاص دهند و به تکت فروشی ها هدایت داد تا تکت طیاره ها را به زنان بدون محرم به فروش نرسانند.

در ماه نوامبر 2021 میلادی، مقامات حاکم بر فعالیت رسانه های تلویزیونی محدودیت هایی را وضع کردند و از تلویزیون ها خواستند که از نشر درامه های که در آن زنان نقش دارند جلوگیری کنند و خبرنگاران زن باید حجاب اسلامی را رعایت کنند. قبل از آن به تاریخ 8 سپتامبر 2021 میلادی، مقامات حاکم ورزش برای زنان را به خاطر رعایت نشدن حجاب اسلامی نامناسب دانستند و ممنوع اعلان کردند.

در ماه جنوری 2022 میلادی، طالبان کمپایی را تحت نام رعایت حجاب اسلامی راه اندازی کردند. آنها با نصب بیلبوردهای تبلیغاتی در شهر ها و در مسیر شاهراه ها و نشر و پخش بیانیه ها این کمپین را آغاز کردند. هم چنین از ملا امامان مساجد خواستند تا در مورد رعایت حجاب اسلامی سخن بگویند. به تعقیب آن، در ماه می 2022 میلادی، صدور جواز رانندگی برای خانم ها را متوقف کردند و به مراکز آموزش رانندگی دستور دادند که خدمات شان را برای زنان متوقف کنند. مقامات حاکم در ماه مارچ 2022 میلادی، ورود زنان به سالن های ورزشی و پارک ها را ممنوع اعلان کردند.

در طول سال 1404 خورشیدی، وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان و ریاست های ولایتی به اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر و سایر فرامین و دساتیر مقامات خود را در سراسر کشور ادامه دادند. این اقدامات طالبان زندگی روزمره اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم به ویژه زنان را متاثر کرده است.

²² یوناما، "گزارش جدید در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان: از جولای تا سپتامبر 2025"، صفحه 2، قابل دسترس در این لینک:

<https://unama.unmissions.org/human-rights-monitoring-and-reporting-0>

²³ یوناما، "وضعیت حقوق بشر در افغانستان: از آپریل تا جون 2025"، صفحه 3

²⁴ افغانستان انترنشنل، "طالبان دهها کسب و کار زنان را در دایکندی بسته است"، 14 اکتوبر 2025، جزییات بیشتر در این لینک:

<https://www.afintl.com/202511145070>

در طول سال 1404، طالبان دستورها و فرامین رهبر طالبان و قانون امر به معروف و نهی از منکر را در تمام ولایات افغانستان اجرا کردند. گزارش‌های متعددی از ولایات مختلف نشان می‌دهد که محتسبان امر به معروف و نهی از منکر، مانع سفر زنان بدون محرم و بدون حجاب اسلامی شدند و هم‌چنان در برخی موارد زنانی را که سرپیچی کرده بودند، مورد ت و کوب قرار داده و یا بازداشت کردند.

در ماه جنوری 2025 میلادی، محتسبان امر به معروف و نهی از منکر مانع حضور زنان در بند باشند واقع در ولسوالی کرخ ولایت هرات شدند و گفتند که تنها مردان اجازه ورود به آنجا را دارند. هم‌چنین در اواخر جنوری محتسبان در ولایت غزنی به ادارات این ولایت دستور دادند که از ورود زنان بدون و زانی که حجاب مناسب اسلامی نداشته باشند، ممانعت کنند. علاوه بر آن، در 18 جنوری پولیس سرحدی و محتسبان امر به معروف و نهی از منکر ورود زنان به بازار سرحدی افغان-تاجیک را به منظور جلوگیری از اختلاف زنان با مردان، ممنوع کردند²⁵.

در ماه می 2025 میلادی در ولایت کندهار دستوری صادر شد که بر اساس آن کارمندان صبحی زن موظف شدند که در رفتن به محل کار، با محرم مرد همراه باشند و محرم نیز "کارت شناسایی محرم" که از سوی ریاست صحت عامه صادر می‌شود، داشته باشد. در ماه فروری نیز محتسبان امر به معروف و نهی از منکر در جریان بازدید از یک کلنیک در ولایت کندهار به محافظان و مسوولان کلنیک دستور دادند که از ورود کارمندان زن و مریضان زن بدون محرم جلوگیری کنند.

محتسبان همراه با پولیس طالبان از 16 تا 19 جولای تعداد زیادی از دختران را از مناطق مختلف شهر کابل به شمول دشت برچی، شهر نو و شمال شهر کابل به اتهام نقض فرمان مربوط به حجاب به طور خودسرانه بازداشت کردند. اغلب بازداشت شدگان که دختران جوان بودند، از چند ساعت تا یک شب در دفاتر مربوط به امر به معروف و نهی از منکر بازداشت شدند. پس از گرفتن ضمانت از اقارب مرد آنان، آنها را آزاد کردند. بنابر اطلاعات نشر شده توسط یوناما، تعداد این دختران به بیش از 60 تن می‌رسید.

در ماه سپتامبر محتسبان طالبان در ساحه جبریل شهر هرات به منظور نظارت از حجاب زنان ایست بازرسی ایجاد کردند و گروهی از زنان را که چادر نداشتند، بازداشت کردند. با توجه به اینکه جامعه افغانستان یک جامعه سنتی است، بازداشت زنان به آبرو و جایگاه اجتماعی زنان و خانواده آنها صدمه جدی وارد می‌کند.

به تاریخ 5 نوامبر اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان در ولایت هرات اعلام کردند که از این پس زنان باید هنگام ورود به فروشگاه‌ها برقع یا چادر عربی با روبند بپوشند. هم‌چنان در هرات از ورود زنان بدون برقع در ادارات دولتی نیز جلوگیری کردند. بر اساس گزارش رسانه‌های مستقل، ماموران امر به معروف و نهی از منکر طالبان مانع ورود زنان بدون برقع به ریاست معارف، اداره ثبت احوال نفوس، ریاست محکمه و شفاخانه حوزوی هرات شدند²⁶. هم‌چنان گزارش شده است که به تاریخ 5 نوامبر ماموران طالبان زنان از جمله داکترانی را که برقع نداشتند اجازه ورود به شفاخانه را ندادند و شماری از زنان را به دلیل نپوشیدن برقع ت و کوب کردند. زنان در هرات باجود ساعت‌ها انتظار به دلیل نداشتن برقع نتوانستند با اعضای خانواده در زندان ملاقات کنند²⁷.

²⁵ یوناما، "وضعیت حقوق بشر در افغانستان: از جنوری تا مارچ 2025"، صفحه 2، قابل دسترس در این لینک:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/unama_update_on_human_rights_in_afghanistan_january-march_2025.pdf

²⁶ روزنامه اطلاعات روز، "طالبان در هرات ورود زنان بدون برقع به فروشگاه‌ها را ممنوع کردند"، ششم نوامبر 2025 میلادی، جزییات بیشتر

در این لینک: <https://www.etilaatroz.com/244820/entry-of-women-without-burqa/>

²⁷ افغانستان انترنشنل، "منابع می‌گویند طالبان پوشیدن برقع را در اماکن عمومی هرات اجباری می‌کند"، ششم نوامبر 2025 میلادی، جزییات

بیشتر در این لینک: <https://www.afintl.com/202511055245>

روز بعد، رسانه ها گزارش دادند که رانندگان از سوار کردن زنان بدون برقع منع شده اند. ماموران اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان به رانندگان موترهای شهری و مسافر بری در هرات دستور دادند که زنان بدون برقع را حتا با داشتن محرم مرد نیز سوار نکنند²⁸. به ادامه آن، به تاریخ 9 نوامبر نور احمد اسلام جار والی طالبان در هرات در نشست اداری ولایت دستور داد که هیچ معلم زن بدون پوشیدن چادری (برقع) اجازه ورود به مکاتب هرات را ندارد²⁹.

آموزش زنان:

آموزش دختران بالاتر از صنف ششم در مکاتب یک ماه پس از تسلط طالبان در افغانستان به تاریخ 17 سپتامبر 2021 میلادی، ممنوع شد. قبل از آن، به تاریخ 12 سپتامبر 2021 میلادی، مقامات حاکم اعلان کردند که دختران و زنان می توانند در دانشگاه ها تحصیل کنند؛ اما باید کلاس های درسی شان جدا از دانشجویان مرد باشند. بعد از آن، وزارت تحصیلات عالی طالبان انتخاب رشته های مانند زراعت، وترنری، نفت و گاز، اکتشاف معدن و جیولوجی معدن را در امتحان کانکور (امتحان ورودی به دانشگاه ها) برای دختران ممنوع کردند. حدود یک سال بعد، اشتراک دختران و زنان در امتحان کانکور را ممنوع اعلان کردند. به تاریخ 20 دسامبر 2022 میلادی، تحصیل زنان و دختران در دانشگاه ها کاملا ممنوع گردید. به تاریخ 22 دسامبر وزارت معارف طالبان با صدور مکتوب رسمی، آموزش دختران بالاتر از صنف ششم در مراکز آموزشی خصوصی و کورس های آموزشی را نیز ممنوع اعلان کرد.

در سال 2025 میلادی این ممنوعیت ها ادامه داشت و مقامات حاکم در تطبیق فرمان ممنوعیت آموزش دختران بیشتر از قبل تلاش کردند و افرادی که سرپیچی کردند، مورد پیگرد قرار گرفتند. بر



مکتوب وزارت معارف طالبان به منظور ممنوعیت آموزش دختران بالاتر از صنف ششم

اساس اطلاعات ارائه شده توسط صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF) تا پایان سال 2025 میلادی

²⁸ روزنامه اطلاعات روز، "طالبان در هرات رانندگان را از سوار کردن زنان بدون برقع منع کردند"، هفتم نوامبر 2025 میلادی، جزییات بیشتر در این لینک: <https://www.etilaatroz.com/244905/taliban-new-restrictions-in-herat>

²⁹ افغانستان انترنشنل، "طالبان در هرات به معلمان زن دستور داد بدون چادری به مکتب نروند"، 9 نوامبر 2025 میلادی، جزییات بیشتر در این لینک: <https://www.afintl.com/202511099142>

بیش از 2.2 میلیون دختر نوجوان از حق آموزش محروم خواهند بود³⁰. این رقم با برگشت بیش از 2 میلیون مهاجر برگشته از کشورهای همسایه، افزایش می یابد.

در حال حاضر، دختران صرفاً می توانند که در مدارس دینی که اکثراً متعلق به خود طالبان هستند، آموزش ببینند. با وجودی که برای آموزش دختران محدودیت سنی (بالتر از صنف ششم) را وضع کردند، اما در جذب دختران در مدارس دینی هیچ نوع محدودیت سنی برای دختران وجود ندارد. در این مدارس، دختران را به تابع بودن به مردان، ماشین تولید طفل تشویق می کنند و باید همیشه در خدمت شوهران و فرزندان شان باشند. اما از تدریس دانش مدرن در این مدارس خبری نیست. در عوض مضامین دینی و برخی آموزه های مانند جهاد و سایر موضوعاتی که دانش آموزان را افراطی به بار می آورد، تدریس می شود و این برای آینده کشور به شدت نگران کننده است. تعداد مدارس دینی نیز در سالهای اخیر به شدت افزایش یافته است. بر اساس گزارش مرکز حقوق بشر افغانستان تا سال گذشته (2024 میلادی) به بیش از 22000 باب رسیده بود³¹.

تا ماه دسامبر 2024 میلادی دختران و زنان صرفاً می توانستند در انستیتوت های طبی تحصیل کنند. به این دلیل تعداد کثیری از دختران بازمانده از تحصیل، به انستیتوت های طبی مراجعه و ثبت نام کردند. دخترانی که از مکاتب فارغ تحصیل می شدند و یا از ادامه تحصیل در دانشگاه ها بازمانده بودند، در انستیتوت های طبی که موسسات نیمه عالی هستند، به تحصیلات خود ادامه دادند. اما با صدور فرمان رهبر طالبان به تاریخ دوم دسامبر 2024 میلادی این یگانه فرصت آموزشی نیز ممنوع اعلام شد. با اعلان این ممنوعیت هزاران تن از زنان و دخترانی که در این انستیتوت های طبی تحصیل می کردند، خانه نشین شدند و یگانه روزنه امید شان نیز مسدود گردید. برخی رسانه ها از نقل مقامات وزارت صحت گزارش داده اند که حدود 35000 هزار دختر در 10 انستیتوت دولتی و 150 انستیتوت خصوصی در رشته های پرستاری، طب دندان، قابلیت و لابراتوار تحصیل می کردند.

بر اساس اطلاعات مرکز حقوق بشر افغانستان، در ولایت بدخشان سه انستیتوت طبی به شمول انستیتوت غضنفر (دولتی)، انستیتوت خصوصی شفاء و انستیتوت خصوصی پامیر وجود دارد. در انستیتوت شفاء 900 زن و در انستیتوت پامیر 400 زن تحصیل می کردند. علاوه بر آن، در این دو انستیتوت خصوصی 24 تن از استادان زن مصروف تدریس بودند که اکنون همه آنها خانه نشین شده اند.

نسرین (نام مستعار) دختری که تمام آرزوهایش پس از آمدن طالبان یکی پی دیگر از بین رفت، از منطقه خواهان بدخشان یکی از دورترین و صعب العبورترین ولسوالی این ولایت است. نسرین با استعداد و توانایی که داشت با بلند ترین نمره در دانشکده اقتصاد از طریق آزمون کانکور راه پیدا کرد. در سال دوم تحصیلی، دانشگاه به روی دختران بسته شد. او مجبور شد که مدتی خانه نشین شود. خانواده نسرین نتوانستند در مقابل این جفای بزرگ تن بدهند. آنها راه دیگری را برای نجات دختران شان پیدا کردند که آن شروع تحصیل در یکی از انستیتوت های خصوصی بود. خانواده نسرین به دلیل فقر، زمین شان را برای تامین مصارف تحصیل دختر شان به فروش رساند. اما اکنون این فرصت از نسرین گرفته شد و امیدش بر باد رفت. وی می گوید: "حالا دیگر برایم هیچ راهی نمانده است. اگر خودکشی گناه بزرگی نمی بود، خود را در جمع مردم آتش می زدم و به این زندگی دردناک خود پایان می دادم."

شهر های پر جمعیت مانند کابل، هرات و مزارشریف، احتمالاً بیشتر از شهرهای دیگر انستیتوت های طبی دولتی و خصوصی دارد و زنان و دختران در این مراکز مصروف تحصیل بودند. پس از این فرمان انستیتوت های علوم طبی مانند مورا و غضنفر

³⁰ یونیسف افغانستان، بیانیه کاترین راسل، مدیر اجرایی یونیسف در مورد محرومیت دختران نوجوان از آموزش طی چهار سال، "17 سپتامبر 2025، قابل دسترس در این لینک: <https://www.unicef.org/afghanistan/press-releases/statement-unicef-executive-director-catherine-russell-denial-education-adolescent>

³¹ مرکز حقوق بشر افغانستان، گزارش دسترسی زنان به آموزش، صفحه 21، جنوری 2025 میلادی.

در کابل به روی زنان و دختران بسته شدند. در انستیتوت خصوصی مورا 1500 محصل زن در رشته های مختلف طبی مصروف تحصیل بودند.

شیمیا احمدی (نام مستعار) 24 ساله باشنده شهر کابل به یکی از رسانه ها چنین گفت: "پوهنتون های دولتی به روی ما بسته شد. ما یک دلخوشی داشتیم که به انستیتوت خصوصی می رفتیم. با رنج و مشقت زیاد فیس تهیه می کردیم. حتا بسیار راه طولانی را پیاده روی می کردیم به خاطری که درس بخوانیم. اما جرم ما چیست؟ جرم ما فقط دختر بودن است؟"³²

مسدود کردن انستیتوت های طبی و محرومیت زنان از آموزش به ویژه آموزش قابلیتگی تاثیرات ناگوار بر دسترسی زنان به خدمات باروری دارد. چون از یک سو باید زنان مجبورند تنها به داکتران زن و کارکنان صحتی زنان مراجعه کنند و از سوی دیگر ممانعت زنان در آموزش در بخش صحتی، سبب افزایش میزان مرگ و میر مادران و کودکان می شود.

به تاریخ 19 آپریل 2025 میلادی، ریاست های تعلیمی شهر کابل دستور انتقال کتاب های درسی مکتب های دخترانه به مکتب های پسرانه را دریافت کردند. بر اساس گزارش رسانه های آزاد، طالبان کتاب های صنوف 7 تا 12 را از کتابخانه های مکتب دخترانه به مکتب های پسرانه انتقال دادند.³³ علاوه بر آن، مضامین درسی با محتوای موضوعات مدنی و دموکراسی از نصاب تعلیمی حذف شده و به جای آنها مضامین طبق میل طالبان مانند "جهاد" افزوده شده است.

طالبان به ممنوعیت آموزش دختران در داخل کشور بسنده نکردند. آنها برای دخترانی که قصد تحصیل در خارج از کشور را داشتند، نیز محدودیت وضع کردند. به طور مثال، به تاریخ 22 اگست 2023 میلادی 70 دانشجوی دختر که در بورس تحصیلی در دانشگاه های کشور امارات متحده عربی پذیرفته شده بودند، در میدان هوایی کابل متوقف شدند و از سفر شان جلوگیری شد. با وجودی که 12 نفر از این دانشجویان دختر همراه مرد (محرم) با خود داشتند.³⁴

دسترسی زنان و دختران به حق آموزش با وضع محدودیت های طالبان به طور بی سابقه کاهش یافت. صدها هزار دختر و واجد شرایط از آموزش در مکتب، دانشگاه ها و کورس های آموزشی محروم شدند. بر اساس آمارهای رسمی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، در سال 2020 میلادی 28% دختران در دانشگاه ها و 39% دختران در مکتب تعلیمات عمومی دولتی مصروف تحصیل و آموزش بودند.³⁵ اما بر اساس معلومات دفتر یوناما در سال 2024 میلادی دسترسی زنان و دختران به خدمات آموزشی از 39% به 3% کاهش یافته است.³⁶

بر اساس گزارش وضعیت آموزش در افغانستان 2025 که توسط یونیسف (UNICEF) و یونسکو (UNESCO) به نشر رسیده است، بیش از 2.13 میلیون کودک در سن مکتب ابتدایی تا سال 2024 میلادی از رفتن به مکتب بازمانده اند. با این حال، اکثریت کسانی که به مکتب می روند، آموزش اندکی دریافت می کنند. بر اساس ارزیابی این دو سازمان، کیفیت آموزش

³² رادیو آزادی، "پرسش محصلات دختر در بخش علوم طبی از طالبان؛ چرا آخرین امیدمان را هم قطع کردید؟" جزییات بیشتر در این لینک:

<https://da.azadiradio.com/a/33225315.html>

³³ روزنامه هشت صبح، "انتقال کتاب ها از مکتب های دخترانه به پسرانه؛ طالبان آموزش دختران را به تاریخ می سپارند"، 29 آپریل 2025

میلادی، جزییات بیشتر در این لینک: <https://8am.media/fa/transferring-books-from-girls-schools-to-boys-schools-taliban-consign-girls-education-to-history/>

³⁴ بی بی سی فارسی، "طالبان مانع رفتن 70 دانشجوی دختر به دبی شدند؛ دانشجویان در آسیای میانه: نگران بازگشت به کابل هستیم"، جزییات

بیشتر در این لینک: <https://www.bbc.com/persian/articles/cnkgz924ldno>

³⁵ اداره ملی احصائیه و معلومات، سالنامه احصائیوی 1399، شماره 42، تاریخ نشر حمل 1400، صفحات 27 و 58

³⁶ یوناما، "خلاصه گزارش مشورت ها با زنان در سراسر کشور، آپریل 2024"، صفحه 7، جزییات بیشتر در این لینک: chrome-

extension://efaidnbmnnnibpcajpccgtclefindmkaj/https://unama.unmissions.org/sites/default/files/situation_of_afghan_women_april_english.pdf

در افغانستان در حد بی سابقه ای کاهش یافته است، طوری که 90 درصد کودکان ده ساله حتی نمی توانند یک متن ساده را بخوانند³⁷.

پیامدهای ممنوعیت آموزش دختران

محرومیت از حق آموزش بالاتر از صنف ششم و محصور کردن دختران در خانه، پیامدهای ناگوار برای زنان و در کل برای جامعه افغانستان داشته است. افزایش انزوای اجتماعی و افسردگی در میان زنان، افزایش موارد ازدواج اجباری و ازدواج زیر سن، مهاجرت ناخواسته، افزایش بیماری های روانی و حتی اقدام به خودکشی از پیامدهای زیانبار محرومیت زنان و دختران از حق آموزش است. علاوه بر آن، محرومیت دختران از حق آموزش سبب افزایش فقر، افزایش نابرابری جنسیتی، کاهش نرخ سواد، کاهش سطح کیفی و کمی خدمات آموزشی و در نهایت سبب کند شدن روند توسعه پایدار در افغانستان می گردد.

حتا اگر دروازه های مکاتب و دانشگاه ها همین حالا به روی دختران و زنان باز شوند، پیامدهای زیانبار محرومیت چهار سال گذشته تا سالها باقی می ماند و جبران آن آسان نخواهد بود. زیرا که دخترانی که چهار سال پیش از مکاتب فارغ شده بودند، حالا می توانستند از دانشگاه ها فارغ شده و جذب بازار کار می شدند. به همین ترتیب دخترانی که صنف ششم را تکمیل کرده بودند، حالا در دوره لیسسه درس می خوانند. یعنی اینکه نه تنها فرصت چهار سال گذشته برای دختران از دست رفته، بلکه فرصت های بعدی برای ادامه تحصیل در سطح عالی نیز از دست رفته است و این مشکل غیر قابل جبران است.

از آنجایی که حق های بشری مجموعه ای از حقوق و آزادی های به هم پیوسته و تفکیک ناپذیر اند، نقض یکی از این حقوق، منجر به نقض سایر حق های بشری می شود. حق دسترسی به آموزش که یکی از مهم ترین و اساسی ترین حق های بشری محسوب می شود، نقض این حق، سبب نقض سایر حق های بشری نیز می گردد. اگر شخصی به آموزش و تحصیل دسترسی نداشته باشد، نمی تواند به طور موثر در اجتماع حضور یابد و در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مشارکت نماید. اگر فردی از حق آموزش محروم گردد، به طور خود کار از حق کار و اشتغال محروم می شود.

محرومیت زنان و دختران از آموزش، سبب افزایش نابرابری جنسیتی (جندر)، نرخ بی سواد و تشدید فقر در جامعه می شود. اگر محرومیت زنان از حق آموزش برای مدت طولانی ادامه یابد، زنان از تمامی سطوح زندگی اجتماعی حذف شده و برخورداری از تمامی حقوق و آزادی های خود را از دست می دهند. عدم دسترسی به آموزش، به طور مستقیم بر برخورداری از حق صحت تاثیر گذاشته و دسترسی به خدمات صحتی را کاهش می دهد. عدم آگاهی از ایجاد فاصله میان تولد کودکان، صحت مادر و کودک را به مخاطره می اندازد. محرومیت از آموزش به طور مستقیم بر وضعیت اقتصادی خانواده ها نیز تاثیر می گذارد و در نهایت سبب افزایش فقر و گرسنگی می گردد. این محرومیت سبب کند شدن روند توسعه پایدار گردیده و پیامدهای زیانبار این محرومیت تا نسل های بعدی ادامه خواهد داشت.

یونیسف پیش بینی می کند که اگر محرومیت دختران از آموزش بالاتر از صنف ششم تا سال 2030 ادامه یابد، حدود 4 میلیون دختر از فرصت ادامه تحصیل در دوره متوسطه محروم خواهند شد و در نتیجه از هرگونه امکان ادامه تحصیل در سطح عالی نیز باز می مانند و این وضعیت پیامدهای عمیقی بر آینده کشور خواهد داشت. یونسکو هشدار داده است که ممنوعیت آموزش دختران ممکن است تا سال 2066 باعث زیان احتمالی 9.6 میلیارد دالر شود که حدود دو سوم تولید ناخالص داخلی کنونی کشور را تشکیل می دهد³⁸.

³⁷ یونیسف، "نظام آموزشی افغانستان با بحران فزاینده برای دختران و پسران مواجه است"، هشدار یونیسف و یونسکو، 8 اکتوبر 2025، قابل دسترس در این لینک: <https://www.unicef.org/afghanistan/press-releases/afghanistans-education-system-facing-deepening-crisis-both-girls-and-boys-warn>

³⁸ همان



عابده، قربانی ازدواج اجباری

محرومیت زنان از حق آموزش تأثیرات مخرب صحت روانی روی آنها داشته است. بر اساس گزارش "دسترسی زنان به حق آموزش" که توسط مرکز حقوق بشر افغانستان تهیه شده، 91 درصد قربانیان گفته اند که به بیماری های روانی و افسردگی شدید مبتلا شده اند و 25 درصد آنها اظهار داشته اند که بارها به خودکشی فکر کرده و برخی از آنها حتی اقدام به خودکشی نموده اما به گفته خودشان موفق به این کار نشده اند.³⁹

پس از اینکه طالبان، آموزش دختران بالاتر از صنف ششم را ممنوع اعلان کرد، موارد ازدواجهای اجباری و ازدواجهای زیر سن دختران افزایش یافت. بر اساس گزارش "حق دسترسی زنان به آموزش" ده تن از مصاحبه شدگان شاهد مستقیم 34 مورد ازدواج اجباری و زیر سن دانش آموزان و دانشجویان در محل زندگی خود بوده اند. این افراد بعد از بسته شدن دروازه های مکاتب و دانشگاه ها به روی دختران، تن به ازدواج اجباری داده اند.⁴⁰ برخی خانواده ها گفته اند از ترس اینکه جنگجویان طالبان به زور دختران شان را به نکاح نکنند، آنان را وادار به ازدواج کرده اند.

یکی از عوامل عمده افزایش آمار مرگ و میر مادران و کودکان، ازدواج دختران زیر سن (کودکان) است. افغانستان یکی از کشورهای است که بلندترین آمار مرگ و میر مادران و کودکان را داشت. در دوره جمهوری آمار مرگ و میر مادران و کودکان تقریباً به نصف کاهش یافت؛ اما با آمدن طالبان در قدرت و کاهش کمک های بشردوستانه دوباره این آمارها افزایش یافت.

گزارش های متعددی وجود دارد که جنگجویان طالبان با فشار و تهدید خانواده ها را وادار کرده اند که دختران شان به نکاح آنها درآورند. اکثر این قضایا به دلیل ترس طالبان و نبود رسانه های مستقل و مکانیزم های حمایتی مانند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، وزارت امور زنان و سازمان های جامعه مدنی و سارنوالی اختصاصی، نشر نمی شود. اما برخی از قضایا که با خودکشی و یا جنجال ها همراه بوده، رسانه ای شده است.

به طور مثال، به تاریخ 27 آپریل 2025 میلادی، دختر جوانی به نام عابده باشنده قریه درزآب نیلی ولسوالی تیوره ولایت غور برای نجات از ازدواج اجباری با یک عضو طالبان خودکشی کرد و به زندگی خود پایان داد. این حادثه زمانی رخ داد که افراد طالبان می خواستند این دختر را با زور با خود ببرند. بر اساس گزارش رسانه های مستقل، حاجی محمد رحمانی یکی از افراد طالبان در ولسوالی تیوره می خواست عابده را برخلاف رضایت او خانواده اش و با زور اسلحه به نکاح اجباری برادرش در بیاورد.⁴¹

ممنوعیت آموزش دختران، علاوه بر پیامدهای دیگر، بر کمیت دانش آموزان دوره ابتداییه نیز تأثیر گذاشته است و تعداد دانش آموزان دختر در مکاتب کاهش یافته است. پدر و مادر دختران به دلیل اینکه آینده روشن برای دختران شان نمی بینند

³⁹ مرکز حقوق بشر افغانستان، گزارش حق دسترسی به آموزش، تاریخ نشر، 7 جنوری 2025، صفحه 12

⁴⁰ مرکز حقوق بشر افغانستان، گزارش حق دسترسی به آموزش، تاریخ نشر، 7 جنوری 2025، صفحه 11

⁴¹ افغانستان انترنشنل، "طالبان نقش افراد خود در خودسوزی عابده را انکار کرد"، اول ماه می 2025، معلومات بیشتر در این لینک:

<https://www.afintl.com/202505010657>

و حق آموزش بالاتر از صنف ششم را ندارند، نمی‌گذارند دختران شان به مکتب بروند. علاوه بر آن، از اینکه خانواده‌ها احساس ناامنی می‌کنند و نگران امنیت دختران شان هستند، آنها را به مکتب نمی‌فرستند⁴².

تحلیل حقوق:

افغانستان به بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر الحاق نموده است و در اجرای مفاد این کنوانسیون‌ها مکلفیت دارد. افغانستان بدون در نظر داشت اینکه چگونه و توسط چه کسانی کنترل و رهبری می‌شود و صرف نظر از اینکه حاکمیت آنها به رسمیت شناخته شده یا خیر، در برابر تمامی اسناد بین‌المللی حقوق بشر که تا حال به آنها ملحق شده مکلفیت دارد تا از طریق وضع قوانین، تدوین پالیسی‌ها و برنامه‌ها، مفاد این کنوانسیون‌ها را رعایت و اجرا نماید. علاوه بر تدوین پالیسی‌ها و برنامه‌ها، اتخاذ سایر تدابیر لازم به شمول ایجاد مکانیزم‌های لازم برای افزایش پاسخگویی و عدالت به منظور حمایت از حقوق بشر از جمله ملکفیت‌های دولت‌های عضو به شمول افغانستان است.

بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق به شمول اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض علیه زنان که افغانستان به آنها الحاق نموده است، بر تساوی حقوق زنان و مردان و رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان تأکید نموده است.

در ماده دوم کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان چنین آمده است: "دولت‌های عضو، تبعیض علیه زنان را به هر شکل محکوم می‌نمایند و موافقت می‌کنند بدون درنگ، به طرق مقتضی، سیاست رفع تبعیض علیه زنان را تعقیب نموده و بدین منظور بر امور زیر تعهد می‌کنند:

(الف) گنجاندن اصل مساوات زن و مرد در قانون اساسی یا دیگر قوانین متناسب داخلی خود، اگر تا کنون چنین کاری انجام نشده و حصول اطمینان از تحقق عملی این اصل، از طریق وضع قانون (منظور قوانین عادی لازم‌الاجرا است) و طرق مناسب دیگر.

(ب) اتخاذ تدابیر قانونی و غیره از جمله وضع ضمانت‌اجراهای مناسب به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض آمیز علیه زنان.

(ج) حمایت قانون از حقوق زنان بر اساس تساوی با مردان و حصول تضمین و اطمینان از حمایت موثر زنان علیه هر نوع تبعیض، از طریق دادگاه‌های صالح ملی و دیگر موسسات.

(د) خودداری از انجام هرگونه اقدام و عمل تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین اینکه مقامات و موسسات عمومی بر طبق این تعهد عمل کنند.

(ه) اتخاذ هرگونه اقدام مناسب برای رفع تبعیض علیه زنان توسط هر فرد، سازمان یا موسسه. (و) اتخاذ تدابیر لازم، از جمله تدابیر قانونگذاری، برای تغییر یا لغو قوانین، مقررات، عادات و عملکردهایی که نسبت به زنان تبعیض آمیز هستند.

(ز) فسخ کلیه مقررات جزایی داخلی که تبعیض علیه زنان را در بر دارند⁴³.

براساس ماده سوم این کنوانسیون دولت‌های عضو متعهد اند که "در همه زمینه‌ها، مخصوصاً در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تمام اقدامات لازم از جمله قانونگذاری را اعمال کنند تا از توسعه و پیشرفت کامل زنان اطمینان حاصل نمایند و در نتیجه برخورداری زنان را از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر پایه تساوی با مردان تضمین کنند."⁴⁴

⁴² مرکز حقوق بشر افغانستان، "گزارش حق دسترسی زنان به آموزش" جنوری 2025 میلادی، صفحه 13
⁴³ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، ماده دوم، مصوب 18 دسامبر 1979 میلادی
⁴⁴ همان، ماده سوم

همین ترتیب سایر ماده های این کنوانسیون بر رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان تاکید نموده است و از دولت های عضو می خواهد که در اجرای آن تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

مقامات حاکم در افغانستان نه تنها که در اجرای این تعهدات هیچ گونه اقدامی نکرده؛ بلکه برخلاف مفاد این کنوانسیون ها، دهها فرمان، احکام و دستورات کتبی و شفاهی به منظور سرکوب زنان و اعمال تبعیض علیه زنان صادر و عملی نموده است. طالبان در عملی کردن این فرامین از زور و خشونت استفاده کرده است. آن عده افرادی را که از این فرامین سرپیچی کرده اند، مورد بازداشت، شکنجه، قتل و آزار و اذیت جنسی قرار داده است. حتی حامیان حقوق زنان را نیز مورد بازداشت و شکنجه قرار داده اند.

علاوه بر کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر که بر برخورداری زنان از حقوق و آزادی های آنها تاکید می کند، اساسنامه رم که مبنای تشکیل محکمه جزایی بین المللی (ICC) است، جدی ترین جرایم بین المللی را جرم انگاری نموده است. افغانستان در ماه می سال 2003 میلادی اساسنامه رم را امضاء نمود و عضویت محکمه جزایی بین المللی را پذیرفت.

در ماده هفتم اساسنامه رم، جنایت علیه بشریت چنین تعریف شده است: "1. برای مقاصد به کار رفته در این اساسنامه، "جنایت علیه بشریت" عبارت است از انجام هریک از اعمال ذیل به عنوان بخشی از یک حمله علیه گروه غیر نظامی که به شکل گسترده یا سازمان یافته صورت بگیرد، با اطلاع از حمله: الف) قتل، ب) نابودسازی، ج) برده سازی، د) اخراج یا انتقال اجباری جمعیت، ه) محبوس ساختن یا دیگر اشکال محرومیت شدید از آزادی جسمی که نقض کننده مفاد اساسی حقوق بین الملل باشد، و) شکنجه، ز) تجاوز جنسی، برده کشی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری، یا هر نوع خشونت جنسی دیگر در همان سطح، ح) آزار و تعقیب یک گروه یا جمعیت مشخص، به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی، به شرحی که در بند 3 مشخص گردیده، یا دلایل دیگری در سطح جهان براساس قوانین بین المللی در ارتباط با هریک از اعمالی که در این بند یا هر جرم دیگری که در حیطه صلاحیت این محکمه باشد به عنوان یک عمل غیر مجاز به رسمیت شناخته شده باشد، ..."⁴⁵

بر اساس ماده 7، بند 1 و فقره (ح) اساسنامه رم، رفتار طالبان با زنان افغانستان از جمله مصادیق جنایت علیه بشریت محسوب می شود. با در نظر داشت مفاد این ماده اساسنامه رم و سیاست های طالبان مبنی بر ممنوعیت آموزش دختران بالاتر از صنف ششم، ممنوعیت کار زنان، محدودیت در آزادی گشت و گذار، محدودیت ها در پوشش زنان، سرکوب اعتراضات زنان و تطبیق این ممنوعیت ها و محدودیت با استفاده از بازداشت، قتل، شکنجه، ناپدید سازی اجباری، آزار و اذیت جنسی به شمول تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، آزار و تعقیب حامیان حقوق زن، این اعمال از جمله مصادیق جنایت علیه بشریت است.

از آنجایی که آزار و تعقیب (Persecution) زنان افغانستان به شکل سازمان یافته، سیستماتیک و گسترده است و از سوی مقامات حاکم (ولو اینکه به رسمیت شناخته نشده است) طرح و اجرا می شود و یک جمعیت مشخص را به دلیل جنیست شان (زن بودن) مورد هدف قرار می هد. علاوه بر آن، سیاست های به شدت ظالمانه و تبعیض آمیز طالبان علیه زنان افغانستان، سبب محرومیت گسترده قربانیان از حق آزادی گشت و گذار، حق آموزش، حق کار، آزادی بیان، حق حریم خصوصی و زندگی خانوادگی، حق گردهمایی ها و اعتراضات مسالمت آمیز و حق کرامت انسانی میلیون ها زن ساکن در افغانستان شده است. این اعمال جنایت علیه بشریت محسوب می شود.

محکمه جزایی بین المللی نیز به تاریخ 8 جولای 2025 میلادی حکم بازداشت هیبت الله آخوندزاده رهبر طالبان و عبدالحکیم حقانی قاضی القضاة طالبان را بر اساس ماده 7 بند 1 و فقره (ح) اساسنامه رم صادر کرد. در حکم دیوان مقدماتی محکمه

⁴⁵ اساسنامه رم، ماده 7، مصوب سال 1998 میلادی

جزایی بین المللی آمده است که "دلایل معقول وجود دارد که این دو رهبر طالبان با صدور دستور، ترغیب یا درخواست، مرتکب جرم "آزار و اذیت" به عنوان جنایت علیه بشریت بر اساس ماده 7، بند 1، فقره (ح) اساسنامه رم شده اند. این آزار و اذیت هم بر مبنای جنسیت در برابر دختران، زنان و سایر افرادی که با پالیس طالبان در مورد جنسیت، هویت جنسیتی یا بیان جنسیت هم خوانی ندارند، و هم بر مبنای گرایش سیاسی در برابر افرادی که هم پیمان دختران و زنان پنداشته می شود، اعمال شده است..."⁴⁶

با در نظر داشت وضعیت زنان افغانستان تحت سلطه طالبان، نزدیک مفهوم در چارچوب کنونی حقوق بین الملل "آزار و اذیت" و یا "آزار و تعقیب" مترادف انگلیسی آن (Persecution) است که در ماده 7 اساسنامه رم به عنوان جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته شده است. محکمه جزایی بین المللی نیز در حکمی که برای بازداشت رهبر و قاضی القضاة طالبان صادر نمود، از اصطلاح "آزار و اذیت بر مبنای جنسیت" (Gender-Based Persecution) استفاده نمود.

هرچند ماده 7 و بند 1 و فقره (ح) اساسنامه رم آزار و اذیت جمعیت خاص بر مبنای جنسیت را جرم انگاری نموده و آن را از زمره جنایت علیه بشریت تلقی نموده و بر مبنای آن می توان آزار و اذیت زنان افغانستان توسط مقامات حاکم در این کشور را قابل پیگرد عدلی دانست؛ اما اصطلاح "آزار و اذیت" وضعیت فعلی زنان تحت سلطه طالبان را به طور کامل بیان نمی کند. برخی از کارشناسان و فعالان حقوق بشر با در نظر داشت وضعیت سرکوب و آزار و اذیت زنان افغانستان پیشنهاد کرده اند که تنها اصطلاح "اپارتاید جنسیتی" می تواند مناسب این وضعیت باشد. چنین آزار و اذیت دولتی به طور گسترده و سیستماتیک در هیچ جای دنیا تا اکنون دیده نشده و از آنرو کاملاً بی پیشینه است.

از نظر مرکز حقوق بشر افغانستان، گستردگی، شدت و سیستماتیک بودن سیاست های ظالمانه و تبعیض آمیز طالبان علیه زنان افغانستان به طور کافی نمی تواند تحت جرایم "آزار و اذیت بر مبنای جنسیت" که در ماده 7 اساسنامه رم آمده است، تعریف گردد. بنابر این، یگانه ترمینولوژی که می تواند با وضعیت زنان افغانستان همخوانی داشته باشد، "اپارتاید جنسیتی" است. سازمان عفو بین الملل نیز به این باور است که قصد و دامنه جرم "آزار و اذیت بر مبنای جنسیت" در بسیاری جنبه ها با "اپارتاید جنسیتی" تفاوت اساسی دارد. در حالی که ممکن است گروه های مشخصی در هر دو نوع جنایت هدف قرار گیرند، مفهوم "آزار و اذیت" به تنهایی نمی تواند گستره و دامنه سلطه سیستماتیک، یا ماهیت نهادمند و ایدیولوژیک نقض هابی را که ممکن است در یک نظام اپارتاید ارتکاب یابد، به طور کامل بیان کند.⁴⁷

بنابراین، برخی کشورها و مدافعان حقوق بشر معتقدند که در حقوق بین المللی برای رسیدگی به وضعیت شبیه وضعیت زنان افغانستان خلاء حقوقی وجود دارد. آنها خواهان افزودن اصطلاح جدید "اپارتاید جنسیتی" به عنوان یک جنایت بین المللی است و این اصطلاح باید به رسمیت شناخته شود.

از آنجایی که تا حال کدام معاهده بین الملل مشخصی در مورد جنایت علیه بشریت وجود ندارد، کشورهای عضو سازمان ملل متحد از سال 2019 در حال تدوین یک معاهده پیشنهادی برای جلوگیری و مجازات جنایت علیه بشریت هستند. قرار است که کمیته مقدماتی در جنوری 2026 میلادی برای تعدیلات و بررسی این معاهده پیشنهادی یک نشست را برگزار نمایند. فعالان حقوق بشر افغانستان و برخی کشورها و سازمان های بین المللی حقوق بشر به شمول سازمان دیدبان حقوق بشر و سازمان عفو بین الملل با استفاده از این فرصت پیشنهاد کرده اند که "اپارتاید جنسیتی" برای حفاظت از حقوق و زندگی زنان

⁴⁶ محکمه جزایی بین المللی، "شعبه دوم دیوان مقدماتی محکمه جزایی بین المللی حکم بازداشت هیت الله آخوند زاده و عبدالحکیم حقانی را صادر کرد"، 8 جولای 2025، قابل دسترس در این لینک: <https://www.icc-cpi.int/news/situation-afghanistan-icc-pre-trial-chamber-ii-issues-arrest-warrants-haibatullah-akhundzada>

⁴⁷ عفو بین الملل، "بین المللی: اپارتاید باید به عنوان یک جنایت در حقوق بین المللی به رسمیت شناخته شود"، جون 17، 2024، قابل دسترس در این لینک: <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2024/06/gender-apartheid-must-be-recognized-international-law/>

و دختران در معاهده پیشنهادی جلوگیری و مجازات جنایت علیه بشریت افزوده شود و این حلاء حقوقی مرفوع گردد⁴⁸. تا اکنون دوازده کشور وعده کردند که از گنجاندن "اپارتاید جنسیتی" در کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت علیه بشریت حمایت می کنند.

نبود یک معاهده مشخص در مورد جلوگیری و مجازات جنایت علیه بشریت باعث شده است که اهمیت و حساسیت نسبت به جنایت علیه بشریت کمتر جلوه کند و فهم عمومی و حساسیت کشورها به این جرایم کاهش یابد⁴⁹. بر اساس اعلامیه سازمان دیدبان حقوق بشر نبود چنین معاهده ای به این معنا است که هیچ نهاد تخصصی ویژه برای تفسیر و نظارت بر اجرای آن وجود ندارد و مسیرهای حقوقی برای پیگیری نقض مسوولیت دولت ها محدود است.

فصل سوم: حقوق مدنی و سیاسی

افغانستان به کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی الحاق نموده است و در رعایت و تطبیق مفاد این کنوانسیون مکلفیت دارد. این کنوانسیون از تمام دولت های عضو می خواهد که تمامی حقوق و آزادی های تسجیل شده در این کنوانسیون را بدون تبعیض رعایت و احترام کند و برای تحقق و تقویت آنها با اتخاذ تدابیر قانونی، اداری و قضایی تلاش نمایند.

با سقوط دولت افغانستان و رسیدن طالبان به قدرت، مردم افغانستان به ویژه زنان از بسیاری از حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی خود محروم شدند. حق برخورداری از آزادی و امنیت شخصی، حق آزادی گشت و گذار، رهایی از شکنجه، مجازات ظالمانه و تحقیر آمیز، آزادی عقیده و بیان، آزادی فکر، وجدان و مذهب، آزادی تجمعات و گردهمایی های اعتراض آمیز، حق ازدواج و تشکیل خانواده، دسترسی به محاکم عادلانه و سایر حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی به طور گسترده و سیستماتیک محدود شده است.

در کابینه طالبان و پست های کلیدی در ادارات دولتی در مرکز و ولایات و ولسوالی ها هیچ زنی شامل نیست. اکثریت اعضای کابینه مردان عمدتاً پشتون متعلق به گروه طالبان می باشد. مشارکت سایر اقوام افغانستان در کابینه طالبان بسیار اندک است و به همین دلیل سیاستمداران افغان، سازمان ملل متحد و اعضای جامعه جهانی همواره از همه شمول نبودن اداره طالبان انتقاد کرده اند. مردم افغانستان خواهان اشتراک عادلانه همه اقوام در تعیین سرنوشت شان می باشند.

فعالیت سیاسی برای همه مردم به شمول زنان و مردان ممنوع گردیده است. به تاریخ 17 آگست 2023 میلادی، طالبان فعالیت احزاب سیاسی را نیز ممنوع اعلان کردند. وزیر عدلیه طالبان به خبرنگاران در کابل گفت که احزاب، بنیاد شرعی ندارند و فعالیت آنها به منفعت مردم نیست⁵⁰. بنابر این، احزاب سیاسی که در دوران جمهوریت نقش اپوزیسیون را داشتند، دیگر حضور ندارند. صرفاً حزب اسلامی که اکثراً با سیاست های طالبان هم‌نوا است، در افغانستان حضور دارد ولی این حزب نیز به خاطر محدودیت های وضع شده نمی تواند آزادانه فعالیت کند.

نهادهای دموکراتیک که در افزایش مشارکت سیاسی نقش داشتند، توسط طالبان ملغاً گردید. شورای ملی (پارلمان)، کمیسیون انتخابات، کمیسیون شکایات انتخاباتی و سایر سازوکارهای مستقل که در تقویت دموکراسی، شفافیت و پاسخگویی نقش

⁴⁸ همان

⁴⁹ دیدبان حقوق بشر، اپارتاید جنسیتی باید جزء جرایم بین المللی تلقی شود"، 14 جولای 2025، قابل دسترس در این لینک:

<https://www.hrw.org/news/2025/07/14/gender-apartheid-should-be-an-international-crime>

⁵⁰ رادیو آزادی، "حکومت طالبان فعالیت احزاب سیاسی در افغانستان را ممنوع اعلان کرد"، 26 اسد 1402، جزییات بیشتر در این لینک:

<https://da.azadiradio.com/a/32551262.html>

مهمی داشتند، توسط طالبان منحل شدند. علاوه بر آن، آزادی بیان، برگزاری اجتماعات و اعتراضات به طور مطلق ممنوع گردیده است.

طالبان، بر مبنای تفسیر سختگیرانه ای که از شریعت اسلام دارند، با نظام دولت مبتنی بر اراده مردم مخالف است. به همین دلیل، آنها هیچ وقت از برگزاری انتخابات و انتقال قدرت از طریق انتخابات صحبت نمی کنند. رهبری مملکت به عهده شخصی به نام امیرالمومنین است و نوع نظام آنها نیز امارت اسلامی است. طالبان ادعا می کنند که امیرالمومنین، رهبر طالبان از سوی گردهمایی بزرگ ملاها که قبلاً در کندهار برگزار شده بود، انتخاب شده است؛ اما هیچ معلومات دقیقی از جزئیات این گردهمایی و چگونگی انتخاب ملا هیبت الله در دسترس نیست. علاوه بر آن، معلوم نیست که رهبر کنونی برای چه مدتی انتخاب شده و برای چگونگی انتقال قدرت نیز هیچ نوع سازوکار و یا قانونی وجود ندارد. به گفته مقامات حاکم، پیروی از فرامین و دستاویز رهبر شان لازم الاجرا است و هیچ کسی حق اعتراض و یا سرپیچی ندارد.

پس از رسیدن طالبان در قدرت، آنها قانون اساسی افغانستان مصوب سال 2004 میلادی را ملغاً اعلان کرد ولی در عوض قانون اساسی جدید را تصویب نکرده و یا کدام قانون اساسی دیگری را پیروی نمی کنند. در قانون اساسی مصوب 2004 حقوق مدنی و سیاسی و اصول محاکمات عادلانه و اصول عام حقوق را محترم می شمرد. بر مبنای آن قانون اساسی، قانون جزا، قانون اجراء جزایی موقت مورد تطبیق قرار می گرفت. بعداً در سال 2014 میلادی قانون اجراءات جدید و کود جزا در سال 2018 میلادی به تصویب رسید. در قانون اساسی، کود جزا و قانون اجراءات جزایی و سایر قوانین مرتبط، اصول قانونیت جرایم و مجازات، تفهیم اتهام، تساوی در برابر قانون، شخصی بودن عمل جرمی، برائت ذمه، حق سکوت، احترام به کرامت انسانی، مصونیت از گرفتاری و توقیف خودسرانه، مصونیت از شکنجه و بدرفتاری، ممنوعیت اقرار و اعتراف اجباری، حق دفاع و داشتن وکیل مدافع، ارائه اسناد، مدارک و شهود، حق اعتراض بر اجراءات مأمور ضبط قضایی، سارنوالی و محاکم محفوظ بود.

قتل های فراقضایی و بازداشت های خودسرانه:

طالبان از همان لحظه ای که ولایات و شهرهای افغانستان را پی در پی تصرف کردند، دست به قتل های فراقضایی و بازداشت خودسرانه زدند. طالبان، پس از تصرف کابل، عفو عمومی را اعلان کردند. اما برخلاف آن، سربازان طالبان دست به اقدامات انتقام جویانه زدند و به بازداشت های خودسرانه، شکنجه و قتل اعضای نیروهای دفاعی و امنیتی دولت قبلی، کارمندان ملکی، روزنامه نگاران، فعالان مدنی و حقوق بشر ادامه دادند. به طور مثال، بخش حقوق بشر یوناما از 15 آگست 2021 تا 15 جون 2022 میلادی 160 مورد قتل فراقانونی (به شمول 10 زن)، 179 مورد دستگیری و توقیف خودسرانه اعضای نیروهای اسبق دفاعی و امنیتی افغانستان و مقامات اسبق دولت قبلی را ثبت کرده است⁵¹. اطلاعات مرکز حقوق بشر افغانستان نشان می دهد که از آگست 2021 میلادی تا اکنون 57 سارنوال نیز به قتل رسیده اند.

در سال 1404 خورشیدی نیز، قتل های فراقضایی و بازداشت های خودسرانه توسط طالبان ادامه یافت و قضایای زیادی توسط مرکز حقوق بشر افغانستان ثبت شده است. علاوه بر اعضای نیروهای دفاعی و امنیتی و کارمندان دولت سابق، اعضای جبهه مقاومت ملی، جبهه آزادی و سایر گروههای مسلح مخالف طالبان و حتا افراد عادی به شمول اقلیت های قومی و مذهبی به ویژه پیروان مذهب اسماعیلی توسط طالبان به طور فراقضایی مورد قتل قرار گرفته و یا به شکل خودسرانه بازداشت و شکنجه شده اند.

اکثریت این قتل های فراقضایی، هدفمند و مرموز است. برخی از این قتل ها مستقیماً توسط طالبان انجام می شود؛ اما در برخی موارد، این قضایا به طور مرموز صورت می گیرد و هیچ گروهی به شمول طالبان مسوولیت آن را به عهده نمی گیرد و در

⁵¹ یوناما، "حقوق بشر در افغانستان: از 15 جون تا 15 آگست 2022"، صفحه 13

عوض به افراد ناشناس نسبت می دهند و یا اینکه عامل این قضایا را خصومت شخصی می گویند. بررسی و مستندسازی قضایای فراقضایی و هدفمند بسیار دشوار است. زیرا که طالبان در مورد چنین قضایا معلومات دقیق ارائه نمی کنند. از جانب دیگر رسانه های آزاد و مستقل در داخل کشور حضور ندارد و رسانه های بین المللی دسترسی به معلومات ندارند. علاوه بر آن، شاهدان و اعضای خانواده قربانیان به دلیل ترس از اینکه احتمالاً مورد پیگرد طالبان قرار نگیرند، اطلاعات شان را با دیگران شریک نمی سازند. بنابر این، مستندسازی قضایای قتل های فراقضایی بسیار دشوار و حتا در برخی موارد ناممکن است.

بر اساس داتابیس مرکز حقوق بشر افغانستان و سایر منابع، در سال 1404 خورشیدی 40 مورد قتل های فراقضایی اتفاق افتاده است؛ اما به دلیل دشوار بودن مستندسازی چنین قضایا، احتمالاً تعداد این قضایا بیشتر است. اکثریت این قربانیان توسط سربازان طالبان به قتل رسیده اند و در برخی از این قضایا، طالبان مسولیت نگرفته و سکوت کرده اند و یا اینکه با اظهارات ضد و نقیض، قضیه را به خصومت های شخصی ربط داده اند. افراد متعلق به ولایت پنجشیر و ولسوالی اندراب ولایت بغلان به طور سازمان یافته به دلیل قوم و محل سکونت شان مورد بازداشت، شکنجه قرار گرفته و حتا در برخی موارد به قتل می رسند.

اکثریت کسانی که به طور فراقضایی به قتل رسیده اند، اعضای پیشین نیروهای دفاعی و امنیتی بوده اند. گفته شده است که برخی از قربانیان به اتهام عضویت جبهه مقاومت ملی و یا جبهه آزادی به قتل رسیده اند. از آنجایی که گاهی طالبان افراد عادی را که هنوز عضویت آنها به گروه های مسلح مخالف به اثبات نرسیده، به قتل می رسانند، بسیار دشوار است که معلومات دقیق از تعداد قربانیان گروه های مخالف مسلح ارائه نمود. در برخی موارد، سربازان طالبان افراد عادی را در ایست های بازرسی به دلیل امتناع از فرمان ایست و یا پس از مشاجره لفظی به قتل رسانده است. این قضایا بیانگر این است که نیروهای طالبان آموزش حرفه ای ندیده اند. آنها بدون در نظر داشت اصول و ارزشهای حقوق بشری، با سهل انگاری تمام، حیات انسان را نابود می کند.

دو قضیه زیر را که مربوط به بازداشت، شکنجه و قتل یک طفل که هیچ گونه ارتباط با گروه های مخالف نداشته است و قتل یک فرد ناشناس را به عنوان نمونه بیان می کنیم.

مهدی کودک 16 ساله، دانش آموز صنف نهم از قریه پاتو، ولسوالی جاغوری ولایت غزنی به تاریخ دهم آپریل 2025 میلادی توسط طالبان به طور وحشیانه کشته شد و دوست اش به نام علی سینا 15 ساله زخمی گردید. شواهد نشان می دهد که این دو کودک یک روز قبل از کشته شدن مهدی، در سنگماشه توسط طالبان به دلایل نامعلوم بازداشت می شوند. هردوی این کودک به شدت مورد شکنجه قرار می گیرند. جسد مهدی نشان می دهد که دست و پاهایش از چند نقطه شکستگی داشته است. در تصاویری که خود طالبان منتشر کرده، نشان می دهد که دست راست مهدی از ناحیه بازو شکسته و ماهیچه آن پاره شده است. لباس اش نیز پاره شده بود. چندین گلوله به پاهای او اصابت کرده بود. یک گلوله از کنار چشم راستش شلیک و از نزدیکی چشم چپش بیرون شده است. آثار شکنجه در بدن مهدی کاملاً معلوم بود که او قبل از جان دادن به شدت شکنجه شده بود. مقامات طالبان در این ولسوالی با اظهارات ضد و نقیض و صحنه سازی، مدعی شدند که مهدی و علی سینا بر مرکز ولسوالی سنگماشه حمله مسلحانه کرده و در جریان فرار، مهدی به قتل رسیده و علی سینا پس از زخمی شدن، بازداشت شده است. بر اساس معلومات دقیقی که مرکز حقوق بشر افغانستان که از این قضیه دارد، ادعای طالبان مبنی بر اینکه این دو کودک 15 و 16 ساله شب هنگام بر مرکز ولسوالی حمله مسلحانه انجام داده، به دور از واقعیت است.

به تاریخ 22 آگست 2025 میلادی، طالبان یک مرد را در شهر هرات کشتند و جسد خونین او را در عقب موتر رنجر آویخته و در مرکز شهر کشیدند. سپس، آن جسد را در چهاراهی در محضر عام از لوله ای یک تانک نظامی فرسوده آویزان کردند.

دلیل قتل آن مرد معلوم نیست؛ اما چنین اعدام فراقضایی و نمایش جنازه در مرکز شهر، مردم را به وحشت انداخت و چنین اقدام طالبان، واکنش های زیادی را برانگیخت.

مرکز حقوق بشر افغانستان، در سال 2025 میلادی بیش از 70 مورد بازداشت های خودسرانه توسط طالبان ثبت کرده است. این آمار تنها مربوط به نظامیان و کارمندان دولت پیشین، روزنامه نگاران، فعالان حقوق بشر می شود که به طور خودسرانه بازداشت شده اند. اکثریت بازداشت ها بدون حکم محکمه، سارنوالی و یا نهاد قانونی دیگر صورت گرفته است. اکثریت مطلق بازداشت ها با لت و کوب، تحقیر و توهین همراه بوده است. قربانیان بازداشت های خودسرانه شامل فعالان حقوق بشر، روزنامه نگار، فعالان در عرصه آموزش، نظامیان و کارمندان دولت پیشین، افراد مرتبط به گروههای مخالف مسلح و سایر افراد می باشند. در برخی موارد، طالبان افراد را بازداشت نموده ولی برای مدتهای طولانی از بازداشت این افراد اظهار بی اطلاعی کرده اند. شیوه برخی از این بازداشت ها نیز شبیه به آدم ربایی بوده و در برخی قضایا، افراد بازداشت شده به طور اجبار ناپدید شده و کسی از سرنوشت آنها اطلاع ندارد.

اعضای خانواده نظامیان پیشین نیز در امان نیستند و از سوی طالبان مورد تهدید، بازداشت و شکنجه قرار می گیرند. طالبان بر خلاف اصول قانونی و حقوق بشری اعضای خانواده نظامیان و کارمندان دولت قبلی را مورد تهدید، بازداشت و شکنجه قرار می دهند تا از این طریق خود نظامیان پیشین را در تله بیاندازند و یا اینگونه از آنها انتقام بگیرند.

به طور مثال، به تاریخ 19 آگست 2025 میلادی، افراد ناشناس از طرف شب شش نفر از اعضای یک نظامی پیشین را در خانه شان به قتل رساند. بر اساس معلومات نشر شده توسط افراد محل، قربانیان این رویداد از اعضای خانواده "اسفندیار تلوار" سرباز واحد ویژه ضد تروریسم دولت قبلی بودند. خود آقای تلوار در هنگام این رویداد خارج از کشور بوده است. در این رویداد، پدر، همسر، سه دختر و یک پسر این نظامی پیشین به قتل رسیدند. طالبان مسوولیت این قضیه را به عهده نگرفتند.

به تاریخ 16 ماه نوامبر، طالبان سه پسر جنرال مطیع الله، فرمانده امنیه ولایت ارزگان در حکومت قبلی را بازداشت کردند. این سه نفر به نام های وحیدالله، وارث و نویدالله از خانه شان در شهر ترینکوت مرکز ارزگان بازداشت شده اند. تا هنوز از سرنوشت آنها خبری نیست.

نظامیان پیشین در کشورهای همسایه نیز در امان نیستند. به طور مثال، به تاریخ 24 دسامبر 2025 میلادی جنرال "اکرام الدین سریع" از فرماندهان پیشین در شهر تهران کشته شد. او یکی از فرماندهان ارشد پولیس در حکومت پیشین بود. او پس از آگست 2021 میلادی به ایران رفت. مسوولیت این حمله را هیچ گروهی به عهده نگرفت. قبل از این در ماه سپتامبر "معروف غلامی" یکی از چهره های سیاسی و نظامی نزدیک به "اسماعیل خان" در شهر مشهد کشور ایران به قتل رسید.

آن عده از اعضای پیشین نیروهای امنیتی که در کشورهای همسایه مانند ایران و پاکستان به سر می برند در معرض اخراج اجباری قرار دارند و تعدادی از آنها در جریان سالهای 2024 و 2025 میلادی به اجبار به افغانستان برگشتند؛ در حالی که در افغانستان در معرض خطر بازداشت، شکنجه و قتل قرار دارند. دولت های میزبان بدون توجه به خطر آزار و اذیت آنها توسط طالبان، آنها را به طور اجبار اخراج می کنند. به طور مثال، پنج نفر از اعضای نیروهای پیشین امنیتی به تاریخ 20 نوامبر 2025 میلادی توسط طالبان در ولایت پروان بازداشت شدند. هر پنج نفر از اعضای یک خانواده اهل ولایت پنجشیر بودند. شیر ملا، گلبدین، علیم، جان محمد و سلیمان در حکومت پیشین سرباز و افسر بودند. آنها بعد از آگست 2021 به ایران رفته بودند اما با افزایش فشارها بر جمعیت مهاجران در ایران، مجبور به بازگشت شدند⁵².

⁵² افغانستان انترنشنل، "پنج نیروی امنیتی سابق افغانستان پس از اخراج از ایران بازداشت شدند"، دسامبر 4، 2025 میلادی

مقامات حاکم به تاریخ 25 دسامبر 2025 میلادی یک نظامی پیشین را که تازه از ایران برگشته بود در ولسوالی خمیال ولایت جوزجان در محضر عام تیرباران کردند. این شخص "جوره قل" نام داشت. بنابر گزارش رسانه ها، جوره قل توسط "طیب" مشهور به "صداقت"، فرمانده کندک چهارم سرحدی طالبان در بازار کولیان تیرباران شد. جوره قل باشنده اصلی ولسوالی بلچراغ ولایت فاریاب بود⁵³. به تاریخ 19 دسامبر 2025 میلادی، عظیم الله باشنده ولسوالی "آبشار" ولایت پنجشیر پس از بازگشت از ایران توسط طالبان در کابل بازداشت گردید⁵⁴. از سرنوشت وی تا هنوز اطلاعی در دست نیست.

تلفات افراد ملکی:

تلفات افراد ملکی در افغانستان پس از آگست 2021 میلادی نسبت به سالهای قبل کاهش یافته است. دلیل اصلی کاهش تلفات افراد ملکی هم طالبان است؛ زیرا که قبل از آگست 2021 میلادی عامل اصلی و عمده تلفات افراد ملکی طالبان بودند. آنها علیه دولت قبلی و نیروهای حامی بین المللی می جنگیدند و در جریان جنگ از شیوه های مانند انجام حملات انتحاری، بمب گذاری در وسایل نقلیه، بمب گذاری های کنار جاده، حملات مسلحانه و هم چنین حملات پیچیده که سبب تلفات افراد ملکی شد، استفاده می کردند. اما پس از اینکه به قدرت رسیدند، بدیهی است که منازعه مسلحانه تقریباً تمام شده است. اینکه طالبان از کاهش تلفات افراد ملکی به عنوان یک دستاورد یاد می کنند، کاملاً اشتباه است.

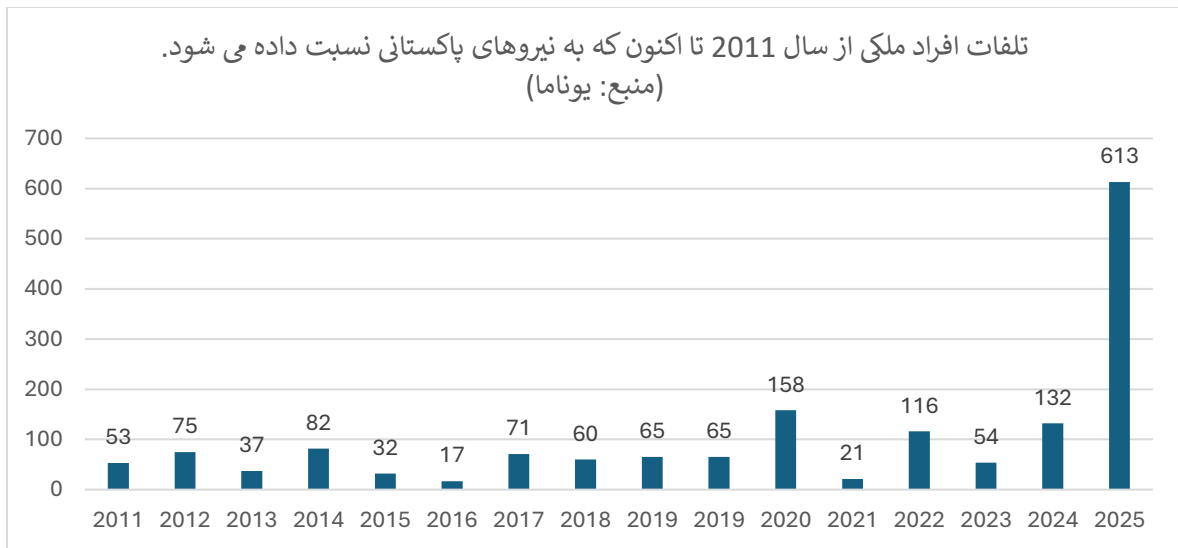
براساس معلومات مرکز حقوق بشر افغانستان، در سال 1404 خورشیدی بیش از 1284 نفر تلفات افراد ملکی (310 کشته و 974 زخمی) به ثبت رسیده است. بیش از 90 درصد تلفات افراد ملکی در اثر درگیری های مرزی میان نیروهای طالبان و نیروهای پاکستانی و هم چنین حملات هوایی نیروهای پاکستانی در شهرهای مختلف افغانستان رخ داده است.

نیروهای طالبان و سربازان پاکستانی در طول سال 1404 خورشیدی چندین بار در مناطق مرزی مختلف در ولایت های کندهار، نورستان، خوست، کنر، پکتیکا و ننگرهار باهم درگیر شدند و در این درگیری های از سلاحهای سبک و سنگین استفاده کردند. نیروهای پاکستانی در چندین مرحله از طریق هوا ولایت های مختلف افغانستان از جمله کابل، کندهار، پکتیا و ننگرهار بمبارد کردند که تعداد زیادی از مردم ملکی کشته و زخمی شدند.

درگیری های مرزی میان افغانستان و پاکستان بیشتر از 15 سال است که به طور مقطعی و پراکنده وجود داشته است؛ اما در سال 1404 خورشیدی این درگیری ها بیشتر از گذشته تشدید یافت. در اثر همه این درگیری ها صدها تن از افراد ملکی کشته و زخمی شده اند. اما در سال 1404 خورشیدی درگیری های مرزی میان طالبان و نیروهای پاکستانی به شدت افزایش یافت و در نتیجه بیشترین تلفات را در پی داشت. تلفات افراد ملکی در جریان درگیری ها مرزی میان سربازان پاکستانی و نیروهای طالبان، توسط فیر هاوان، حملات هوایی و فیر ها سلاحهای سبک میان دو طرف بوده است.

⁵³ روزنامه هشت صبح، "طالبان یک نظامی پیشین تازه اخراج شده از ایران را در محضر عام در فاریاب تیرباران کردند"، 26 دسامبر 2025، <https://8am.media/fa/taliban-publicly-execute-former-soldier-recently-deported-from-iran-in-faryab>

⁵⁴ روزنامه هشت صبح، "طالبان یک نظامی پیشین را در کابل بازداشت کردند"، 27 دسامبر 2025



آخرین حمله هوایی پاکستان در شهر کابل به تاریخ 16 مارچ 2026 حوالی ساعت 9 شب بر یک مرکز تداوی معتادان انجام شد که صدها تن کشته و زخمی شدند. طالبان ادعا کردند که در این حمله حداقل 400 فرد ملکی کشته و بیش از 250 تن دیگر مجروح شده اند⁵⁵؛ اما خبرگزاری رویترز از نقل یک مقام سازمان ملل متحد در افغانستان گزارش داد که در این حمله 143 تن کشته شده اند⁵⁶. تایید آمار ارائه شده توسط طالبان به دلیل عدم دسترسی رسانه های آزاد دشوار است.

در جریان درگیری های مرزی میان نیروهای پاکستانی و طالبان که از 10 اکتوبر تا 17 اکتوبر اتفاق افتاد، 500 نفر تلفات ملکی را در افغانستان در پی داشت که شامل 47 تن کشته و 456 زخمی می گردد. این درگیری های به تاریخ 11 اکتوبر در مناطق مرزی ولایت پکتیا و کنر و به تاریخ 12 اکتوبر در مناطق مرزی ولایت هلمند، به تاریخ 15 اکتوبر در مناطق مرزی ولایت کندهار، خوست، پکتیکا و هم چنین حملات هوایی در شهر کابل اتفاق افتاد. یک درگیری دیگر به تاریخ 17 اکتوبر در مناطق مرزی پکتیکا رخ داد که تلفات ملکی را در پی داشت.

هزینه اصلی این درگیری ها را مردم ملکی افغانستان می پردازد و در هر درگیری دهها تن از مردم ملکی کشته و زخمی می شوند. بررسی های آمار تلفات افراد ملکی نشان می دهد که اکثریت قربانیان را کودکان و زنان تشکیل می دهند. این وضعیت بیانگر این است که طرفهای درگیر به ویژه نیروهای پاکستانی قواعد بشردوستانه بین المللی را نقض کرده اند. بر اساس قواعد بشردوستانه بین المللی طرفهای منازعه مکلف اند که از افراد ملکی حفاظت نموده و نباید تاسیسات غیر نظامی مانند شفاخانه مورد هدف قرار بگیرند.

عامل دیگر تلفات افراد ملکی که فیصدی اندکی را تشکیل می دهد، انفجار مواد تعبیه شده در وسایل نقلیه، حملات نیروهای مخالف طالبان، حملات انتحاری گروه داعش می باشد. باید یادآور شد که مسوولیت برخی از حملات را هیچ گروهی به عهده نگرفته است.

⁵⁵ بی بی سی فارسی، "حملات تازه پاکستان به افغانستان: نگرانی از کشته شدن صدها نفر در یک مرکز درمانی ترک اعتیاد در کابل"، 17 مارچ 2026، جزییات بیشتر در این لینک: <https://www.bbc.com/persian/articles/c1d6v6v77rzo>

⁵⁶ رویترز، "یک نهاد سازمان ملل متحد شمار کشته شدگان در بمباران یک مرکز توان بخشی در کابل توسط پاکستان را 143 تن اعلام کرد"، 18 مارچ 2026، جزییات بیشتر در این لینک: <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/un-agency-puts-death-toll-143-kabul-rehab-centre-bombing-by-pakistan-2026-03-18>

در سال 2025 میلادی، گروه داعش خراسان دو حمله انتحاری در شهرهای کابل و کندز انجام دادند و هدف حمله اعضای طالبان بودند. به تاریخ 13 فبروری یک فرد مواد انفجاری همراه اش را در داخل وزارت شهرسازی و مسکن منفجر کرد که در اثر آن 3 مرد کشته و 10 تن دیگر زخمی شدند. گروه داعش شاخه خراسان مسوولیت این حمله را به عهده گرفت. هم چنان به تاریخ 11 فبروری یک حمله کننده انتحاری مواد انفجاری همراه اش را در داخل کابل بانک انفجار داد که 4 تن از اعضای طالبان کشته و 15 طالب دیگر زخمی شدند. انفجار زمانی صورت گرفت که طالبان برای گرفتن معاش خود در کابل بانک مراجعه کرده بودند. مسوولیت این حمله را نیز گروه داعش به عهده گرفت. در ماه فبروری یک شهروند چنین توسط افراد ناشناس در ولایت تخار به قتل رسید که بعداً گروه داعش مسوولیت آن را به عهده گرفت.

گروههای مسلح مخالف طالبان مانند جبهه مقاومت ملی و جبهه آزادی نیز در طول سال 2025 میلادی برخی حملات پرکننده را در شهر کابل و برخی ولایات دیگر انجام دادند که تلفات ملکی را در پی داشته است. قابل یادآوری است که یافتن آمار و ارقام دقیق تلفات این حملات دشوار است. در 18 جنوری در یک حمله با بمب دستی در یک پوسته امنیتی طالبان یک مرد کشته و 18 فرد دیگر به شمول یک زن و یک کودک زخمی شدند. جبهه آزادی مسوولیت این حمله را به عهده گرفت.

مسوولیت برخی از حملات را هیچ گروهی به عهده نگرفته است. به طور مثال در 15 جنوری در شهر مزارشریف یک بمب جاسازی شده در مقابل موتر پولیس طالبان منفجر شد که در اثر آن یک فرد ملکی کشته و 19 تن دیگر زخمی شدند. اکثر قربانیان این حمله فروشندگان میوه و سبزیجات بودند که در زمان وقوع این حادثه مشغول کار بودند. مسوولیت این حمله را هیچ گروهی به عهده نگرفت.⁵⁷

آزادی بیان و آزادی تجمعات:

آزادی بیان یکی از اساسی ترین حقوق بشری است که دولت ها بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و سایر اسناد بین المللی حقوق بشر ملزم به رعایت آن است. آزادی بیان و آزادی رسانه ها یکی از رکن های دموکراسی و جامعه باز شمرده شود. آزادی بیان و آزادی رسانه ها، نقش مهمی در پاسخگویی، حسابدگی و تامین عدالت در کشور دارد.

پس از آگست 2021 که طالبان به قدرت رسید، آزادی بیان در افغانستان به شدت متحول گردید. آزادی بیان و آزادی رسانه ها که یکی از مهمترین دستاوردهای دوره جمهوریت به شمار می رفت، با تسلط طالبان به طور پی سابقه ای با عقبگرد مواجه گردیده است. طالبان، قانون اساسی مصوب سال 2004 را که متضمن حق آزادی بیان و سایر حقوق و آزادی ها اساسی بود، ملغاً اعلان کردند. هرچند مقامات طالبان در ماه فبروری 2022 میلادی گفتند که قانون رسانه ها که در سال 2009 (تعدیل شده در سال 2015) به تصویب رسید، قابل اجرا می باشد، به تاریخ 12 آپریل 2024 میلادی وزارت عدلیه اعلان کرد که قوانین دولت قبلی ملغاً می باشد. بنابراین، به نظر می رسد که تاکنون چارچوب قانونی قابل عمل بر رسانه ها وضاحت ندارد. با این وجود، مقامات اداره حاکم بیش از 15 دستور العمل و رهنمود محدودیت کننده آزادی بیان و آزادی رسانه ها در افغانستان وضع کردند. یکی از مهمترین رهنمود محدود کننده آزادی رسانه ها، رهنمود 11 ماده ای است که به تاریخ 19 سپتامبر 2021 که توسط "مرکز اطلاعات و رسانه های حکومت" اداره حاکم به نشر رسید.

کمیسیون مستقل دسترسی به اطلاعات که در دوره جمهوریت تشکیل شده بود، در ماه دسامبر 2022 میلادی به وزارت اطلاعات و فرهنگ ادغام شد. کمیسیون ارزیابی تخطی رسانه ها که مسوولیت رسیدگی به شکایات و تخطی های رسانه ای در دوره جمهوریت فعال بود، به تاریخ 12 آگست 2023 میلادی تشکیل جلسه داد ولی بعد از این جلسه اعضای این کمیسیون تغییر کرد. علاوه بر چهار نماینده رسانه ها، 6 عضو از ادارات مربوط به طالبان به شمول ریاست استخبارات

⁵⁷ یوناما، گزارش وضعیت حقوق بشر در افغانستان: گزارش تازه جنوری- مارچ 2025، صفحه 4

شامل این کمیسیون شد. نقش و تاثیر کمیسیون ارزیابی تخطی رسانه ها نا مشخص است. در اداره طالبان، علاوه بر وزارت اطلاعات و فرهنگ، دو نهاد دیگر به شمول ریاست عمومی استخبارات و وزارت امر به معروف و نهی از منکر نیز به امور مربوط به رسانه ها دخیل اند. ریاست استخبارات طالبان بازداشت ها را انجام می دهد و وزارت امر به معروف و نهی از منکر بیشتر بر اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر توسط رسانه ها نظارت و دخالت می نماید.

براساس معلومات گزارشگران بدون مرز، 43% رسانه ها از بین رفتند و بیش از دو سوم از 12000 خبرنگار موجود در سال 2021 میلادی، این حرفه را ترک کردند. از هر ده خبرنگار زن، هشت زن ناچار شدند این کار را رها کنند. شمار اندکی از خبرنگاران که تحت تسلط طالبان کار می کنند با محدودیت های متعدد از جمله نبود دسترسی به منابع، ممنوعیت سفر بدون محرم، ممنوعیت ظاهر شدن در برابر کامره در رسانه های دولتی، جداسازی محیط کار، الزام پوشاندن چهره و انواع آزار و اذیت، معاش های بسیار ناچیز یا حتا بدون معاش رو به رو هستند⁵⁸.

پس از تسلط طالبان، جایگاه افغانستان بر اساس شاخص آزادی رسانه ها به شدت افت کرد. آزادی بیان براساس شاخص آزادی رسانه ها که توسط سازمان خبرنگاران بدون مرز انجام شده، آزادی رسانه ها در افغانستان در سال 2025 میلادی به 175 (از میان 180 کشور) قرار دارد⁵⁹. در حالی که در سال 2018 میلادی افغانستان در جایگاه 118 قرار داشت. علاوه برآن، به تاریخ 18 نوامبر 2022 میلادی، عضویت افغانستان در ائتلاف رسانه های آزاد ملغا شد به خاطر آنکه افغانستان تعهدات جهانی در مورد آزادی رسانه ها را که دولت جمهوری در سال 2020 امضاء کرده بود، برآورده نکرد⁶⁰.

پس از آگست 2021 میلادی، رسانه های افغانستان از لحاظ مالی نیز تضعیف شدند. خراب شدن اوضاع اقتصادی، کاهش و یا توقف کمک های مالی مراجع تمویل کننده، ممنوعیت پخش موسیقی و برخی از برنامه های سرگرمی باعث شد که شنوندگان و بینندگان رادیوها و تلویزیون ها کاهش یابد و در نتیجه درآمد این رسانه ها از طریق پخش تبلیغات تجاری نیز کاهش یافته است. از سوی دیگر، دسترسی آسان مردم از طریق انترنت و ماهواره به برنامه های رادیوها و تلویزیون های که در خارج از کشور فعالیت دارند، باعث کاهش مخاطبان رادیوها و تلویزیون های داخلی گردید. علاوه برآن، بسیاری از خبرنگاران و کارمندان با تجربه و متخصص رسانه ها پس از آگست 2021 میلادی، کشور را ترک کردند و رسانه های داخلی با کمبود خبرنگاران با استعداد و با تجربه مواجه شدند. وضع محدودیت های شدید طالبان بر رسانه های صوتی، تصویری و چاپی نیز رسانه های مستقل و آزاد را با چالش های جدی مواجه کرده است.

⁵⁸ خبرنگاران بدون مرز، "افغانستان"، جزییات بیشتر در این لینک: <https://rsf.org/en/country/afghanistan>

⁵⁹ خبرنگاران بدون مرز، "افغانستان"، جزییات بیشتر در این لینک: <https://rsf.org/en/country/afghanistan>

⁶⁰ یوناما، آزادی رسانه ها در افغانستان، نوامبر 2024، صفحه 7

رهنمود ۱۱ ماده‌ای برای رسانه‌ها

- ۱) موضوعات مغایر با اسلام و شریعت نباید نشر شوند.
- ۲) از توهین به شخصیت‌های ملی و برجسته در فعالیت‌های نشراتی اکیداً خودداری شود.
- ۳) از توهین به ارزش‌های شناخته شده ملی و حریم خصوصی شخصی در فعالیت‌های رسانه‌ای باید جداً اجتناب شود.
- ۴) رسانه‌ها و خبرنگاران نباید مطالب خبری را تحریف کنند.
- ۵) خبرنگاران باید اصول خبرنگاری را در نوشته‌های خود در نظر بگیرند.
- ۶) رسانه‌ها باید تعادل را در نشریات خود در نظر بگیرند.
- ۷) در نشر مطالبی که صحت و سقم آنها نامعلوم است یا اطلاعات کاملی در دسترس نیست، دقت شود.
- ۸) در نشر مطالبی که بر افکار عمومی تأثیر منفی می‌گذارد یا می‌تواند روحیه افراد را تضعیف کند، احتیاط شود.
- ۹) رسانه‌ها در نشر اخبار بیطرفی خود را حفظ کرده و آنچه را که حقیقت است، نشر کنند.
- ۱۰) مرکز رسانه‌ها و اطلاعات امارت اسلامی افغانستان به عنوان یک نهاد حامی سعی میکند تا در تهیه اخبار و گزارش‌ها تسهیلاتی را در اختیار رسانه‌ها قرار دهد. هر ژورنالیستی که بخواهد گزارش تفصیلی تهیه کند باید با مرکز رسانه‌ها و اطلاعات امارت اسلامی افغانستان هماهنگی کند.
- ۱۱) مرکز رسانه‌ها و اطلاعات امارت اسلامی افغانستان فوراً مشخصی را برای سهولت خبرنگاران تهیه کرده است که به آنان در ارائه گزارش‌های لازم کمک می‌کند.

آن عده از خبرنگاران افغان که پس از آگست ۲۰۲۱ میلادی کشور را ترک کردند و به کشورهای ایران و پاکستان به سر می‌برند، در معرض اخراج اجباری قرار دارند. دولت‌های میزبان بدون هیچ‌گونه توجه به خطر آزار و اذیت آنها توسط طالبان، آنها را اخراج می‌کنند. در سال ۲۰۲۵ میلادی حداقل ۲۰ تن از خبرنگاران افغان از پاکستان مجبور شدند به افغانستان برگردند. دهها خبرنگار دیگر از ترس اخراج اجباری در خفا زندگی می‌کنند^{۶۱}. در حال حاضر حدود ۲۰۰ خبرنگار افغان با خانواده‌هایشان در پاکستان به سر می‌برند و انتظار دارند که در کشورهای مهاجر پذیر اسکان مجدد شوند^{۶۲}. در صورت برگشت به افغانستان، احتمال دارد از سوی طالبان شناسایی شده و مورد بازداشت و شکنجه قرار بگیرند و یا هم به قتل برسند.

مقامات حاکم فرامین و دستورالعمل‌های شفاهی و کتبی زیادی بر رسانه‌های داخلی وضع کردند که تمامی این دستورالعمل‌ها به منظور ایجاد محدودیت، سانسور و تهدید رسانه‌ها صادر شده است. این فرامین و دستورالعمل‌ها در مورد ممنوعیت پخش موسیقی، ممنوعیت پخش تصاویر موجودات زنده، رعایت حجاب اسلامی توسط خبرنگاران زن، ممنوعیت پخش فیلم‌های که مغایر ارزشهای شرعی و افغانی تلقی شده، ممنوعیت ظاهر شدن زنان در فیلم‌ها، ممنوعیت فیلم‌ها و ویدیوهای که در آن مردان بدن‌شان را در معرض دید قرار می‌دهند، ممنوعیت جداسازی محل کار خبرنگاران، ممنوعیت ظاهر شدن

^{۶۱} گزارشگران بدون مرز، "پاکستان: خبرنگاران افغان در تبعید در حالی که کابوس طالبان بازگردانده می‌شوند که جهان چشم خود را بسته است"، سوم دسامبر ۲۰۲۵، قابل دسترس در این لینک: <https://rsf.org/en/pakistan-exiled-afghan-journalists-sent-back-taliban-nightmare-while-world-looks-away>

^{۶۲} همان

مجریان زن و مرد همزمان در تلویزیون، ممنوعیت انتقاد از مقامات اداره حاکم، استفاده از عبارت "امارت اسلامی" به جای طالبان، ممنوعیت پخش برنامه های سیاسی صادر شده است.

در سال 2025 میلادی، علاوه بر محدودیت های از قبل وضع شده بر رسانه ها، نظارت و محدودیت مقامات طالبان بر رسانه ها افزایش یافت. به تاریخ 29 جون وزارت اطلاعات و فرهنگ دستورالعمل جدیدی را با نمایندگان رسانه ها شریک ساخت که محتوای سیاسی رسانه ها را تنظیم می کند. طبق این دستورالعمل، گفتگوهای سیاسی که در ماه فروری تعلیق شده بود، دوباره از سر گرفته می شود؛ اما تحلیل گران سیاسی ملزم به رعایت قوانین شریعت و داشتن کارت شناسایی صادر شده توسط وزارت اطلاعات و فرهنگ هستند. هم چنان کمیته ای زیر نظر وزارت اطلاعات و فرهنگ تشکیل شده که کار آن نظارت بر تمامی محتوای سیاسی این برنامه ها است.

رهبر طالبان به تاریخ 22 جون، قانون "تنظیم مشاعره" را توشیح نموده و این قانون در جریده رسمی منتشر گردید. بر مبنای این قانون، سرودن شعر درباره دختران و پسران ممنوع است. هم چنین انتقاد از فرامین، هدایات، احکام و تصامیم هبت الله آخوندزاده، رهبر طالبان ممنوع گردید⁶³. در این قانون آمده است که از توصیف پسران و دختران یا دعوت به روابط دوستی با آنها پرهیز شود و شعر باید خالی از عشق مجازی، خواهشات ناروا و احساسات بیجا باشد⁶⁴. این قانون در یک مقدمه، سه باب، دو فصل و 13 ماده تهیه و منتشر شده است.

به تاریخ 14 ماه می، سخنگوی وزارت امر به معروف و نهی از منکر به رسانه ها گفت که استفاده از رسانه برای انحراف فکری، توهین و تحقیر، تعصب قومی و خلاف ارزش های دینی، از نظر قانونی جرم است و هیچ فرد یا نهادی اجازه انجام فعالیت های غیر قانونی در رسانه های اجتماعی ندارد.

در سال 2025 میلادی، یک خبرنگار کشته شد و یک خبرنگار دیگر مجروح گردید. "عبدالغفور عابد"، خبرنگار تلویزیون ملی به تاریخ 12 اکتوبر در جریان درگیری نیروهای طالبان و نظامیان پاکستانی در منطقه مرزی ولایت خوست کشته شد و شخصی دیگری به نام "تواب آرمان"، مدیر نشرات این رسانه مجروح گردید. رسانه ها گزارش دادند که این دو خبرنگار در تیراندازی نیروهای پاکستانی کشته و مجروح شدند⁶⁵. جزییات بیشتر این قضیه روشن نیست.

بر اساس اطلاعات مرکز حقوق بشر افغانستان، در سال 2025 میلادی، 17 تن از خبرنگاران و کارمندان سکتور رسانه از سوی مقامات طالبان بازداشت گردیدند. برخی از این خبرنگاران پس از مدت کوتاهی آزاد شدند و برخی از آنها به حبس های کوتاه و متوسط محکوم شده اند و اکنون در زندان به سر می برند. بر اساس اطلاعات سازمان خبرنگاران بدون مرز، اکنون شش خبرنگار و دو کارمند رسانه های در بازداشت هستند⁶⁶. از زمان بازگشت طالبان به قدرت از آگست 2021 میلادی تا اکنون حداقل 165 خبرنگار و کارمند رسانه ای توسط طالبان بازداشت شده اند⁶⁷.

مجیب الکوزی (نام مستعار) که قبلا خبرنگار بود، در اوایل سال 2025 میلادی توسط استخبارات طالبان در شهر کابل بازداشت و مورد شکنجه قرار گرفت. او در مصاحبه با مرکز حقوق بشر افغانستان چنین گفت:

⁶³ وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون تنظیم مشاعره ها، ماده 4، مورخ، 22 جون 2025 میلادی

⁶⁴ همان، ماده 5

⁶⁵ روزنامه هشت صبح، "یک خبرنگار رادیو و تلویزیون ملی زیر کنترل طالبان توسط نیروهای پاکستانی در خوست کشته شد"، 23 میزان 1404، جزییات بیشتر در این لینک: <https://8am.media/fa/a-reporter-for-a-national-radio-and-television-station-under-taliban-control-was-killed-by-pakistani-forces-in-khost>

⁶⁶ خبرنگاران بدون مرز، "افغانستان"، جزییات بیشتر در این لینک: <https://rsf.org/en/country/afghanistan>

⁶⁷ گزارشگران بدون مرز، "رد ویزا و عدم اعطای پناهنده گی خبرنگاران بیشتری از افغانستان در دام طالبان گرفتار می کند"، قابل دسترس در این لینک: <https://rsf.org/en/refusing-visas-and-refuge-consigns-more-afghan-journalists-taliban-trap>

"من در یکی از رسانه های محلی کار می کردم. استخبارات طالبان مرا به خاطر تهیه گزارش در مورد حقوق زنان از خانه مرا بازداشت کردند. در مسیر راه در موتر مرالت و کوب و توهین کردند و فحش دادند. یک شبانه روز را در توقیف خانه پولیس سپری کردم. در جریان تحقیق مرا با مشیت و لگد و گاهی با کیبل برق شکنجه کردند. لباسم در اثر شکنجه پاره پاره شد. در آخر از من تعهد کتبی گرفتند که خلاف پالیسی های طالبان فعالیت نکنم. مرا دو سال پیش نیز دوبار به خاطر پوشش خبری اعتراضات زنان برای مدت کوتاه بازداشت کرده بودند."

طالبان با بازداشت خبرنگاران و پخش اعترافات اجباری آنها از طریق شبکه های اجتماعی می کوشند در میان رسانه ها و خبرنگاران وحشت ایجاد کنند و صدای رسانه های مستقل را خاموش کنند. این بخشی از سیاست طالبان در قبال آزادی بیان و آزادی رسانه ها است و با اعمال چنین سیاست ها، بازداشت های خودسرانه خود را توجیه می کنند.

در سال 1404 خورشیدی، اعترافات اجباری سه خبرنگار توسط طالبان نشر گردید. "ابوذر صارم سرپلی"، مدیر خبرگزاری توانا و رییس فدراسیون سازمان های رسانه ای افغانستان، شکیب نظری، خبرنگار "ان تی وی" جاپان، و مهدی انصاری، خبرنگار "آژانس خبری افغان"، مجبور به اعتراف شدند، در حالی که در بازداشت طالبان به سر می بردند. ویدیوهای اعتراف اجباری سرپلی و نظری به تاریخ های 30 جولای و 21 آگست 2025 میلادی در شبکه های اجتماعی پخش گردید. هر دو خبرنگار در 24 جولای 2025 توسط نیروهای استخبارات طالبان بازداشت شدند.

مهدی انصاری خبرنگار "آژانس خبری افغان" به تاریخ 5 اکتوبر 2024 میلادی زمانی که از دفتر کارش به خانه بر می گشت، در منطقه پل خشک کابل ناپدید شد. خانواده اش سه روز او را جست و جو کردند تا اینکه طالبان اعتراف کردند که مهدی انصاری توسط استخبارات بازداشت شده است. انصاری از سوی محکمه ابتداییه کابل به اتهام تبلیغ علیه حاکمیت طالبان و همکاری با رسانه های تبعیدی به یک و نیم سال حبس محکوم شد. در ماه اکتوبر 2025 میلادی، حساب کاربری فیسبوک تحت نام "صدای هندوکش" که به ریاست استخبارات طالبان نزدیک است، ویدیوی اعتراف اجباری مهدی انصاری را پخش کرد و در توضیح این ویدیو نوشت که انصاری به اتهام "تبلیغات زهرآگین" علیه نظام و همکاری با رسانه های مغرض خارجی از جمله روزنامه "هشت صبح" و تلویزیون "افغانستان انتر نیشنل" بازداشت و مجازات شده است⁶⁸. مهدی انصاری در این ویدیو اعتراف می کند که با برخی رسانه های خارج از کشور در ارتباط بوده و حساب های جعلی در شبکه های اجتماعی برای تبلیغ علیه نظام طالبان داشته است. هم چنین در این ویدیو اظهارات قبلی خود درباره وضعیت بد افغانستان را نادرست دانسته است⁶⁹. معلوم نیست که این ویدیو تحت چه شرایط ضبط شده است. مهدی انصاری در 20 مارچ 2026 از زندان طالبان آزاد گردید⁷⁰.

به تاریخ 4 فبروری 2025 میلادی، کارمندان استخبارات و وزارت اطلاعات و فرهنگ به دفتر رادیو بیگم و رادیو جوانان که در یک ساختمان مشترک واقع در وزیر اکبر خان شهر کابل موقعیت داشت، یورش بردند و دو تن از کارمندان مرد این رادیوها را بازداشت کردند. افراد بازداشت شده به نام "اسلام گل توتا خیل"، معاون رادیو جوانان و "احمد ضیا امان یار"، گزارشگر رادیو بیگم هستند. کارمندان استخبارات، علاوه بر بازجویی از کارمندان، تجهیزات مانند کامپیوتر، هارد دیسک و اسناد متعلق به این رادیوها را ضبط نموده با خود بردند. طالبان گفتند فعالیت این رادیوها به دلیل چندین تخلف از جمله تهیه غیر مجاز محتوا و برنامه ها برای یک کانال تلویزیونی مستقر در خارج از کشور، تعلیق گردیده است. بعد از سه هفته به تاریخ 22

⁶⁸ گزارشگران بدون مرز، "در افغانستان، تاکتیک جدید طالبان برای تحقیر خبرنگاران: وادار کردن به اعتراف و پخش آنلاین آن"، قابل دسترس در این لینک: <https://rsf.org/en/afghanistan-new-taliban-tactic-humiliate-journalists-forced-confessions-broadcast-online>

⁶⁹ افغانستان انتر نیشنل، "طالبان ویدیوی اعتراف اجباری مهدی انصاری، خبرنگار زندانی را منتشر کرد"، 10 میزان 1404، جزییات بیشتر در این لینک: <https://www.afintl.com/202510021959>

⁷⁰ اطلاعات روز، "مرکز خبرنگاران: مهدی انصاری پس از یک و نیم سال از زندان طالبان آزاد شد"، 29 حوت 1404

فهروری وزارت اطلاعات و فرهنگ مجوز بازگشایی این رادیوها را صادر کرد. خبرنگاران این رادیوها، هریک اسلام گل توتا خیل و احمد ضیا امان یار که به شش ماه حبس محکوم شده بودند، در ماه آگست آزاد شدند.⁷¹

از زمان تسلط طالبان تا اکنون به دلایل متعدد مانند ایجاد محدودیت ها و ممانعت های طالبان، کاهش کمک های مالی و وضعیت بد اقتصادی رسانه های زیادی مسدود شده است. برخی از این رسانه ها به طور موقت و برخی برای دایم مسدود شده است. تنها در سال 2024 میلادی 12 رسانه مسدود گردید. بر اساس معلومات مرکز حقوق بشر افغانستان، در سال 2025 میلادی، نشرات 8 رسانه خصوصی و دولتی متوقف گردید.

در ماه آپریل 2025 میلادی، وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان اعلان کرد که جواز کار رادیو و تلویزیون "راه فردا" در کابل را به تعلیق در آورده است. مقامات اداره حاکم گفتند که این اقدام در پی شکایت کارمندان این رسانه از دریافت نکردن معاش شان صورت گرفته است. به گفته مقامات طالبان، پس از این شکایت، مسوولان این رسانه احضار شده بودند و آنها به این شکایت بی توجهی کردند.⁷² رادیو و تلویزیون راه فردا، پس از توقف دو ماهه، دوباره به نشرات خود آغاز کرد.

برای رسانه های که خارج از کشور نشرات دارند (مشهور به رسانه های در تبعید)، نیز محدودیت وضع گردیده است. این رسانه ها به طور قانونی نمی توانند در افغانستان مجوز فعالیت اخذ کنند. از این رو، خبرنگاران آنها به طور مخفیانه در داخل کشور فعالیت دارند. مقامات اداره حاکم در ماه می 2024 میلادی هر نوع همکاری با رسانه "افغانستان انترنشنل" که در لندن مستقر است، ممنوع کرد.⁷³ طالبان از کارشناسان، تحلیلگران و خبرنگاران خواست تا از شرکت در بحث های این رسانه و هر نوع همکاری با افغانستان انترنشنل خود داری کنند. قبلا، در ماده دسامبر 2022 میلادی، نشرات "رادیو آزادی" و رادیو "صدای آمریکا" از موج اف ام به دلیل ادعای نقض اصول خبرنگاری از سوی طالبان قطع شد. عبدالحق حماد رییس نشرات وزارت و اطلاعات در یک تویت اظهار نمود که نشرات این دو رادیو از موج اف ام در 13 شهر متوقف گردید.⁷⁴

به تاریخ 6 آگست، کارمندان استخبارات طالبان در ولایت دایکندی به دفتر رادیو نسیم در شهر نیلی مرکز دایکندی یورش بردند و مدیر مسوول و دو گزارشگر این رادیو را بازداشت کردند و در اثر آن، فعالیت این رادیو متوقف شد. کارمندان استخبارات سیف الله رضایی گزارشگر رادیو نسیم و قدرت الله موسوی گزارشگر رادیو صدای قریه را که برای پوشش یک نشست خبری در شهر نیلی رفته بودند بازداشت کردند. پس از آن، سلطان علی جوادی مدیر مسوول و مجتبی قاسمی گزارشگر رادیو نسیم نیز بازداشت شدند و کامپیوتر های آنها توسط استخبارات ضبط گردید. طالبان این بازداشت ها را به خاطر نشر گزارش های سازمان ملل متحد در مورد فعالیت های گروه داعش و مخالفان مسلح طالبان توسط این رادیو ها انجام داد. این خبرنگاران پس از چندین ساعت بازجویی، آزاد شدند. باید گفت که سلطان علی جوادی، سیف الله رضایی و مجتبی قاسمی دو سال قبل نیز بازداشت شده بودند و حدود پنج ماه در زندان سپری کردند.⁷⁵

⁷¹ مرکز خبرنگاران افغانستان، "چهار خبرنگار و فعال رسانه ای در کابل از زندان آزاد شدند"، 9 اسد 1404، جزییات بیشتر در این لینک: <https://afjc.media/our-work/press-release/two-journalists-from-jawanan-and-begum-radio-stations,-and-two-media-activists,-released-from-prison-in-kabul>

⁷² مرکز خبرنگاران افغانستان، "جواز کار رادیو و تلویزیون راه فردا تعلیق شد"، 9 ثور 1404

⁷³ بی بی سی فارسی، "حکومت طالبان هر نوع همکاری با افغانستان انترنشنل را ممنوع کرد"، 9 می 2024، جزییات بیشتر در این لینک: <https://www.bbc.com/persian/articles/crgyxx350rpo>

⁷⁴ رادیو آزادی، "نشرات رادیو آزادی و صدای آمریکا از موج اف ام از سوی طالبان قطع شد"، جزییات بیشتر در این لینک: <https://da.azadiradio.com/a/32156849.html>

⁷⁵ مرکز خبرنگاران افغانستان، "کارمندان رادیو نسیم در دایکندی بازداشت و این رسانه بار دیگر بسته شد"، 16 اسد 1404، جزییات بیشتر در این لینک: <https://afjc.media/news/afghanistan/center-area-news/daikondi/gdi-detains-four-journalists-in-daikundi-and-shuts-down-nasim-radio-station>

به تاریخ 26 آگست، در جریان یک نشست مطبوعاتی در کابل، یکی از خبرنگاران زن تلاش کرد از ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان سوالی بپرسد، اما میکروفون او عمدا خاموش گردید⁷⁶. این نشست مطبوعاتی به طور زنده از رادیو و تلویزیون ملی پخش می شد. یک ماه قبل از این واقعه نیز صدای یک خبرنگار زن هنگام طرح پرسش از امیر خان متقی، وزیر خارجه طالبان، عمدا قطع گردید. قبلا در برخی ولایات، مقامات طالبان از ورود خبرنگاران زن در کنفرانس مطبوعاتی جلوگیری کردند.

به تاریخ 15 اکتوبر 2025 میلادی، با دستور مقامات طالبان نشرات رادیو و تلویزیون خصوصی شمشاد در کابل متوقف گردید. گفته شده است که طالبان رادیو و تلویزیون شمشاد را متهم کرده است که در جریان جنگ اخیر میان طالبان و پاکستان، به درستی از موضع طالبان در برابر پاکستان حمایت نکرده است.

مقامات طالبان در ولایات مختلف به منظور اجرای ماده 17 قانون امر به معروف و نهی از منکر، نشر تصاویر موجودات زنده را ممنوع کردند که در پی آن، نشرات برخی از تلویزیون های محلی از جمله نشرات تلویزیون های ملی در ولایات هرات، پکتیا و بلخ، تخرار و دو تلویزیون خصوصی دیگر در هرات متوقف گردید. ممنوعیت تصاویر زنده تا اکنون در 23 ولایت کشور اجرا شده است.

طالبان برای خبرنگاران خارجی نیز محدودیت وضع کردند. از خبرنگاران خارجه خواسته می شود که قبل از تهیه گزارش، موضوع گزارش خود را برای مرور و تایید با مقامات اداره حاکم شریک سازند. علاوه بر آن، خبرنگاران خارجی موظف اند که رهنمود رسانه ها که توسط طالبان تهیه شده، رعایت کنند و آنها اجازه ندارند که در مورد موضوعات مانند فعالیت گروه های مانند داعش، القاعده و سایر گروه های مسلح گزارش تهیه کنند. به آنها گوشزد می شود که در صورت تخلف، در آینده به آنها ویزا داده نخواهد شد. علاوه بر آن، خبرنگاران خارجی در طول سفر به افغانستان از سوی طالبان به بهانه تامین امنیت، همیشه مورد نظارت دقیق قرار می گیرند⁷⁷.

دسترسی به اطلاعات نیز با محدودیت های زیادی مواجه است. با وجودی که در سالهای اخیر با تعیین سخنگویان در وزارت ها، ریاست های ولایتی و صدور کارت هویت به کارکنان رسانه ها به تدریج دسترسی به اطلاعات بهبود یافت، اما در مورد برخی از موضوعات مشخص دسترسی به اطلاعات بسیار محدود باقی مانده است. مقامات اداره حاکم در مورد رویدادهای امنیتی، اعتراضات علیه طالبان، دسترسی به آموزش، حقوق دختران و زنان و برخی موضوعات چالش بر انگیز دیگر حساسیت ویژه ای دارند و در مورد این موضوعات به رسانه ها اطلاعات نمی دهند.

آزادی عقیده و آزادی اجرای مناسک مذهبی اقلیت های مذهبی همواره از سوی مقامات حاکم نقض می گردد. هزاره های شیعه هم به خاطر قومیت و هم به خاطر مذهب شان مورد تبعیض قرار می گیرند. پس از بازگشت طالبان به قدرت، شیعیان افغانستان نمی توانند آزادانه مناسک مذهبی خود را اجرا کنند. در ماه جولای 2024 میلادی، مقامات حاکم از اعضای شورای علمای اهل تشیع تعهد کتبی (در ده ماده) گرفتند که مراسم عزاداری محرم را صرفا برای سه روز از هفتم تا دهم محرم برگزار کنند. هم چنان در این سند آمده است که شیعیان حق ندارد که شهروندان سنی را در این مراسم دعوت کنند. علاوه بر آن، در این سند آورده شده که مراسم عزاداری صرفا در محیط بسته (داخل مساجد و تکیه خانه ها) برگزار شود و نباید از لودسپیکر استفاده گردد⁷⁸. این محدودیت ها و برخی محدودیت های دیگر نیز در سال 1404 خورشیدی اجرا و تطبیق گردید.

⁷⁶ روزنامه هشت صبح، "طالبان بار دیگر صدای خبرنگار زن را هنگام مطرح کردن سوال قطع کردند"، جزییات بیشتر در این لینک: <https://8am.media/fa/taliban-once-again-cut-off-female-reporters-voice-while-asking-a-question>

⁷⁷ یوناما، گزارش "آزادی رسانه ها در افغانستان" صفحه 16، نوامبر 2024 میلادی،

⁷⁸ تلویزیون آمو، "طالبان مراسم عزاداری محرم را تنها به سه روز محدود ساخته اند"، 20 سرطان 1403، معلومات بیشتر در این لینک: <https://amu.tv/fa/109423>

طالبان، پیروان مذهب اسماعیلی را که فرقه ای از مذهب شیعه است، با زور و تهدید وادار می کنند که از مذهب سنی پیروی کنند. در ماه فبروری 2025 فرمانده طالبان به نام جمعه خان فاتح در ولسوالی نسی ولایت بدخشان، بیش از 50 تن از پیروان مذهب اسماعیلی را گردهم آورد و آنها را تهدید کرد که مذهب اسماعیلی را ترک نموده و به مذهب سنی بپیوندند، در غیر آن کشته خواهند شد. بر اساس اطلاعات ناظران مرکز حقوق بشر افغانستان در سال 1404 خورشیدی حداقل 203 نفر در ولسوالی های شغنان، اشکاشم، خواهان، نسی و مایمی را از جانب فرماندهان طالبان تهدید شدند تا به مذهب سنی تغییر مذهب دهند.

دسترسی به عدالت:

دسترسی به عدالت در دوره جمهوریت از چارچوب های حقوقی مستحکم و عادلانه برخوردار بود. قانون اساسی و سایر قوانین عادی کشور، اجراءات جزایی و پروسیجرهای قانونی مجریان قانون، سارنوالی ها و محاکم را مکلف می کرد تا دسترسی به عدالت سهل تر و عدالت تامین گردد. باوجود برخی مشکلات مانند فساد در ادارات عدلی و قضایی و ظرفیت پایین این ادارات، تلاش های زیادی جریان داشت تا حاکمیت قانون و تامین عدالت بهبود یابد.

در دوره جمهوریت، علاوه بر وزارت امور زنان و ادارات ولایتی، سارنوالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در ساختار لوی سارنوالی و واحدهای حل پرابلم های خانوادگی در ادارات تحقیقات جنایی پولیس ملی افغانستان و وکلای مدافع که از جمله بازیگران کلیدی دولتی در امر مبارزه با خشونت علیه زنان محسوب می شدند، نقش بارزی ایفا می کردند. این نهادهای مبارزه با خشونت علیه زنان پس از تسلط طالبان از بین رفتند و یا مطابق نظام عدلی طالبان که عمدتاً بر اساس تفسیر سختگیرانه از قواعد شرعی است، تغییر یافت.

نهادهای مستقل نظارت کننده مانند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز در دسترسی به عدالت نقش موثری ایفا می کرد. قربانیان نقض حقوق بشر به دفاتر ساحوی و ولایتی این کمیسیون مراجعه می کردند و شکایات شان را ثبت می کردند. کمیسیون این شکایات را به ارگانهای عدلی و قضایی راجع ساخته و بر اجراءات آنها نظارت می کرد تا اطمینان یابد که آنها به طور عادلانه به قضایا رسیدگی نمایند.

افغانستان قانون اصول محاکمات جزایی را در سال 2014 تعدیل و تصویب کرد، قانون منع شکنجه را در سال 2016 به تصویب رساند، قانون منع خشونت علیه زنان و قانون احوال شخصیه اهل تشیع را در سال 2009 نافذ ساخت و در نهایت، کود جزای جدید را در سال 2017 تصویب نمود. این اسناد حقوقی، هرچند در عمل به ویژه در بستر بی ثباتی سیاسی، نامنی، فساد و محدودیت های ظرفیتی با کاستی هایی همراه بودند، اما با این حال به بهبود انسجام حقوقی، قابل پیش بینی تر شدن اعمال صلاحیت قضایی و شکل گیری سیاست جزایی مبتنی بر اصول حقوق بشر کمک کردند.

رهبر طالبان به تاریخ 4 جنوری 2026 میلادی، اصولنامه جزایی محاکم را در سه بخش، ده فصل و 119 ماده تصویب و نشر کرد. این سند نشان دهنده یک جابه جایی، بازساخت و بازتعریف خطرناک نظام عدالت جزایی است که تعریف ماهوی جرایم و تخلفات، شیوه های تشخیص جرم و تعیین تقصیر، برابری اشخاص در برابر قانون، و نیز مشروعیت، تناسب و دامنه مجازات های را که نظام به عنوان مجازات قانونی می شناسد، تحت تأثیر قرار می دهد. این اصولنامه، نظام طبقاتی بر اساس جایگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افراد را ایجاد نموده و محدودیت های را مجاز می شمارد که به طور قابل پیش بینی به نقض های جدی حقوق بشر و عدم تساوی افراد منجر می شوند. این اصولنامه با حاکمیت قانون ناسازگار است و نقض آشکار تعهدات الزام آور افغانستان بر اساس حقوق بین الملل حقوق بشر به شمار می رود. این اقدام نشانه بازگشت به تاریکی و عقب گردی عمیق نسبت به یک قرن پیشرفت قانون گذاری مدون و نوسازی تدریجی نظام عدالت در افغانستان است.

احکام این اصولنامه، طبقه‌بندی‌های تبعیض‌آمیز اجتماعی را نهادینه می‌سازد، مجازات‌های غیرانسانی را احیا می‌کند، دامنه مجازات‌های اعدام و مجازات بدنی را گسترش می‌دهد و جرایم سانسور را وارد نظام جزایی می‌سازد. این اصولنامه همچنان متهم را نه به‌عنوان شخصی که پس از تحقیق و طی مراحل قانونی به‌طور رسمی مورد اتهام قرار گرفته باشد، بلکه هر فردی تعریف می‌کند که بر اساس شهادت یک شاهد عادل یا دو شاهد محرم نزد قاضی، در مورد جرایم مندرج در این اصولنامه، علیه او شهادت داده شده باشد.

این امر بازتاب‌دهنده یک تغییر آگاهانه و هدفمند هم در اجراءات جزایی و هم در فلسفه جزایی است که پیامدهای مستقیم و جدی برای اصل برابری، قانونیت و تضمین‌های محاکمه عادلانه را به‌همراه دارد.

علاوه بر این، این اصولنامه شکنجه را ترویج می‌کند و هیچ ماده‌ای برای حقوق اشخاص یا افرادی که متهم به ارتکاب جرم هستند، از جمله دسترسی به وکیل مدافع، مراحل دادرسی، حمایت از شهود، نقش قربانیان در تعقیب قضایی و سایر مسائل مرتبط با اصول محاکمات جزایی، پیش‌بینی نکرده است. همچنین این اصولنامه هیچ توضیحی در مورد تحقیقات، ادله و رویه‌های محاکم ارائه نمی‌دهد. این اصولنامه به‌قدری نامتوازن و نامتناسب است که جرم خشونت شدید علیه زنان، اگر زن بتواند شکستگی استخوان، آسیب یا کبودی نشان دهد، حداکثر به ۱۵ روز حبس محکوم می‌شود (ماده ۳۲)؛ در حالی که «چشم کردن» به یک سال حبس در خانه محکوم می‌گردد (ماده ۶۷) و «جنگ دادن بونده» پنج ماه زندان در پی دارد.

پیش از این، در آگست ۲۰۲۴ میلادی قانون امر به معروف و نهی از منکر توسط رهبر طالبان در پنج بخش، چهار فصل و ۳۵ ماده به تصویب رسید. بسیاری از حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی توسط این قانون محدود گردید و اجرای این قانون بر بسیاری ابعاد زندگی مردم افغانستان تاثیر گذاشته است. حقوق و آزادی‌های زنان بیشتر از مردان توسط این قانون محدود گردیده است. این قانون به عنوان ابزار عمده تحکیم سلطه طالبان، سرکوب، انحصار و کنترل مردم افغانستان وضع گردیده است.

پس از تسلط طالبان، ادارات عدلی و قضایی کاملاً متحول شد و تغییرات به وجود آمده توسط مقامات حاکم، یک عقب‌گرد جدی در راستای دسترسی به عدالت محسوب می‌شود. قضات دیوان عالی دولت پیشین خانه نشین شدند و در عوض آنها، ملاهای که اغلباً که تحصیلات مدرن حقوقی ندارند و اکثراً عضو گروه طالبان هستند، به این کرسی‌ها گماشته شدند. بنابراین، سیستم قضایی فعلی استقلالیت ندارد. سیستم قضایی فعلی بر اساس تفسیر سختگیرانه مقامات طالبان از شریعت اسلام (فقه حنفی) تنظیم شده و عمل می‌کند.

با تسلط طالبان در افغانستان، زنان از ادارات عدلی و قضایی کشور کاملاً حذف گردید. زنانی که در دوره جمهوریت به حیث قاضی، سارنوال، پولیس، وکیل مدافع ایفای وظیفه می‌کردند، خانه نشین شدند. همین‌طور اغلب کسانی که دارای تحصیلات مدرن حقوقی بودند و با تجربه بودند، وظایف شان را ترک کردند و برخی از آنها از ترس اینکه مورد انتقام جویی طالبان قرار نگیرند، به کشورهای دیگر پناهنده شدند و تعدادی از آنها در کشورهای همسایه بسر می‌برند و برخی دیگر در داخل کشور به طور پنهانی زندگی می‌کنند.

در عرصه دسترسی به عدالت، زنان بیشتر از مردان متضرر شدند. قانون اساسی و سایر قوانین از جمله قانون منع خشونت علیه زنان که در دوره جمهوریت به تصویب رسیده بود، توسط مقامات حاکم ملغاً اعلام شد. قانون منع خشونت علیه زنان که توسط رییس جمهور توشیح شده بود و ۲۲ نوع خشونت علیه زنان را جرم تلقی می‌کرد، سهم ارزنده‌ای در دسترسی زنان به عدالت ایفا می‌کرد.

رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان تحت اداره طالبان، جزء از صلاحیت‌های چهار اداره می‌باشد. پولیس، محاکم، ریاست‌های عدلیه و ادارات سارنوالی به قضایای خشونت علیه زنان رسیدگی می‌کنند. اما وظایف و مسوولیت‌های این ادارات،

نامشخص است. فقدان تعیین دقیق مسوولیت ها در میان این ادارات برای رسیدگی به شکایات و دست به دست شدن این قضایا در میان این ادارات از موثریت و پاسخگو بودن این ادارات کاسته است. در برخی موارد قضایای خشونت علیه زنان توسط اداره امر به معروف و نهی از منکر نیز رسیدگی می شود. برخی از قضایا به سایر مکانیزم های سنتی حل اختلافات مانند میانجیگری توسط بزرگان و موسفیدان محل ارجاع داده می شود. از آنجایی که سیستم عدلی و قضایی فعلی مبتنی بر قواعد شرعی است و زنان در این سیستم سهم نیستند، اکثرا عدالت به نفع شاکیان و قربانیان زن نیست.

تا اواخر سال 2023 میلادی، در 22 ولایت سارنوالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان فعال بود. در پنج ولایت هیچ سارنوال زن حضور نداشت. در ولایاتی که سارنوالان زن حضور داشتند، آنها در رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان نقش نداشتند⁷⁹. تا اواخر سال 2023 میلادی واحد های حل پرابلم های خانودگی در 21 ولایت وجود داشت. از مجموع ولایات، در 18 ولایت حداقل یک افسر پولیس زن در این واحدها توظیف گردیده بود. در هشت ولایت دیگر، افسران پولیس زن در این واحدها اجازه حضور در دفتر شان را نداشتند، مگر اینکه از سوی آمرین شان فراخوانده می شدند. در دو ولایت افسران پولیس در این واحدها نقش رسیدگی به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان را نداشتند و این وظیفه به همکاران مرد آنها سپرده شده بود⁸⁰. ممکن است که این وضعیت تا حالا (آخر سال 2025 میلادی) تغییر یافته باشد.

پس از تسلط طالبان، مراکز حمایو زنان معروف به خانه های امن (شلتر) نیز منحل گردیدند. قبل از تسلط طالبان، 23 مرکز حمایوی زنان در 22 ولایت تحت اداره موسسات غیر دولتی داخلی فعال بود. این مراکز حمایوی به منظور حفاظت از قربانیان خشونت های مبتنی بر جنسیت ایجاد شده بودند. اما با آمدن طالبان در قدرت، همه این مراکز مسدود شد و فعلا هیچ مرکز حمایوی یا پناهگاه امن برای زنان در سراسر کشور وجود ندارد⁸¹. آخرین خانه امن که متعلق به محبوبه سراج فعال شناخته شده حقوق زنان بود، در ماه دسامبر 2025 توسط مقامات حاکم مسدود گردید. خانم سراج به رسانه ها گفت که طالبان این خانه امن را که در آن 33 زن و کودک زندگی می کردند، با زور بستند⁸².

عدم دسترسی به عدالت چه برای مردان و چه برای زنان، پیامدهای زیانبار برای جامعه افغانستان دارد. در نبود یک سیستم عدلی و قضایی عادلانه، مردم سرخورده و نا امید شده و منجر به افزایش نارضایتی می شود. ثبات و امنیت وابسته به عدالت است. در صورتی که عدالت وجود نداشته باشد، ثبات و صلح پایدار نیز وجود نخواهد داشت. با نبود دسترسی به عدالت چرخه خشونت، انتقام گیری، جنگ و نا امنی ادامه خواهد یافت و افغانستان بیشتر از پیش به بحران نا امنی و جنگ مواجه خواهد شد.

زنان از تمام ادارات عدلی و قضایی کشور حذف شده اند و دیگر اجازه کار ندارند. ادارات عدلی و قضایی طالبان با قضایای مرتبط با زنان، برخورد کاملا تبعیض آمیز دارند. این در حالی است که مکانیزم های حمایتی مانند سارنوالی های اختصاصی زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سازمان های جامعه مدنی که بتواند از حقوق زنان حمایت کنند، دیگر وجود ندارند.

⁷⁹ یوناما، گزارش "انحرافات در اجراآت: رسیدگی به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران توسط مقامات اداره حاکم"، صفحه 19، دسامبر 2023، گزارش کامل در این لینک:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/the_handling_of_complaints_of_gbvawg_english_141223.pdf

⁸⁰ یوناما، گزارش "انحرافات در اجراآت: رسیدگی به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران توسط مقامات اداره حاکم"، صفحات 12 و 19، دسامبر 2023

⁸¹ یوناما، گزارش "انحرافات در اجراآت: رسیدگی به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران توسط مقامات اداره حاکم"، صفحه 17، دسامبر 2023

⁸² افغانستان انترنشنل، "طالبان خانه امن محبوبه سراج را به زور بست"، 19 قوس 1404 خورشیدی. جزییات بیشتر در این لینک: <https://www.afintl.com/202512108607>

عقب گرد فاحش در عرصه دسترسی به عدالت با صدور فرامین، قانون امر به معروف و نهی از منکر، اصولنامه جزایی محاکم، چشم انداز عدالت و حاکمیت قانون را تاریک ساخته است. محدود کردن دسترسی به عدالت و نقض جدی حقوق بشر به شمول آزادی بیان از طریق سانسور اطلاعات در رسانه ها، سرکوب، تهدید، بازداشت، شکنجه و قتل خبرنگاران که در حال حاضر توسط طالبان انجام می شود، پیامدهای ناگوار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهد داشت. از یک طرف، چنین اعمال از جمله جدی ترین قضایای نقض حقوق بشر محسوب می شود، از سوی دیگر چنین اعمال، مردم افغانستان را در شدیدترین انزوای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار داده است. اگر مقامات حاکم، به سیاست های ظالمانه و انحصارطلبانه و عقبگرایانه خود خاتمه ندهد، بحران فعلی افغانستان تشدید خواهد یافت.

فصل چهارم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

افغانستان عضو کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. افغانستان به حیث عضو این کنوانسیون بدون در نظر داشت اینکه چگونه و چه گروهی آن را اداره می کند، مکلف به رعایت تمامی مفاد این کنوانسیون می باشد. افغانستان مکلف است که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم افغانستان را با اتخاذ تدابیر قانونی و اداری و طرح و اجرای برنامه ها، رعایت نموده و برای تقویت این حقوق تلاش نماید.

حق دسترسی به آموزش، حق کار، حق دسترسی به خدمات صحتی و حق اجرای مناسبت های فرهنگی از عمده ترین حقوقی است که در کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تسجیل یافته است. در دوره جمهوریت بر مبنای قانون اساسی 2004 میلادی و سایر قوانین طرح ها و برنامه های زیادی برای رعایت و تقویت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اتخاذ و تطبیق گردید. افزایش دسترسی به حق آموزش و دسترسی به خدمات صحتی و افزایش فرصت های کار و بهبود وضعیت اقتصادی مردم، از مهمترین دستاوردهای دوره جمهوریت تلقی می شود.

پس از تسلط طالبان در افغانستان، وضعیت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تغییر کرد و بسیاری از دستاوردهای دوره جمهوریت در این عرصه از بین رفت. اکنون دسترسی به حق آموزش به ویژه برای دختران و زنان به شدت کاهش یافته است. دسترسی به خدمات صحتی نیز کاهش یافته و وضعیت اقتصادی مردم افغانستان به دلیل افزایش بیکاری و فقر خراب شده است.

بر اساس تخمین برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد، در حال حاضر 9.5 میلیون نفر در افغانستان با ناامنی غذایی مواجه هستند و حدود 4.6 میلیون از مادران و کودکان افغانستان دچار سوء تغذیه هستند⁸³. انزوای بین المللی افغانستان به دلیل سیاست های طالبان، باعث شده است که کمک های بین المللی به شدت کاهش یابد. از جانب دیگر، اخراج دسته جمعی مهاجران و پناهندگان افغان از کشورهای ایران و پاکستان به مشکل بیکاری و فقر افزوده است. خشکسالی های اخیر، وقوع حوادث طبیعی مانند سیلاب و زلزله هزاران نفر را به کام مرگ فرورنده و هزاران تن دیگر از بازماندگان قربانیان را به شدت آسیب پذیر نموده است.

گروه طالبان در طول چهار سال گذشته در چندین ولایت زمین ها و خانه های افراد را غیر عادلانه و به طور اجبار غصب نموده و هزاران خانواده را که مالکان اصلی و بومی این ملکیت ها بوده اند، مجبور به کوچ اجباری کرده اند. ملکیت های این قربانیان به افراد متعلق به گروه خود شان سپرده اند. همه این قضایای غصب ملکیت و کوچ اجباری با زور اسلحه و تهدید صورت گرفته و در برخی موارد پس از طرح دعوای حقوقی از سوی افراد و قبایل مرتبط به طالبان علیه مالکان اصلی و با فیصله غیر عادلانه مسوولان طالب به نفع شاکی صورت گرفته است. کوچ اجباری و غصب جایداها و املاک مردم به شکل

⁸³ برنامه جهانی غذا، افغانستان، معلومات بیشتر در این لینک: <https://www.wfp.org/countries/afghanistan>

جمعی و یا به طور انفرادی در ولایات پنجشیر، تخار، سرپل، لوگر، هلمند، بدخشان، بغلان، خوست غزنی، بامیان، میدان وردک، دایکندی، بلخ، جوزجان و ارزگان گزارش شده است و این یک روند در حال اجرا و تطبیق است.

در طول سال 2025 میلادی، غصب ملکیت های مردم توسط مقامات طالبان ادامه یافت. طبق اطلاعات مرکز حقوق بشر افغانستان و گزارش رسانه های مستقل، وزارت عدلیه طالبان در ماه اکتوبر 2025 میلادی اعلان کرد که حداقل 843 جریب زمین در شهرک نوآباد ولایت غزنی را متعلق به دولت خوانده و آن را مصادره کرده است. این شهرک که در ناحیه ششم شهر غزنی واقع است، قبلاً توسط اشخاص خریداری شده و صاحبان این ملکیت ها در برابر آن پول پرداخت کرده اند.

به تاریخ 28 جولای 2025 میلادی طالبان و کوچی ها بر روستای رشک واقع در ولسوالی پنجاب ولایت بامیان هجوم بردند و مالکان اصلی را از خانه های شان به زور بیرون راندند و دروازه های 25 خانه را بستند و تهدید کردند که هیچ کسی حق ورود به این خانه ها را ندارد.

در سپتامبر امسال نیز تعدادی از باشندگان ولسوالی شولگره ولایت بلخ به رسانه های مستقل شکایت کردند که طالبان زمین های زراعتی اشخاص در روستای "قدیم"، در نخست تحت زمین های دولتی مصادره نموده و بعداً این زمین ها را به افراد متعلق به گروه خود شان برای ساخت خانه توزیع کردند، در حالی که مالکان اصلی اسناد عرفی در اختیار دارند.

کوچ اجباری و غصب ملکیت های مردم توسط طالبان و افراد مرتبط به آنها، به شدت نگران کننده بوده و از موارد جدی نقض حقوق بشر محسوب می شود. با برگشت طالبان به قدرت، افراد و اقشار مرتبط به طالبان به زمین و جائیدادهای مردم ادعای مالکیت می کنند و طالبان بدون در نظر داشت عدالت و رسیدگی منصفانه به طور بی دریغ از اشخاص مرتبط به خود حمایت نموده و فیصله های نا عادلانه غرض مصادره ملکیت های مردم و دادن کوچ اجباری صادر می کند.

به تاریخ 15 سپتامبر 2025 میلادی، به دستور رهبر طالبان اینترنت فیبر نوری در افغانستان قطع گردید. به گفته مقامات طالبان اینترنت به خاطر "جلوگیری از فساد اخلاقی" قطع گردید. نخست در ولایت بلخ اینترنت فیبر نوری قطع گردید. سپس در روزهای بعدی اینترنت فیبر نوری در سایر ولایات ها به تدریج قطع گردید. همزمان دسترسی به صفحات اجتماعی مانند فیسبوک، انستاگرام و اسنپ چت نیز محدود گردید.

به تاریخ 29 سپتامبر رسانه ها گزارش دادند که پس از چند هفته قطع ارتباط اینترنتی، ارتباطات مخابراتی نیز در سراسر کشور قطع گردید. گروه نت بلاکس، نوشت که افغانستان با قطعی کامل ارتباطات مواجه گردید⁸⁴. قطع اینترنت فعالیت بانک ها، موسسات عمومی و برخی ادارات دولتی مختل گردید و پروازها از میدان های هوایی نیز به حالت تعلیق درآمد. این اقدام مقامات حاکم انتقادات و نگرانی های زیادی را در سطح ملی و بین المللی برانگیخت. تاجران و کسبه کاران ابراز نگرانی کردند که اگر ممنوعیت اینترنت ادامه یابد، کسب و کارهای آنها به طور جدی آسیب خواهند دید. بالاخره، شبکه های مخابراتی پس از 48 ساعت و اینترنت نیز پس از چهار هفته به تاریخ اول اکتوبر دوباره فعال گردید.

بیکاری در افغانستان پس از تسلط طالبان در آگست 2021 میلادی افزایش یافته است. بر اساس ارزیابی سازمان بین المللی کارگر (International Labour Organization) پس از تغییر نظام در آگست 2021 در افغانستان، شمار از دست رفتن شغل ها در سه ماه سوم به بیش از نیم میلیون رسید و ممکن است تا اواسط سال 2022 به حدود 900 هزار شغل از دست

⁸⁴ نت بلاکس، جزئیات بیشتر در این لینک: <https://mastodon.social/@netblocks/115288230006300457>

برود که این رقم 14 درصد کاهش در اشتغال خواهد بود. این کاهش به دلیل بیکار شدن کارگران از بازار کار به دلیل تغییر نظام و بحران اقتصادی و هم چنان محدودیت ها بر مشارکت زنان در بازار کار صورت می گیرد⁸⁵.

آمار دقیق و به روز از سطح بیکاری در افغانستان معلوم نیست. اما در گزارش سال 2025 مربوط به گروه بانک جهانی آمده است که از هر چهار جوان یک نفر بیکار است⁸⁶. باید گفت که به احتمال زیاد آمار بیکاری بسیار بیشتر است. تغییر اداره، عدم توسعه بخش خصوصی، فرار سرمایه از کشور و نبود سرمایه گذاری خارجی به دلیل عدم اطمینان از ثبات، برگشت چند میلیون مهاجر افغان از کشورهای همسایه که بازار کار را تحت فشار قرار داده است، از عمده ترین دلایل افزایش بیکاری محسوب می شود.

هرچند تورم در افغانستان در مقایسه با کشورهای منطقه، بالا نیست، ولی کاهش سطح درآمد مردم به دلیل بیکاری و بحران اقتصادی باعث شده است که اکثریت مردم توان خرید مواد غذایی کافی را نداشته باشند. علاوه بر آن، در طول چهار سال گذشته به ویژه در سال 2025 میلادی برگشت گسترده مهاجران افغان از کشورهای ایران و پاکستان سبب افزایش کرایه خانه در شهرهای کلان افغانستان شده است. بر اساس ارزیابی های مرکز حقوق بشر افغانستان کرایه خانه در شهرهای کلان خصوصا در شهر هرات و کابل یک و نیم برابر و در برخی ساحات این شهرها حتی دو برابر افزایش یافته است.

آمنه (اسم مستعار) زن میان سال از ولایت تخار در مصاحبه با مرکز حقوق بشر افغانستان چنین گفت:

"من در دولت کار می کردم ولی با آمدن طالبان از وظیفه ام برکنار شدم و گفتند که دیگر به سر کار نروم. از لحاظ مالی و روانی بر زندگی من و خانواده ام بسیار تاثیرات بد گذاشته است. شوهرم نیز کارمند یکی از ادارات دولتی بود. او هم از کار برکنار گردید. فعلا شوهرم یک موتر کرایه تاکسی رانی می کند و به مشکل می تواند مصارف زندگی ما را تامین کند."

خشکسالی های پی در پی، زراعت در افغانستان را که اکثریت مردم به آن اشتغال دارند، آسیب پذیر ساخته است. سیلاب و حوادث طبیعی دیگر مانند زلزله نیز بر اقتصاد مردم تاثیرات بدی داشته است. همه این موارد باعث شده است که میزان فقر و گرسنگی در سالهای اخیر افزایش یابد. به همین لحاظ، افغانستان شدیداً به کمک های بشردوستانه وابسته است.

دسترسی به حق آموزش:

دسترسی برابر و بدون تبعیض تمام دختران و پسران به آموزش با کیفیت از نخستین معیارهای حق آموزش محسوب می شود. بر اساس کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون بین المللی حقوق کودک و اعلامیه جهانی حقوق بشر تمام افراد حق دارند بدون در نظر داشت تعلق جنسیتی، قومی، مذهبی، زبانی و غیره به امکانات و فرصت های برابر آموزشی دسترسی داشته باشند. هدف آموزش باید شکوفایی همه جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی های اساسی باشد⁸⁷.

بعدا از تسلط طالبان در سال 2021 میلادی، کمیت و کیفیت آموزش در افغانستان به شدت کاهش یافته است. کاهش کمک های بین المللی، نبود یک حکومت پاسخگو، بی توجهی طالبان به آموزش مدرن سبب کاهش کمیت و کیفیت آموزش گردیده است. بر اساس گزارش مشترک یونسکو و یونیسف نزدیک به نیمی از مکاتب از آب آشامیدنی صحی، تشناب و سیستم

⁸⁵ سازمان بین المللی کار، "برآوردهای سازمان بین المللی کار بر بحران اشتغال در افغانستان تاکید دارد"، جزئیات بیشتر در این لینک:

<https://www.ilo.org/resource/news/ilo-estimates-underscore-afghanistan-employment-crisis>

⁸⁶ گروه بانک جهانی، "اقتصاد افغانستان با وجود چالش های مداوم در حال رشد است"، جزئیات بیشتر در این لینک:

<https://www.worldbank.org/en/news/press-release/2025/12/10/afghan-economy-expands-amid-persistent-challenges#:~:text=Nearly%20one%20in%20four%20young,and%20achieving%20resilient%2C%20inclusive%20growth.>

⁸⁷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده 26

گرمایشی بی بهره اند و بیش از 1000 مکتب به دلیل خسارات ناشی از جنگ های گذشته و یا بلایای طبیعی مسدود مانده اند.⁸⁸

محدودیت های ایجاد شده برای آموزش دختران و زنان، ابهام در مورد تغییرات نصاب تعلیمی، نبود سرمایه گذاری و زیر ساخت های کافی، نظارت ضعیف از سیستم آموزشی، نبود مواد درسی کافی، کمبود شدید معلمان به ویژه معلمان زن، بحران های بشری پی در پی مانند زلزله، سیلاب و خشکسالی وضعیت آموزشی را تحت فشارهای فزاینده قرار داده و آینده یک نسل را به مخاطره می اندازد. علاوه بر آنها، اخراج 2.7 میلیون افغان از کشورهای همسایه از سال 2023 به این طرف که 60 درصد آنها را کودکان و نوجوانان تشکیل می دهند، وضعیت سیستم آموزشی را با بحران جدی مواجه کرده و توسعه افغانستان را شدیداً تهدید می کند.⁸⁹

سیاست های طالبان در قبال خدمات آموزشی به وضوح نشان می دهد که آنها اهداف آموزشی را مطابق ایدئولوژی افراطی و خشونت گرایی خود تنظیم می کنند. طالبان می کوشند که نظام آموزشی و از جمله نصاب تعلیمی را به گونه ای تغییر دهند که به اهداف سیاسی و ایدئولوژیک خود دست پیدا کنند. بر اساس معلومات مرکز حقوق بشر افغانستان، وزارت معارف تحت اداره طالبان طی چهار سال گذشته به جای مصرف بودجه برای توسعه و بهبود کیفیت خدمات آموزشی در مکتب، قسمت اعظم بودجه این وزارت را برای گسترش مدارس دینی و جهادی به مصرف رسانده است. وزارت معارف گزارش داده است که تنها در سال 2023 میلادی 21257 مدرسه دینی یا به گفته آنها مراکز تعلیمات اسلامی در سراسر کشور ایجاد کردند؛ در حالی در این سال صرفاً 316 مکتب (210 مکتب خصوصی و 106 مکتب دولتی) در سراسر کشور جدیداً تاسیس شده است.⁹⁰

طالبان نصاب تعلیمی مکاتب را نیز مطابق ایدئولوژی خود شان تغییر داده است. بر اساس معلومات مرکز حقوق بشر افغانستان، چندین مضمون اساسی و مهم که مفاهیم نظیر حقوق بشر، صلح و دموکراسی و تعلیمات مدنی را در بر داشت، توسط مقامات طالبان از نصاب تعلیمی حذف شده است. آنها مضامین اجتماعیات، تعلیمات مدنی، مهارت ها، حرفه، هنر و وطن دوستی را از نصاب تعلیمی دوره ابتدایی و متوسطه حذف کرده و حتی در برخی از مکاتب اجازه تدریس مضمون ساینس را نمی دهند.⁹¹

وزارت تحصیلات عالی طالبان در ماه اکتوبر 2025 میلادی 679 عنوان کتاب علمی و مواد آموزشی را در دانشگاه های دولتی و خصوصی افغانستان ممنوع اعلام کرد. بر اساس مکتوب صادر شده توسط این وزارت، تدریس این کتاب ها در دانشگاه ها پس از بررسی یک کمیته مسلکی متشکل از علمای دین و استادان رشته های شرعیات و ثقافت اسلامی ممنوع شده است. فهرست کتاب ها به دانشگاه های دولتی و خصوصی فرستاده شده و از آنها خواسته اند که بدیل این کتاب های ممنوعه را تدریس کنند. کتاب های که توسط زنان نوشته شده، نیز ممنوع گردید. طبق گزارش رسانه های آزاد، مبادی حقوق، مبانی اقتصاد سازمانی، توسعه پایدار، جامعه شناسی سازمان ها، جامعه شناسی هنر و جامعه شناسی سیاسی، انسان شناسی، اندیشه های سیاسی در قرن بیستم و صدها کتاب دیگر از جمله کتاب های ممنوعه اعلام شده اند.

⁸⁸ یونیسف، "نظام آموزشی افغانستان با بحران فزاینده برای دختران و پسران مواجه است"، هشدار یونیسف و یونسکو، 8 اکتوبر 2025، قابل دسترس در این لینک: <https://www.unicef.org/afghanistan/press-releases/afghanistans-education-system-facing-deepening-crisis-both-girls-and-boys-warn>

⁸⁹ همان
⁹⁰ مرکز حقوق بشر افغانستان، گزارش دسترسی زنان به حق آموزش با کیفیت در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، صفحه 21، جنوری 2025 میلادی

⁹¹ مرکز حقوق بشر افغانستان، گزارش دسترسی زنان به حق آموزش با کیفیت در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، صفحه 17، جنوری 2025 میلادی

به تاریخ 14 جنوری 2025، طالبان دو مرکز آموزش زبان انگلیسی را در ولسوالی های خدیر و سنگ تخت و بندر ولایت دایکندی را بسته و شماری از استادان آنها را بازداشت کردند. به گزارش رسانه های مستقل، مدیر و شش استاد به شمول چهار استاد زن مرکز آموزش زبان انگلیسی "افق جدید" واقع در ولسوالی خدیر توسط استخبارات طالبان بازداشت شدند. استادان زن با ضمانت آزاد شدند. طالبان وسایل دفتر و کامپیوترهای این مرکز آموزش زبان انگلیسی را با خود بردند. هم زمان در ولسوالی سنگ تخت و بندر نیز سه استاد مرکز آموزش زبان انگلیسی "افق جدید" را بازداشت و دفتر آن را بستند. مسوول این مراکز آموزشی قبلا دربارہ جذب دختران بالاتر از صنف ششم از سوی طالبان هشدار دریافت کرده بودند و پس از این هشدار، تنها دختران خرد سال در این مرکز آموزش می دیدند. اما طالبان دلیل بازداشت استادان و مسدود کردن این مراکز را تدریس زبان انگلیسی و ترویج فرهنگ کفری و عدم توجه به قوانین امارت خوانده اند⁹².

د هغو مضامينو لیست چې حذف شوي دي

شمبره	مضامين	ملاحظات
۱	حقوق اساسی افغانستان	
۲	جنبش ها و جریان های سیاسی اسلامی	
۳	حکومت داری خوب	
۴	نظام های انتخاباتی	
۵	نظام سیاسی افغانستان	
۶	جامعه شناسی سیاسی افغانستان	
۷	جندر و توسعه	
۸	حقوق بشر و دموکراسی	
۹	تحلیل قانون اساسی افغانستان	
۱۰	جهانی شدن و توسعه	
۱۱	تاریخ ادیان	
۱۲	جامعه شناسی زنان	
۱۳	فلسفه اخلاق	
۱۴	آزار و اذیت جنسی	
۱۵	تنوع استخدام برابر جندر	
۱۶	رهبری گروه های کوچک	
۱۷	ارتباطات جندر	
۱۸	نقش زنان در ارتباطات عامه	



فهرست مضامين حذف شده

به تاریخ 27 فبروری 9 تن از معلمان مرکز آموزش زبان انگلیسی "افق جدید" دوباره از سوی طالبان بازداشت شدند. به گزارش رسانه های آزاد، این معلمان به محکمه ابتدایی مرکز ولسوالی احضار شده بودند و پس از آن توسط فرماندهی امنیه طالبان بازداشت شدند. قبلا که این معلمان بازداشت شده بودند، پس از چند روز با تلاش بزرگان قومی و خانواده های شان با سپردن ضمانت آزاد شده بودند⁹³.

به تاریخ 26 جنوری 2025 میلادی، طالبان چندین مرکز آموزش زبان انگلیسی "افق جدید" در مرکز ولایت بامیان را مسدود کردند. با یورش جنگجویان طالبان به این مراکز، معلمان از ترس بازداشت شدن، فرار کردند⁹⁴. قبل از آن، مراکز آموزش زبان انگلیسی در غور و 16 مرکز آموزشی در ولایت پکتیا را بسته کردند.

طالبان علاوه بر ممنوعیت آموزش دختران، بر نصاب تعلیمی و کتاب های درسی دانشگاه های دولتی و خصوصی نیز محدودیت وضع کردند. دو دستورالعمل به تاریخ 25 و 26 آگست 2025

⁹² روزنامه اطلاعات روز، "طالبان در دایکندی دو مرکز آموزشی را تعطیل و استادان آن را بازداشت کردند"، 13 جنوری 2025، قابل دریافت در این لینک: <https://www.etilaatroz.com/219766/%d8%b7%d8%a7%d9%84%d8%a8%d8%a7%d9%86-%d8%af%d8%b1-%d8%af%d8%a7%db%8c%da%a9%d9%86%d8%af%db%8c-%d8%af%d9%88-%d9%85%d8%b1%da%a9%d8%b2-%d8%a2%d9%85%d9%88%d8%b2%d8%b4%db%8c-%d8%b1%d8%a7-%d8%aa%d8%b9%d8%b7/>

⁹³ روزنامه هشت صبح، "ادامه سیاست های ضد آموزش؛ طالبان نه آموزگار یک مرکز آموزشی را در دایکندی بازداشت کردند"، 28 فبروری 2025 میلادی، جزییات بیشتر در این لینک: <https://8am.media/fa/anti-education-policies-continue-taliban-arrest-nine-teachers-from-an-educational-center-in-daikundi/>

⁹⁴ روزنامه هشت صبح، "طالبان دروازه دهها صنف آموزشی را در بامیان بستند"، 27 جنوری 2025، جزییات بیشتر در این لینک: <https://8am.media/fa/the-taliban-closed-the-gates-of-dozens-of-educational-institutions-in-bamyan/>

میلاادی توسط وزارت تحصیلات عالی طالبان نشر گردید که بر اساس این دساتیر، 18 مضمون درسی در دانشگاه ها، تدریس کتاب های نویسندگان ایرانی و چاپ ایران و همین کتاب های که نویسندگان آن زن هستند، ممنوع اعلام گردید. لیست مضامین حذف شده نشان می دهد که طالبان مضامین با محتوای مربوط به زنان، حقوق بشر و دموکراسی را حذف کرده اند. این مضامین حذف شده شامل جندر و توسعه، جامعه شناسی زنان، آزار و اذیت جنسی، حقوق بشر و دموکراسی، حقوق اساسی افغانستان و چندین مضمون دیگر می باشد.

به دنبال آن، به تاریخ 16 سپتامبر، وزارت معارف طالبان دستوری را صادر کرد که بر اساس آن 51 درس درباره آزادی، حقوق زنان، حقوق بشر، مادر، پرچم ملی، صلح و موضوعات مشابه آن را از کتاب های درسی مکاتب حذف کرد. در این دستور آمده است که حذف این درسها از سوی مقام ریاست الوزرای طالبان تایید شده و روسای معارف تمام ولایات موظف اند که این درسها را از نصاب تعلیمی مکاتب حذف کنند. این اقدام پس از انجام بررسی درس های صنوف اول تا دوازدهم مکتب اتخاذ گردید. وزارت معارف طالبان گفته است که این موضوعات در تضاد با احکام دین اسلام و سیاست های طالبان قرار دارند.⁹⁵

دسترسی به خدمات صبحی:

بر اساس کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی، هرکس حق دارد از بهترین وضعیت سلامت جسمی و روحی برخوردار باشد. کشورهای عضو این کنوانسیون مکلف اند که برای احقاق حق صحت، تدابیر لازم را اتخاذ نموده و اطمینان حاصل کنند که میزان مرده متولد شدن کودک و مرگ و میر مادران و کودکان کاهش یابد و بهداشت محیط زیست بهبود یابد و بیماری های همه گیر را پیشگیری و معالجه نماید. هم چنان کشورهای عضو مسوولیت دارند که شرایط مناسب برای دسترسی به خدمات صبحی برای عموم را فراهم نمایند.⁹⁶

در سالهای اخیر دوره جمهوریت، دسترسی مردم افغانستان به خدمات صبحی افزایش یافته بود. براساس ادعای وزیر صحت جمهوری اسلامی افغانستان در سال 2020 میلادی، حدود 90 درصد مردم افغانستان به خدمات صبحی اولیه دسترسی داشتند. بنا بر گفته ایشان، در سراسر افغانستان 3500 مرکز صبحی فعال بود و در 90 درصد مراکز صبحی حداقل یک قابله ایفای وظیفه می کرد.⁹⁷ باید گفت که نظارت های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان میزان دسترسی به خدمات صبحی را کمتر از آنچه وزارت صحت ارائه می کرد، نشان می داد.

پس از سقوط دولت سابق در آگست 2021 میلادی، نظام صبحی افغانستان دچار تحولات فراوان شد. طالبان برای کار زنان به شمول کار در سکتور صبحی محدودیت وضع نمود. علاوه بر آن، انزوای بین المللی افغانستان سبب کاهش کمک های بین المللی از جمله در سکتور صبحی گردید. هم چنان به دلیل فضای ترس، تعداد زیادی از داکتران و کارکنان بخش صحت، از افغانستان خارج شده و به کشورهای دیگر پناهنده شدند. همه این عوامل سبب گردید که سکتور صحت با کمبود پرسنل صبحی، بودجه مواجه شود. زنان بیشتر از همه از این تحولات متاثر گردیده و محدودیت های وضع شده علیه زنان، دسترسی آنها را به خدمات صبحی کاهش داده است.

"ادوین سنیزا سالوادور" (Edvin Ceniza Salvador)، نماینده سازمان جهانی صحت در ماه مارچ 2025 میلادی اعلان کرد که 167 مرکز صبحی به دلیل کمبود حمایت مالی مسدود شد که در اثر آن 1.6 میلیون نفر در 25 ولایت از خدمات نجات بخش صبحی محروم شدند. پس از آن، دولت ایالات متحده با متوقف کردن فعالیت های آژانس توسعه بین المللی ایالات

⁹⁵ افغانستان انترنشنل، "طالبان 51 درس درباره آزادی، زن و حقوق بشر را از کتاب های درسی مکاتب حذف کرد"، 16 اکتوبر 2025 میلادی، جزئیات بیشتر در این لینک: <https://www.afintl.com/202509261280>

⁹⁶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده 13، مصوب 16 دسامبر 1966 میلادی

⁹⁷ دویچه وله، "وزارت صحت افغانستان: 90 درصد مردم به خدمات صبحی دسترسی دارند"، 1 دلو 1398

متحده آمریکا (USAID)، کمک های بین المللی خود را در سطح جهانی کاهش داد که در نتیجه سکتور صحت افغانستان نیز از آن متاثر گردید. نماینده سازمان جهانی صحت در افغانستان به رسانه ها ابراز نگرانی نمود و اظهار داشت که از هر ده نفر در افغانستان یک نفر ممکن است تا پایان سال جاری دسترسی به مراقبت های صحتی را به دلیل قطع کمک های ایالات متحده آمریکا از دست بدهند. وی گفت که از ماه جنوری 2025 میلادی به این سو تقریباً سه میلیون نفر از جمعیت افغانستان به مراقبت های صحتی دسترسی ندارند و تا پایان 2025 میلادی دو تا سه میلیون نفر دیگر ممکن است دسترسی به مراقبت های صحتی را از دست بدهند. وی به رسانه ها گفت که 364 مرکز صحتی بسته شده و 220 مرکز صحتی دیگر به دلیل کاهش کمک های بین المللی در معرض بسته شدن قرار دارند⁹⁸.

زنان افغانستان بیشتر از مردان در زمینه دسترسی به خدمات صحتی با مشکلات رو به رو هستند. طالبان بر آزادی گشت و گذار زنان محدودیت وضع کرده و اجازه نمی دهند زنان بدون همراهی یک مرد خانواده (محرم) سفر کنند. گزارش های متعددی وجود دارد که طالبان به زنان اجازه نمی دهند که در نزد داکتران مرد مراجعه کنند؛ در حالی داکتران زنان در برخی ولایات نمی توانند بدون محرم سرکار بروند.

زهرا باشنده شهر هرات در مصاحبه با مرکز حقوق بشر افغانستان در پاسخ این سوال که آیا به خدمات صحتی دسترسی دارید، چنین گفت:

"برای دسترسی به خدمات صحتی خصوصاً در شفاخانه های دولتی محدودیت وضع کرده اند. زنان باید حجاب داشته باشند و حتماً یک مرد به عنوان محرم با خود داشته باشند. کمبود داکتران زن، محدودیت در رفت و آمد، هزینه زیاد تداوی، بی کیفیت بودن دوا، کمبود امکانات صحتی از مهمترین موانع برای ما زنان در هرات است."

کمبود داکتران و کارکنان زن در سکتور صحتی یکی از مشکلات در دوره جمهوری تلیقی می شد؛ اما با محدودیت های که طالبان وضع کرده، تعداد داکتران زن و کارکنان زن در سکتور صحتی نسبت به دوره جمهوری به شدت کاهش یافته و این امر دسترسی زنان به مراقبت های صحتی را با چالش های جدی مواجه نموده است. از جانب دیگر، سنت های حاکم در افغانستان، به آسانی اجازه نمی دهد که زنان آزادانه به مراکز صحتی مراجعه کنند.

حقوق فرهنگی:

بر اساس ماده 15 کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده 27 اعلامیه جهانی حقوق بشر هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع سهیم و شریک گردد و از هنرها و به ویژه از پیشرفت های علمی و فواید آن بهره مند شوند. افغانستان به حیث عضو کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسوولیت دارد تا از حقوق فرهنگی حمایت و حراست نماید و برای اعتلای فرهنگ و هنر در کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید.

در سال 2025 میلادی، مقامات طالبان بسیاری از ممانعت ها و محدودیت هایی را که بر فعالیت های فرهنگی و هنری وضع کرده بودند، ادامه دادند. جشن نوروز که یکی از بزرگترین و تاریخی ترین جشن افغانستان و کشورهای منطقه تلیقی می شود، مانند سالهای قبل با ممانعت طالبان با سکوت و در خلوت خانه ها برگزار شد. طالبان دروازه های مکان های فرهنگی و مذهبی از جمله زیارت روضه در شهر مزارشرف و ولایت بلخ و زیارت سخی در شهر کابل را به روی مردم بستند و مانع بر افراشتن علم نوروزی در این مکان ها شدند. در بند 21 ماده 22 قانون امر به معروف و نهی از منکر که توسط رهبر طالبان

⁹⁸ خبرگزاری فرانسه، "سازمان جهانی صحت: بیش از 10 درصد افغانها ممکن است تا پایان سال دسترسی به خدمات صحتی را از دست بدهند"، 15 آپریل 2025، قابل دسترس در این لینک: <https://www.france24.com/en/live-news/20250415-more-than-10-of-afghans-could-lose-healthcare-by-year-end-who>

به تصویب رسید، تجلیل از جشن نوروز، شب یلدا و سایر جشن های فرهنگی خلاف شریعت اسلام توصیف شده و ممنوع گردیده است.

با تسلط طالبان، آوازخوانی، نواختن آلات موسیقی و شنیدن موسیقی مانند دوره اول طالبان، ممنوع گردید. در دوره اول حاکمیت طالبان، افغانستان به "کشور بدون صدا و تصویر" معروف شده بود. با تصویب قانون امر به معروف و نهی از منکر در آگست 2024 میلادی، اجرای این ممنوعیت ها توسط محتسبان امر به معروف و نهی از منکر در سال 2025 ادامه یافت. به خاطر این محدودیت ها اکثریت آواز خوانها و هنرمندان موسیقی کشور را ترک کرده اند. تعداد اندکی که هنوز در افغانستان باقی مانده اند، از ترس اینکه مورد پیگرد قرار نگیرند، وظایف شان را ترک کرده اند و به وظایف دیگر رو آورده اند.

به تاریخ 20 دسامبر 2025 میلادی، شهرداری کابل، سینما آریانا را که سینمای مشهور و تاریخی بود، تخریب کرد که با واکنش های زیادی فعالان فرهنگی مواجه گردید. سخنگوی شهر داری کابل تخریب این مرکز فرهنگی را تایید کرد و گفت که به جای آن یک مرکز خرید به منظور افزایش عواید شهرداری ساخته می شود⁹⁹. سینما آریانا در دهه 1960 ساخته شده بود ولی در جریان جنگ ها ویران شد. اما در سال 2004 میلادی بازسازی و بازگشایی گردید. مقامات حاکم، در سال 2022 میلادی سینمای بهزاد را نیز تخریب نمود. پس از آگست 2021 میلادی، همه سینماها در افغانستان از فعالیت بازمانده و مسدود گردیده است.

طالبان بر اساس تفسیر سختگیرانه ای که از شریعت دارند، موسیقی را از جمله اعمال فسق و فجور می دانند. مقامات حاکم در ولایات مختلف آلات موسیقی را جمع آوری و به آتش کشیده اند و در برخی موارد افرادی را که آلات موسیقی را می نواختند، بازداشت کرده اند. اداره امر به معروف و نهی از منکر در سال 2025 میلادی، در چندین ولایت از جمله در میدان وردک و ننگرهار آلات موسیقی را به آتش کشیدند. به تاریخ 28 دسامبر 2025 میلادی، اداره امر به معروف و نهی از منکر 86 آله موسیقی را در شهر جلال آباد ولایت ننگرهار آتش زدند. این اداره با نشر یک اعلامیه نوشت که این اقدام به خاطر اصلاح جامعه، جلوگیری از اعمال ناپسند و تطبیق اصول شرعی انجام شده است¹⁰⁰. در ماه سپتامبر نیز 96 آله موسیقی در این ولایت به آتش کشیده شد.

مقامات حاکم علیه زبان های فارسی و ازبکی تبعیض قایل می شوند. در اواخر ماه دسامبر 2025 میلادی طالبان زبان های ازبکی و واژه فارسی "دانشگاه" را از لوحه دانشگاه سمنگان حذف کردند. این اقدام طالبان با انتقادات زیادی گویندگان زبان ازبکی و فارسی مواجه شد. در جریان چهار سال گذشته، طالبان به طور گسترده و سازمان یافته واژه ها و اصطلاحات فارسی در نهادهای تحصیلی و حتی خیابان ها را حذف کرده اند. در این اواخر تصاویری در شبکه های اجتماعی منتشر شده که نشان می دهد طالبان برخی تابلوهای شهری در کابل را برداشته و واژه های فارسی با واژه های پشتو جایگزین کرده اند. حتی نام های خاص را به پشتو ترجمه کرده اند. در یکی از این تغییرات دیده می شود که نام خاص "شهر نو کابل" به "نوی شار" و "باغ داود" به "داود بن" تغییر یافته است. این اقدامات تبعیض آمیز طالبان علیه فرهنگ و ادبیات اکثریت مردم افغانستان خلاف ارزشهای حقوق بشری است. اگر این سیاست حذف و تبعیض ادامه یابد، غنای فرهنگی و تنوع زبانی در افغانستان با خطرات جدی مواجه خواهد شد.

بی ثباتی سیاسی، نبود عدالت، محرومیت از آموزش، خدمات صحی، آزادی بیان و عقیده، فعالیت های فرهنگی، فقر، بیکاری، محدودیت های گسترده و سیستماتیک علیه زنان، ایجاد فضای ترس و سرکوب توسط طالبان، باعث شده است که بسیاری

⁹⁹ بی بی سی فارسی، "تخریب سینما آریانا در کابل؛ عتیق رحیمی: ویران کردن سینما، ساختن آینده نیست"، 20 دسامبر 2025، جزییات بیشتر

در این لینک: <https://www.bbc.com/dari/articles/c78vyl183n8o>

¹⁰⁰ روزنامه هشت صبح، "طالبان در ننگرهار آلات موسیقی را به آتش کشیدند"، 28 جنوری 2025، جزییات بیشتر در این لینک:

<https://8am.media/fa/taliban-set-musical-instruments-on-fire-in-nangarhar>

از مردم افغانستان در صدد مهاجرت به کشورهای غربی و کشورهای همسایه برآیند. باوجودی که کشورهای همسایه مانند ایران و پاکستان محدودیت زیادی را برای مهاجران و پناهندگان افغانستان وضع کرده و به طور دسته جمعی آنها را اخراج می کنند، بازهم تعداد زیادی هستند که دوباره دست به مهاجرت می زنند.

محرومیت های شدید از حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیامدهای زیانبار برای جامعه افغانستان داشته و افغانستان به بحران عمیق تری فرو می برد. اگر جلو این بحران ها گرفته نشود، دیر یا زود نا امنی و بی ثباتی افغانستان، اکثریت کشورهای همسایه و حتی کشورهای غربی را نیز متأثر می سازد.

فصل پنجم: شکنجه، رفتارهای غیر انسانی و تحقیر کننده

افغانستان عضو کنوانسیون بین المللی منع شکنجه است. بر اساس ماده دوم این کنوانسیون، دولت های عضو مکلف اند که اقدامات لازم و موثر قانونی، اجرایی، قضایی و دیگر امکانات را جهت ممانعت و جلوگیری از شکنجه در قلمرو خود به عمل آورند. هیچ وضعیت استثنایی کشوری مانند جنگ و یا تهدید به جنگ، بی ثباتی سیاسی داخلی و یا هر گونه وضعیت اضطراری دیگر، مجوز و توجیه کننده اعمال شکنجه نمی باشد¹⁰¹. هم چنین دستور و حکم مافوق و یا مرجع دولتی نیز نمی تواند توجیه کننده عمل شکنجه باشد.

شکنجه عبارت است از هر عمل عمدی که در اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار و اعتراف از او و یا شخص سوم اعمال می شود. هم چنین مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است و یا احتمال می رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار بر مبنای تبعیض از هر نوع هنگامی که وارد شدن این درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مأمور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می شود¹⁰².

بر اساس کنوانسیون بین المللی منع شکنجه، سایر رفتاری های غیر انسانی و تحقیر کننده، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اساسنامه ژنوا، ارتکاب شکنجه نقض جدی حقوق بشر است و ممکن است که از جمله جرایم جنگی و یا جنایت علیه بشریت محسوب شود. بر اساس کنوانسیون های بین المللی مرتکبان شکنجه باید مورد پیگرد عدلی قرار گرفته و مجازات شوند.

قانون اساسی سال 2004 میلادی و هم چنان قانون منع شکنجه که در ماه مارچ 2017 میلادی به تصویب رسید، شکنجه را ممنوع کرد. قانون منع شکنجه تدابیر اجرایی و قضایی لازم را برای ممانعت و جلوگیری از شکنجه مانند نظارت مستقل از محلات سلب آزادی، حق جبران خسارت، تعقیب عدلی عاملان شکنجه و حمایت از شاکی، شهود و تحقیق کنندگان را به رسمیت شناخته است.

مقامات اداره حاکم، علاوه بر لغو قانون اساسی، قانون منع شکنجه را نیز لغو اعلان کرده است. هر چند مقامات اداره حاکم در اظهارات خود در مورد لغو این قانون چیزی نگفته اند؛ اما وبسایت وزارت عدلیه تحت کنترل طالبان نشان می دهد که این قانون لغو شده است.

¹⁰¹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیر کننده، ماده اول، مصوب جون 1987 میلادی

¹⁰² همان، ماده دوم

مقامات اداره حاکم به شمول سخنگویان ادارات متعدد طالبان همواره از وجود شکنجه در محلات سلب آزادی تحت کنترل شان، انکار می کنند؛ اما شواهد زیادی وجود دارد در محلات سلب آزادی به ویژه در نظارت خانه های استخبارات و توقیف خانه های مربوط به پولیس افراد متهم و مظنون به طور گسترده مورد شکنجه قرار می گیرند.

از آنجایی که دسترسی به مراکز سلب آزادی تحت کنترل طالبان بسیار محدود است، مستندسازی قضایای شکنجه بسیار دشوار است. مرکز حقوق بشر افغانستان به مراکز سلب آزادی تحت کنترل دسترسی ندارد. به جز بخش حقوق بشر دفتر یوناما و صلیب سرخ بین المللی، هیچ نهاد دیگر به شمول رسانه ها نمی توانند از مراکز سلب آزادی تحت کنترل طالبان نظارت کنند. دفتر یوناما از اول جنوری تا آخر سپتامبر 2025 میلادی در مجموع 11 قضیه شکنجه در مراکز سلب آزادی ثبت نموده است.

بر اساس اطلاعات مرکز حقوق بشر افغانستان، پولیس طالبان، در هنگام بازداشت افراد اغلب آنها را لت و کوب، تحقیر و توهین می کنند. حتا افرادی را که هیچ نوع مقاومتی از خود نشان نمی دهند، مورد لت و کوب قرار می دهند. پولیس طالبان به وسیله مشت و لگد، زدن با کندانق و یا میل تفنگ، چوب و یا دنده برقی و کش کردن موی، افراد را در هنگام بازداشت مورد لت و کوب و آزار و اذیت قرار می دهند. لت و کوب در هنگام بازداشت تقریباً عمومیت دارد و موارد بسیار اندکی وجود دارد که افراد در هنگام بازداشت مورد لت و کوب قرار نگیرد.

بر اساس گزارش ها، طالبان از شیوه های متعدد برای شکنجه مظنونان و متهمان استفاده می کنند. یکی از رسانه های مستقل در تابستان 2025 میلادی گزارشی را به نشر رساند که بیانگر 31 نوع شکنجه در توقیف خانه ها و نظارت خانه های طالبان است.¹⁰³ هرچند مرکز حقوق بشر افغانستان به طور مستقل جزئیات این گزارش را نمی تواند تایید کند؛ اما اکثریت انواع شکنجه ای که در آن گزارش ذکر شده است، با یافته های مرکز حقوق بشر افغانستان همخوانی دارد.

بر اساس ارزیابی های مرکز حقوق بشر افغانستان، اکثریت کسانی که در نظارت خانه ها و توقیف خانه های طالبان شکنجه می شوند، اعضای پیشین نیروهای امنیتی و دفاعی، روزنامه نگاران و فعالان حقوق بشر به شمول فعالان حقوق زنان و افراد متهم به عضویت و یا همکاری با گروه های مسلح مخالف طالبان مانند "جبهه مقاومت ملی" و "جبهه آزادی" هستند.

"عبدالودود پیشغور"، عضو جبهه مقاومت ملی بیش از دو سال قبل در مسیر راه پنجشیر الی کابل توسط طالبان بازداشت شد. وی در زندان "دشتک" ولسوالی عنابه ولایت پنجشیر نگهداری می شد. به تاریخ 14 جنوری جسد عبدالودود را به خانواده اش تسلیم دادند. آثار شکنجه شدید در بدن وی مشاهده می شد و به نظر می رسید که وی در اثر شکنجه جان باخته است. عبدالودود پیشغور از نزدیکان نورآغا پیشغور، از فرماندهان کشته شده جبهه مقاومت ملی در پنجشیر بود.

عبدالرشید کارمند سابق امنیت ملی افغانستان در ماه سپتامبر 2025 میلادی، توسط طالبان بازداشت شد و در اثر شکنجه به قتل رسید. عبدالرشید از قریه غومی شاخدره ولسوالی نسی ولایت بدخشان بود. او پس از تسلط طالبان به ایران پناهنده شد. چند ماه قبل از بازداشت شدن اش، از ایران به طور اجباری اخراج شده بود. بر اساس معلومات رسانه های آزاد، عبدالرشید، به خاطر امرار معیشت به کارگری در یکی از معادن طلا رو آورد. او به خاطر حفظ امنیت اش چندبار در نزد جمعه فاتح، ولسوالی طالبان در نسی رفت تا "کارت عفو" دریافت کند؛ اما درخواست اش رد شد. تا اینکه به تاریخ 22 سپتامبر از طرف شب توسط افراد وابسته به جمعه فاتح بازداشت گردید و در اثر شکنجه جان باخت¹⁰⁴.

¹⁰³ افغانستان انترنشنل، "گزارش تحقیقی؛ 31 نوع شکنجه در بازداشتگاه های طالبان، جزئیات بیشتر در این لینک:

https://content.afintl.com/taliban_tortures/index.html

¹⁰⁴ روزنامه هشت صبح، "طالبان در بدخشان یک نظامی پیشین را پس از شکنجه به قتل رساند"، مورخ 23 سپتامبر 2025 میلادی، جزئیات بیشتر در این لینک: <https://8am.media/fa/taliban-in-badakhshan-kill-a-former-soldier-after-killing/>

مقامات اداره حاکم، علاوه بر اینکه اعضای پیشین نیروهای امنیتی، اعضای گروه های مسلح مخالف طالبان، روزنامه نگاران و فعالان حقوق بشر را بازداشت و شکنجه می کنند، هر شخصی را که در مخالفت با سیاست های طالبان سخن بگوید، مورد پیگرد قرار داده و شکنجه می کنند.

به طور مثال، در ماه جنوری 2025 میلادی، "محمود حسن"، "عبدالقادر قانت" و "عبدالعزیز شجاع" سه روحانی منتقد طالبان توسط طالبان بازداشت شدند. این سه روحانی از سیاست های طالبان انتقاد کرده بودند و خواهان بازگشایی مکاتب دخترانه شده بودند و از انحصار قدرت توسط طالبان انتقاد کرده بودند. بعد از چند روز بازداشت، برادر محمود حسن به رسانه ها گفت که این روحانی تحت شکنجه شدید قرار دارد و حالت جسمی و روحی او وخیم است. وی از سازمان های حقوق بشر خواست که برای آزادی برادرش اقدام کنند¹⁰⁵.



تصویر حمزه الفت/منبع:اطلاعات روز

به تاریخ 18 جنوری، "حمزه الفت" یکی از فعالان مدنی پس از اینکه توسط طالبان مجروح گردید، درگذشت. حمزه الفت برای دیدار با مادرش از ایران به ولایت دایکندی سفر کرده بود ولی در مسیر راه توسط طالبان متوقف گردید. حمزه الفت از ترس اینکه دوباره بازداشت نشود، فرار کرد ولی طالبان به او شلیک کردند و او به شدت زخمی شد. پس از دو روز که در کوهها متواری بود، مخفیانه به خانه اش رسید ولی در اثر شدت خونریزی در گذشت. حمزه الفت، قبلاً به تاریخ 7 فبروری 2023 میلادی از غرب کابل بازداشت شده بود. طالبان او را به دلیل اینکه در تظاهرات های زنان در کابل اشتراک نموده بود و هم چنین در تداوی دو تن از زخمیان مخالفان طالبان همکاری کرده بود، بازداشت کرد. او چندین بار در هنگام بازداشت، در توقیف خانه ریاست 40، در توقیف خانه میدان وردک و هم چنین در زندان پل چرخی به شدت مورد شکنجه قرار گرفت. طالبان در جریان شکنجه دندان های حمزه را شکستاده بود. حمزه الفت پس از یک سال و شش ماه حبس، از

زندان پل چرخی کابل آزاد شد. او پس از آن به دایکندی و بعد به ایران رفت. او مدتی را در ایران کارگری کرد و بعد به افغانستان برگشت و به گفته دوستان نزدیک اش، او قصد داشت این بار به پاکستان برود و فکر می کرد از آنجا بتواند به یکی از کشورهای غربی پناهنده شود.

گزارش های متعددی از سوء استفاده جنسی و حتی تجاوز جنسی علیه زنان که در بازداشت طالبان بودند، وجود دارد. برخی از فعالان حقوق زن که قبلاً در بازداشت طالبان بودند، پس از آزاد شدن ادعا کردند که در نظارت خانه های طالبان مورد

¹⁰⁵ رادیو آزادی، "خانواده محمود حسن، روحانی منتقد طالبان می گوید که او در زندان تحت شکنجه قرار دارد"، 11 دلو 1403، جزییات بیشتر در این لینک: <https://da.azadiradio.com/a/33297609.html>

سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند. یک تن از فعالان حقوق زن که فعلا در اروپا به سر می برد، ادعا کرد که طالبان بدن او را در نظارت خانه کابل برهنه کردند¹⁰⁶.

مثال دیگر، بازداشت یک زن 28 ساله عضو ارتش سابق افغانستان است که در ماه آگست 2021 میلادی توسط طالبان بازداشت گردید. وی در مصاحبه با یکی از رسانه ها ادعا کرد که دوشب متوالی به صورت وحشیانه مورد تجاوز جنسی گروهی طالبان در داخل توقیف خانه حوزه سیزدهم شهر کابل قرار گرفته است. او پنج شبانه روز را در توقیف بوده و به شدت مورد شکنجه قرار گرفته است. او در مصاحبه با رسانه ها ادعا کرد که در شب دوم و سوم بازداشت، سه یا چهار نفر از اعضای طالبان به او حمله کردند و به طور گروهی به او تجاوز کردند. وی گفت که متجاوزان فریاد می زدند که او یک زن هزاره، کافر و فاحشه هستم و هر کاری که بخواهند با او انجام می دهند¹⁰⁷. این قربانی فعلا در یکی از کشورهای همسایه به سر می برد.

مقامات اداره حاکم، همواره از وجود شکنجه، رفتارهای غیر انسانی و تحقیر کننده در مراکز سلب آزادی انکار می کنند. اداره تنظیم امور زندانیان طالبان، به تاریخ اول سپتامبر از دستاوردهای خود در سال گذشته گزارش داد و در این گزارش از ارائه اطمینان به تمام زندانیان و خبرنگاران مبنی بر اینکه هرکس شاهد شکنجه یا مجازات بدنی در زندان باشد، می تواند آن را گزارش کند. در این گزارش گفته شده که تلاشهایی برای بهبود شرایط زندانیان، مانند ارائه آموزش های دینی، عصری و حرفه ای به زندانیان صورت گرفته است¹⁰⁸.

اما اطلاعات مرکز حقوق بشر افغانستان نشان می دهد که شکنجه در مراکز سلب آزادی تحت اداره طالبان به شمول توقیف خانه ها و نظارت خانه به ویژه در اداره چهل استخبارات طالبان به طور گسترده وجود دارد. اعضای پیشین نیروهای امنیتی و دفاعی، اعضای گروه های مسلح مخالف طالبان و هر کسی که با سیاست های طالبان از طریق اشتراک در اعتراضات و یا در شبکه های اجتماعی مخالفت کنند، بازداشت شده و به شیوه های مختلف مورد شکنجه قرار می گیرند.

در مورد تعداد کسانی که در محابس، توقیف خانه ها و نظارت خانه هستند، معلومات دقیق و به روز شده موجود نیست. پس از تسلط طالبان در آگست 2021 میلادی، دروازه های تمامی زندانها باز شد و هزاران زندانی آزاد شدند؛ اما با سازماندهی مجدد زندانها، مراکز سلب آزادی به یکی از ستون های اصلی دستگاه سرکوب حاکمیت طالبان تبدیل شد و این مراکز به سرعت پر گردید.

در 21 جون 2024 میلادی معاون اداره تنظیم زندانهای طالبان در مصاحبه با آریانا نیوز اعلان کرد که تعداد زندانیان به 20000 هزار نفر رسیده که 1500 تن آنها زنان و 60 شهروند خارجی هستند¹⁰⁹. آمار بازداشت زنان در طی یک سال (سال 2024)، بیشتر از زنان بازداشت شده در دوره جمهوریت است. این آمار بیانگر این است که مقامات حاکم، زنان را بدون دلیل قانونی اما هدفمند و سیستماتیک مورد آزار و اذیت قرار می دهند. بر اساس اطلاعات درز یافته توسط یک گروه ناشناس، طالبان در سال 1402 خورشیدی برابر با 2023 میلادی 352 تن زن را زندانی نموده و 1081 زن دیگر را بازداشت کرده اند. بر اساس این اطلاعات دهها شهروند خارجی از جمله شش زن نیز در بازداشت این گروه بوده اند¹¹⁰. این اطلاعات پس از حک شدن بانک اطلاعات طالبان در وبسایت TalibLeaks به روز ششم فبروری 2025 میلادی به نشر رسید. مرکز حقوق

¹⁰⁶ بی بی سی فارسی، "زن معترض افغان افراد طالبان را متهم کرد که در زندان برهنه اش کردند"، جون 11، 2024، جزییات بیشتر در این

لینک: <https://www.bbc.com/persian/articles/cldyt94v3qro>

¹⁰⁷ رخشانه، "زن نظامی پیشین: طالبان در زندان به صورت گروهی به من تجاوز کردند"، 9 جوزای 1404، جزییات بیشتر در این لینک:

[/https://rukshana.com/former-female-soldier-taliban-gang-raped-me-in-prison](https://rukshana.com/former-female-soldier-taliban-gang-raped-me-in-prison)

¹⁰⁸ یوناما، "گزارش جدید وضعیت حقوق بشر در افغانستان: از جولای تا اکتوبر 2024"، صفحه 6

¹⁰⁹ آریانا نیوز، "امارت اسلامی افغانستان 60 خارجی را زندانی کرده است"، 21 جون 2024، جزییات بیشتر در این لینک:

<https://www.ariananews.af/iea-holds-60-foreigners-in-prisons/>

¹¹⁰ افغانستان انترنشنل، "اسناد افشا شده: طالبان نزدیک به 1400 زن افغان را زندانی و بازداشت کرده است"، 6 فبروری 2025، قابل دسترس

در این لینک: <https://www.afintl.com/202502055683>

بشر افغانستان نمی تواند این اطلاعات را به طور مستقل تایید کند. نبود دسترسی نهادهای مستقل به مراکز سلب آزادی و نبود شفافیت در فرایند اطلاع رسانی سبب شده است که آمارهای دقیق و قابل راستی آزمایی از وضعیت واقعی مراکز سلب آزادی در دسترس نباشد.

آمار فوق نشان می دهد که تعداد زنان تحت بازداشت و زندانی به طور چشمگیر افزایش یافته و این واقعیت تکان دهنده بیانگر سرکوب سیستماتیک زنان توسط طالبان است. بر اساس اطلاعات مرکز حقوق بشر افغانستان مهمترین عامل افزایش تعداد زنان زندانی، تشدید سرکوب زنان توسط طالبان به ویژه از طریق اجرای سختگیرانه قانون امر به معروف و نهی از منکر است. این قانون به حیث یک چارچوب حقوقی غیر انسانی و یک ابزار محوری حاکمیت طالبان برای سرکوب شهروندان افغانستان به ویژه زنان فراهم کرده است.

بر اساس قانون اساسی سال 2004 و قانون اجراءات جزایی حقوق افراد متهم، مظنون و مجنی علیه باید رعایت و احترام می شد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان برای گنجاندن کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر در قوانین کشور دادخواهی نمود. در اثر این دادخواهی اکثریت موازین بین المللی حقوق بشر در قوانین جزایی کشور از جمله در کود جزا، قانون اجراءات جزایی و سایر قوانین وارد گردید. اما وبسایت وزارت عدلیه تحت اداره طالبان نشان می دهد که این قوانین ملغا گردیده اند.

به تاریخ 25 جولای 2024 میلادی، رییس استخبارات طالبان در یک گردهمایی اظهار داشت که اداره استخبارات وظایف خود را بر اساس یک قانون جامع و کامل که از شریعت اسلامی و فقه حنفی برگرفته شده و توسط علماء و متخصصین تایید و توسط رهبر طالبان به تصویب رسیده، انجام می دهد و از تطبیق آن نظارت جدی صورت می گیرد. هم چنین کارکنان ریاست عمومی استخبارات تابع شریعت اسلامی و قانون بوده و در صورت تخلف مورد تحقیق قرار می گیرند¹¹¹. جزئیات این قانون معلوم نیست و هنوز در وبسایت وزارت عدلیه نیز نشر نشده است.

اطلاعات جمع آوری شده توسط مرکز حقوق بشر افغانستان از طریق مصاحبه با برخی از کسانی که از مراکز سلب آزادی، رها شده اند، نشان می دهند که ادارات عدلی و قضایی مقامات حاکم بسیاری از اصول و پروسیجرهای قانونی را از لحظه بازداشت تا محاکمه افراد مانند حق سکوت، برائت ذمه، حق داشتن وکیل مدافع، حق اعتراض، حق دفاع در برابر محکمه، دسترسی به شهود، اسناد و مدارک و غیره را رعایت و احترام نمی کنند.

آزادی از توقیف خانه ها و محابس طالبان با شرایط و طرق متفاوت انجام می شود. برخی از افراد با وساطت بزرگان محل یا با پرداخت مبلغ هنگفت که فساد و باجگیری محسوب می شود و یا با دادن تضمین های کتبی یا مالی آزاد شده اند. در برخی قضایا، طالبان از افراد بازداشت شده خواهان سپردن اسلحه در عوض آزادی آنها شده است. آنهایی که اسلحه نداشته اند، از آنها تقاضا شده که اسلحه را بخرند و یا قیمت اسلحه را بپردازند تا آزاد شوند. برخی از زندانی ها به مناسبت های ملی و مذهبی با فرمان رهبر طالبان آزاد شده اند. بر اساس آخرین گزارش اداره تنظیم امور زندانها تحت اداره طالبان که در ماه اکتوبر 2025 به نشر رسید، در چهار سال گذشته 19998 زندانی بر اساس فرمان رهبر طالبان مورد عفو قرار گرفته و یا در مجازات آنها تحفیف صورت گرفته است¹¹². به دلیل نبود نهادهای ناظر مستقل در داخل کشور و نبود سیستم شفاف اطلاع رسانی، مرکز حقوق بشر افغانستان نمی تواند این معلومات را تایید کند.

¹¹¹ یوناما، "گزارش جدید حقوق بشر در افغانستان: از جولای تا اکتوبر 2024"، صفحه 6

¹¹² روزنامه ملی انیس، "دستاوردهای مهم اداره تنظیم امور زندان ها پس از حاکمیت دوباره امارت اسلامی"، 22 اکتوبر 2025 میلادی، جزئیات بیشتر در این لینک: <https://anisdaily.com/?p=71879>

فصل ششم: مجازات بدنی (اعدام، شلاق زدن و سنگسار)

طالبان از لحظه بازگشت به قدرت، مانند دوره قبلی حاکمیت شان، مجازات حدود و قصاص را از سر گرفتند. حدود به مجازاتی اطلاق می شود که در شریعت اسلام تعیین شده، اکثر آن "حق الله" شناخته شده و مجازات آن معین است و حداقل و حداکثر ندارد. مجازات حدود مورد تخفیف و عفو قرار نمی گیرد. جرایم حدود عبارتند از زنا، قذف، نوشیدن شراب، سرقت، محاربه (راهزنی)، ارتداد و بغي. مجازات قصاص و دیت نیز در شریعت اسلام معین شده و به حیث "حق العبد" شناخته می شود. مجازات قصاص می تواند از سوی مجنی علیه مورد عفو قرار بگیرد.

مقامات اداره حاکم از آگست 2021 میلادی تا اکنون هزاران نفر را به مجازات شلاق محکوم و اجرا نموده است. همه این افراد در محضر عام، اکثراً در میدان های ورزشی در حضور صدها نفر از 10 تا 39 شلاق زده شده اند. برخی از این افراد نظر به نوع جرم شان، علاوه بر شلاق، به شش ماه تا سه سال حبس نیز محکوم شده اند. کسانی که مشمول مجازات شلاق شده اند، به اتهام دزدی، مشارکت در قتل، نوشیدن شراب، قماربازی، رابطه خارج از ازدواج، فریبکاری، قاچاق و استفاده از مواد مخدر بازداشت و مجازات شده اند.

بر اساس داتابیس مرکز حقوق بشر افغانستان، محاکم طالبان در طول سال 1404 خورشیدی صدها حکم شلاق و جزای تعزیری صادر نموده که در اثر این احکام 1087 نفر اغلباً در محضر عام شلاق زده شدند. این مجازات بدنی در اکثر ولایات کشور انجام شده و اکثریت مطلق قربانیان را مردان تشکیل می دهد. زنان، اغلباً به اتهام رابطه خارج از ازدواج و فرار از منزل شلاق زده شدند.

اکثریت مطلق مجازات شلاق در محضر عام و در حضور صدها و در برخی موارد هزاران نفر تماشاچی اغلباً در استدیوم های ورزشی اجرا می شود. طالبان قبل از مجازات، در محلات مختلف شهر اعلان می کنند و از مردم می خواهند که برای تماشای مجازات گردهم بیایند. طالبان هیچ نوع محدودیت سنی را برای تماشاچیان قایل نمی شوند؛ در حالی که اکثریت تماشاچیان را کودکان تشکیل می دهد.

مجازات بدنی اکثراً پس از صدور حکم محاکم اجرا می شود، اما در بعضی موارد گزارش های وجود دارد که مجازات شلاق زدن بر اساس تصمیم مقامات غیر قضایی طالبان مانند والی ها، ولسوال ها، پولیس، ریاست استخبارات و مسوولان اداره امر به معروف و نهی از منکر مجازات شده اند.

ملاهیبت الله، رهبر طالبان در ماه مارچ 2024 میلادی از مجازات سنگسار حمایت کرد. او در یک نوار صوتی که از طریق رادیوی ملی پخش شد، گفت: "حتا اگر گفته شود که پایمال کردن حقوق زنان است که سنگسار کنید، ما فردا حد زنا را در محضر عام اجرا می کنیم، زنان را رجم (سنگسار) می کنیم. ما حدود الله را در محضر عام اجرا می کنیم"¹¹³.

ستره محکمه طالبان در ماه می 2023 میلادی به رسانه ها گفت که بیش از 175 حکم قصاص، 4 حکم آوار کردن دیوار بر محکومان و 37 حکم سنگسار در سراسر افغانستان توسط محاکم صادر شده و منتظر فیصله رهبری طالبان است.¹¹⁴ طالبان از آگست 2021 میلادی تا اکنون 12 تن را در محضر عام اعدام کرده اند؛ اما اطلاعات به روز شده و دقیق در مورد صدور احکام مربوط به سنگسار و زیر دیوار کردن محکومان و اجرای چنین مجازات وجود ندارد.

بر اساس معلومات مرکز حقوق بشر افغانستان، در سال 2025 میلادی مجازات سنگسار تطبیق نشده است؛ اما یک تعداد افراد به شمول یک زن در دایکندی توسط محکمه ابتداییه به مجازات سنگسار محکوم شده است.

¹¹³ بی بی سی فارسی، "رهبر طالبان از سنگسار زنان و شلاق زدن در ملا عام دفاع کرد"، 24 مارچ 2024 میلادی
¹¹⁴ بی بی سی فارسی، "دادگاه عالی طالبان برای دهها حکم اعدام، سنگسار و آوار کردن دیوار منتظر تایید رهبر است"، 4 می 2023 میلادی

مجازات اعدام پس از آگست 2021 میلادی مانند دوره اول اداره طالبان از سر گرفته شد. بر اساس معلومات مرکز حقوق بشر افغانستان، از آگست 2021 میلادی تا اکنون 12 تن توسط طالبان در ملاء عام اعدام شده اند. مجازات اعدام در ولایت های فراه، لغمان، غزنی، جوزجان، بادغیس و نیمروز در ملاء عام با حضور صدها تماشاگر اجرا شده است. در سال 2025 میلادی پنج نفر به اتهام قتل عمد اعدام شدند. به تاریخ 11 آپریل، چهار مرد در ولایت های بادغیس، نیمروز و فراه در محضر عام اعدام شدند.

آخرین قضیه اعدام به تاریخ دوم دسامبر 2025 میلادی در ولایت خوست اجرا شد. شخصی به نام "منگل" به اتهام قتل عمد در ملاء عام با حضور هزاران تماشاگر اعدام گردید¹¹⁵. قبل از اجرای مجازات اعدام، طالبان از مردم دعوت کرده بودند که برای تماشای مجازات اعدام در استدیوم ورزشی شهر تجمع کنند؛ اما در مور اشتراک کودکان در این صحنه چیزی نگفته بودند و در هنگام ورود مردم به استدیوم ورزشی، از ورود کودکان ممانعت نکردند.

اجرای مجازات اعدام در ملاء عام مجازات ظالمانه، غیر انسانی و مغایر با قوانین بین المللی است و هدف طالبان از چنین روش، ایجاد رعب و وحشت در میان مردم می باشد. حضور کودکان در تماشای مجازات اعدام، خلاف اصول و ارزشهای حقوق بشری بوده و تأثیرات مخرب روحی و روانی بر کودکان دارد. به دلیل عدم استقلال سیستم قضایی و عدم رعایت اصول و معیارهای عادلانه حقوقی در محاکم طالبان، اجرای چنین مجازات غیر عادلانه است.

اجرای مجازات حدود و قصاص به شمول اعدام توسط طالبان واکنش های گسترده ملی و بین المللی را در پی داشته است. سازمان ملل متحد از طالبان به دلیل اعدام ها و شلاق زدن ها در ملاء عام به شدت انتقاد کرد و از حاکمان افغانستان خواست اجرای چنین مجازات را فوراً متوقف کنند. ریچارد بنت، گزارشگر ویژه ملل متحد در امور حقوق بشر در افغانستان مجازات اعدام در محضر عام توسط طالبان را محکوم کرد و گفت: "اعدام یک جزای ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر کننده است. این مجازات غیر قابل بازگشت بوده، اغلب نا عادلانه تطبیق می شود و نمی تواند به عنوان یک بازدارنده موثر در برابر جرم عمل کند."¹¹⁶ سازمان های بین المللی حقوق بشر به شمول دیدبان حقوق بشر و عفو بین الملل نیز مجازات اعدام و شلاق زدن در محضر عام را محکوم کردند و از طالبان خواستند که چنین مجازات را متوقف کنند¹¹⁷.

مجازات بدنی علاوه بر اینکه نقض صریح قوانین بین المللی حقوق بشر است، پیامدهای بسیار زیانبار دارد. افرادی که شلاق زده می شوند، آسیب های جدی جسمی و روحی می بینند. چنانچه که مجازات شلاق زدن در محضر عام صورت می گیرد، قربانیان به شدت تحقیر می شوند و جایگاه اجتماعی آنها شدیداً لطمه می بینند. افرادی که شلاق زده می شوند، علاوه بر آسیب جسمی، از لحاظ روحی نیز صدمه می بینند. قربانیان چنین مجازات در شرایط فعلی افغانستان به خدمات روان درمانی دسترسی ندارند. کاهش کمک های بین المللی به دلیل وضعیت سیاسی موجود، منجر به کاهش بودجه نهادهای ارائه کننده خدمات روان درمانی شده و به این دلیل قربانیان کمتر به خدمات صحت روانی دسترسی دارند¹¹⁸.

آن عده افرادی که به خاطر رابطه جنسی خارج از ازدواج (زنا)، هم جنس گرایی و یا فرار از منزل بازداشت و در محضر عام شلاق زده می شوند، ممکن است بیشتر از دیگران در معرض خطر خشونت های خانواده و جامعه قرار بگیرند. زیرا که در

¹¹⁵ افغانستان انترنشنل، "80 هزار نفر برای تماشای اعدام در خوست رفتند"، دوم دسامبر 2025، جزئیات بیشتر در این لینک:

<https://www.afintl.com/202512021182>

¹¹⁶ دفتر کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر، "کارشناس ملل متحد: افغانستان باید فوراً مجازات اعدام و مجازات بدنی در

محضر عام را متوقف کند"، 17 آپریل 2025، قابل دسترس در این لینک: [Afghanistan must immediately stop public](https://www.unhcr.org/refugees/afghanistan-must-immediately-stop-public-executions-and-corporal-punishment)

[executions and corporal punishment: UN experts | OHCHR](https://www.unhcr.org/refugees/afghanistan-must-immediately-stop-public-executions-and-corporal-punishment)

¹¹⁷ عفو بین الملل، "افغانستان: طالبان باید اعدام ها را متوقف و مجازات اعدام را لغو کند"، 23 فبروری 2024

¹¹⁸ یوناما، "گزارش مختصر: مجازات بدنی و اعدام در افغانستان"، صفحه 14، ماه می 2023 میلادی، جزئیات بیشتر در این لینک:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/hr_brief_on_cpdp_03052023_-_english_0.pdf

جامعه سنتی افغانستان، زنانی که متهم به جرایم اخلاقی شده باشند، مایه ننگ شمرده شده و به این لحاظ سبب انزوای اجتماعی قربانی و خانواده آنها می‌گردد. حتی ممکن است قربانی مجبور به ترک خانه و قریه گردد.

فصل هفتم: حقوق کودکان

افغانستان عضویت کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک را کسب کرده است و به حیث عضو این کنوانسیون متعهد به اجرای مفاد این کنوانسیون می‌باشد. بر اساس ماده دوم این کنوانسیون تمامی دولت‌های عضو مکلف اند که همه اقدامات لازم را جهت حمایت از کودکان در مقابل کلیه اشکال تبعیض بر مبنای نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، ملیت، قومیت و پیشینه اجتماعی، دارایی، معلولیت، تولد یا سایر موقعیت‌ها برای کودک یا والدین یا سرپرست قانونی او تضمین کنند. بر اساس ماده اول کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، هر انسان زیر سن 18 سال، کودک شمرده می‌شود.

اکثریت کودکان افغانستان با تبعیض و محرومیت‌های فراوان مواجه هستند. فقر، گرسنگی، عدم دسترسی به خدمات آموزشی با کیفیت، عدم دسترسی به خدمات صحتی، سوء استفاده‌های جنسی، خشونت‌های فیزیکی در محیط خانواده و بیرون از خانه، ازدواج اجباری و زیر سن، نا امنی، قاچاق، استفاده از کودکان در صفوف نیروهای مسلح از جمله عمده‌ترین مشکلات کودکان افغانستان به شمار می‌رود.

پس از تسلط طالبان در آگست 2021 میلادی، علاوه بر ملغا کردن قانون اساسی، سایر قوانین مرتبط به حقوق کودکان مانند قانون منع آزار و اذیت زنان و کودکان، قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و قانون منع خشونت علیه زنان را لغو کردند. در حال حاضر، قانونی برای مجازات مرتکبان جرایم علیه کودکان وجود ندارد و هیچ نوع ساختار و سیستم برای حمایت از کودکان فعال نیست. طالبان طی چهار سال گذشته به تعهدات و مکلفیت‌های ناشی از الحاق افغانستان به اسناد بین‌المللی حقوق بشر عمل نکرده است.

وضعیت کودکان در افغانستان پس از تسلط طالبان به طور چشم‌گیری وخیم‌تر شده است. خدمات اساسی در آستانه فروپاشی قرار دارند و کمک‌های بین‌المللی برای افغانستان به شدت کاهش یافته است. سازمان ملل متحد با نشر یک بیانیه اعلان کرد که بیش از نصف جمعیت کشور یعنی 24.4 میلیون نفر به کمک‌های بشردوستانه نیاز مند هستند که 12.9 میلیون آنها کودکان اند. وخامت اوضاع سبب شده که 8.7 میلیون تن در سطح اضطراری ناامنی غذایی قرار بگیرند. بر اساس آمار سازمان ملل متحد 45 درصد از مرگ و میر کودکان در افغانستان ناشی از سوء تغذیه است. در حال حاضر میزان سوء تغذیه حاد در 27 ولایت از 34 ولایت بالاتر از حد اضطرار است و به سرعت در حال بدتر شدن است¹¹⁹.

به تاریخ دهم دسامبر 2025 میلادی، تام فیلچر (Tom Fletcher) هماهنگ کننده کمک‌های اضطراری سازمان ملل متحد در جلسه شورای امنیت ملل متحد گفت که حدود نیم جمعیت افغانستان نیازمند کمک‌های بشردوستانه هستند. وی گفت که 300 مرکز ارائه خدمات تغذیه بسته شده و در نتیجه 1.1 میلیون کودک از دریافت تغذیه نجات دهنده محروم مانده اند، در حالی که 1.7 میلیون کودک در صورت عدم درمان با خطر مرگ روبه‌رو هستند. هم‌چنین سیستم صحتی در افغانستان در حال فروپاشی است. 422 مرکز صحتی در سال 2025 میلادی بسته شده و سه میلیون تن را از خدمات حیاتی درمانی محروم ساخته است¹²⁰.

¹¹⁹ یونیسف، کودکان در افغانستان، جزئیات بیشتر در این لینک: <https://www.unicef.org/afghanistan/children-afghanistan>

¹²⁰ سازمان ملل متحد، اخبار ملل متحد، "بحران افغانستان عمیق‌تر می‌شود زیرا که وضعیت حقوق بشر وخیم‌تر شده و کمک‌های بشردوستانه کاهش یافته است"، 10 دسامبر 2025، معلومات بیشتر در این لینک: <https://news.un.org/en/story/2025/12/1166560>

در حالی که افغانستان به دلیل سیاست های طالبان با انزوای بین المللی به سر می برد و کمک های بین المللی به شدت کاهش یافته است و از جانب دیگر چندین ولایات با بحران زلزله، سیلاب و خشکسالی مواجه هستند، در سال 2025 میلادی حدود 2.2 میلیون افغان از کشورهای ایران و پاکستان برگشتند. حدود 60 درصد برگشت کنندگان را کودکان و زنان تشکیل می دهند. فروپاشی نهادهای رسیدگی به حوادث طبیعی و نبود رهبری سالم و پاسخگو، بحران های موجود را وخیم تر کرده و اکثریت مردم افغانستان به ویژه زنان و کودکان را در معرض خطرات جدی قرار داده است.

تعداد زیادی از کودکان افغانستان در دوره های مختلف سنی به کار مصروف هستند. هرچند آمار دقیق از کودکان کارگر در افغانستان در دسترس نیست. تخمین زده می شود که تعداد کودکان کارگر بین یک میلیون تا سه میلیون باشد. با توجه به آمار فزاینده که از فقر و گرسنگی 90 درصدی در افغانستان تحت حاکمیت طالبان منتشر می شود، به نظر می رسد که شمار کودکان کارگر نسبت به گذشته افزایش چشم گیری یافته است.

بر اساس ارزیابی وزارت کار ایالات متحده آمریکا که در سال 2024 میلادی نشر شده، تعداد کودکان کارگر پس از آگست 2021 میلادی افزایش یافته است. دلایل افزایش کودکان کارگر، بحران بشردوستانه پس از تسلط طالبان و منحل شدن سازوکارهای مرتبط به حمایت از کودکان گفته شده است¹²¹. بر اساس ارزیابی وزارت کار ایالات متحده آمریکا، 24.5 درصد پسران و 19.3 درصد دختران زیر سن کار می کنند. کودکان کارگر که بین سنین 15 تا 17 سال هستند و تعداد آنها 3.4 درصد نفوس کشور را تشکیل می دهند به کارهای خطرناک مصروف هستند¹²². احتمالاً به دلیل اینکه دختران اغلباً به کارهای بدون مزد در خانه مانند نگهداری از کودکان خردسال مصروف هستند، آمار دختران کارگر کمتر آورده شده است.

کودکان افغانستان مشغول کارهای مختلف از جمله کار در ترمیم گاه موتور، حلبی سازی، خشت پزی، خیاطی، رستوران ها، دستفروشی، نانوایی، دکانداری، موترشویی و قالین بافی مصروف هستند که اکثریت این کارها برای کودکان شاقه محسوب می شود. در قریه ها اکثریت مطلق کودکان به کارهای مانند کار در مزارع و چراندن مواشی (چوپانی) مصروف هستند که این کارها بخشی از جدایی ناپذیرترین بخش اشتغال کودکان در میان خانواده ها در قریه ها است.

برخی از کودکان در شهرها به کارهای اشتغال دارند که از لحاظ امنیتی خطرناک است. گدایی گری، دستفروشی و موترشویی در کنار جاده ها برای کودکان به ویژه کودکان دختر خطرناک است و آنها را در معرض قاچاق، اختطاف و سوء استفاده های جنسی قرار می دهند.

استخدام و جذب کودکان در نیروهای مسلح طالبان از گذشته تا اکنون گزارش شده است. پس از تسط طالبان در آگست 2021 میلادی، طالبان به استخدام و جذب کودکان در نیروهای مسلح خود ادامه داده است. مقامات حاکم هیچ نوع قانون و یا ساختاری که مانع استخدام کودکان در نیروهای مسلح شود، تدوین و اجرا نکرده است¹²³. هرچند گزارش دقیق از تعداد کودکان در صفوف نیروهای مسلح طالبان وجود ندارد؛ اما شهروندان افغانستان روزانه تعداد زیادی از کودکان را در صفوف نیروهای مسلح طالبان مشاهده می کنند.

در گزارش سالانه 2025 میلادی که توسط وزارت خارجه ایالات متحده به نشر رسیده، آمده است که طالبان و دیگر گروهها به گونه غیر قانونی کودکان را جلب و جذب نموده و از آنان در جبهات و نقش های حمایتی به کار می گیرند. طالبان به اجبار و یا فریب به شمول وعده های دروغین کودکان را جلب و جذب می کنند. گروههای تروریستی دیگر مانند داعش شاخه خراسان نیز از کودکان در منازعات مسلحانه برای تعبیه و انفجار وسایل انفجاری، حمل و نقل اسلحه، جاسوسی و نگهداری

¹²¹ وزارت کار ایالات متحده، اداره امور بین المللی کار، "گزارش های کار کودکان و کار اجباری: افغانستان"، قابل دسترس در این لینک:

<https://www.dol.gov/agencies/ilab/resources/reports/child-labor/afghanistan>

¹²² همان

¹²³ همان

از پایگاه های نظامی شان به کار می گیرند. در این گزارش وزارت خارجه آمریکا ادعا شده که جبهه مقاومت ملی نیز از کودکان در صفوف نیروهای مسلح خود استفاده می کند¹²⁴.

استخدام کودکان در نیروهای مسلح در تضاد با استانداردهای بین المللی حقوق بشر است و به طور مشخص، ماده 38 کنوانسیون بین المللی حقوق کودک و ماده 8 (ب) (26) اساسنامه رم، استخدام کودکان زیر 15 سال را ممنوع نموده و در صورت ارتکاب آن، از جمله مصادیق جنایت جنگی محسوب می گردد.

بچه بازی و سوء استفاده جنسی از کودکان یکی از رواج های ناپسند در افغانستان است. در برخی از ولایات کشور، افراد زورمند و ثروتمند از فقر و درماندگی مردم استفاده نموده و کودکان پسر را که اغلب آنها بین سنین 10 تا 18 سال هستند، به منظور بچه بازی که عموماً با بهره کشی جنسی همراه است، نگهداری می کنند. عاملان بچه بازی، این پسران را به حیث محافظ شخصی، شاگرد، کارگر خانه، دکان، نانوا، تعمیرگاه، مستخدم هتل و یا رستوران در بدل پرداخت پول یا استفاده از زور و تهدید، حيله و نیرنگ استخدام می کنند. این پسران را در مهمانی های خصوصی و محافل عروسی به عنوان رقص می رقصانند و در برخی مناطق کشور، در هنگام رقص لباس زنانه به تن آنها می کنند. پس از ختم محفل، این پسران را به خانه های شخصی و یا هتل ها برده و مورد تجاوز جنسی قرار می دهند. حتی در بعضی موارد، این کودکان مورد تجاوز جنسی گروهی قرار می گیرند.

در اثر دادخواهی های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، بچه بازی در کود جزا که در سال 2017 میلادی به تصویب رسید، جرم انگاری گردید و عاملان آن قابل مجازات دانسته شد. علاوه بر آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان یک کمپاین ملی را به منظور افزایش سطح آگاهی عامه راه اندازی نمود. این اقدامات باعث شد که قضایای بچه بازی در سالهای اخیر دوره جمهوریت کاهش پیدا کند.

پس از آگست 2021 میلادی، علاوه بر آن که قوانین مربوط به حمایت از کودکان ملغاً گردید، موارد بچه بازی در میان فرماندهان طالبان گزارش شده است. بچه بازی علاوه بر آنکه استثمار و آزار و اذیت جنسی کودکان است، از جمله مصادیق قاچاق انسان نیز محسوب می شود. در گزارش سالانه قاچاق انسان که توسط وزارت خارجه ایالات متحده در سال 2025 میلادی به نشر رسیده، آمده است که نمونه های (pattern) از بچه بازی در میان طالبان وجود دارد¹²⁵.

مقامات اداره حاکم، افراد زیادی را به خاطر بچه بازی تحت عنوان "جرایم اخلاقی" مورد مجازات بدنی قرار داده اند. جالب اینکه آنها پسرانی که قربانی بچه بازی هستند، نیز مورد مجازات قرار داده اند. با این وجود، هیچ گزارشی در مورد مجازات افراد وابسته به طالبان به دلیل مبادرت به فعل بچه بازی وجود ندارد. به طور مثال، ویدیوی از ملا احمد آخوند رئیس اداره برق شهر کابل، در ماه آگست 2023 میلادی در شبکه های اجتماعی به نشر رسید که نشان می داد با محافظ اش هم بستر می شود. این ویدیو در میان کاربران شبکه های اجتماعی افغانستان بسیار پر بیننده شد. دادگاه نظامی طالبان با صدور حکمی ملا احمد را بی گناه دانست و آن ویدیو را جعلی خواند¹²⁶.

اکثریت قربانیان قاچاق انسان در افغانستان را کودکان تشکیل می دهند. پسران نسبت به دختران بیشتر قربانی قاچاق می شوند. به دلیل افزایش سطح فقر، بیکاری، حوادث طبیعی، خشکسالی، بازگشت های اجباری از کشورهای همسایه و وضع محدودیت ها علیه دختران و زنان، خطر بهره کشی توسط قاچاقبران را افزایش می دهد. خانواده ها به خاطر داشتن حمایت

¹²⁴ وزارت خارجه ایالات متحده، گزارش قاچاق انسان در سال 2025: افغانستان"، قابل دسترس در این لینک: <https://www.state.gov/reports/2025-trafficking-in-persons-report/afghanistan/>

¹²⁵ همان

¹²⁶ افغانستان انترنشنل، "دادگاه نظامی طالبان رئیس شرکت برق کابل را از اتهام همخوابگی با محافظ اش برانت داد"، 27 سنبله 1402، جزئیات بیشتر در این لینک: <https://www.afintl.com/202309184150>

مالی کودکان شان را از طریق شبکه های قاچاق انسان، به کشورهای مانند ایران، پاکستان، ترکیه و بعد به اروپا می فرستند. گزارش های وجود دارد که برخی قاچاقبران در مسیر راه، بعضی از زنان و کودکان را مورد بهره کشی جنسی قرار داده اند. اعضای گروه های اقلیت قومی و مذهبی مانند هزاره های شیعه، مسلمانان احمدی، سیک ها، هندوها و مسیحیان به دلیل تهدیدهای امنیتی که از سوی طالبان و گروه های دیگر مانند داعش رو به رو هستند، بیشتر از سایر مردم در معرض قاچاق قرار می گیرند. اقلیت های قومی و مذهبی مجبور می شوند از ترس پنهان شوند و یا به دنبال راه های ترک کشور باشند که این امر آنها را در معرض خطر قاچاق و بهره کشی قرار می دهد¹²⁷.

علاوه بر قاچاق فراملی، کودکان افغانستان قربانی قاچاق داخلی نیز قرار می گیرند. اطلاعات نشان می دهد که موارد قاچاق داخلی کودکان بیشتر از قاچاق برون مرزی است. برخی خانواده به دلیل قرضداری های سنگین (بدهی)، از جمله قرض های مرتبط به مواد مخدر، کودکان خود را در بدل پول به قاچاقبران می فروشند تا به عنوان کارگران مقید برای مدت دوامدار کار کنند و یا دختران کم سن خود را در بدل دریافت طویانه (شیرپها) به ازدواج می دهند. هم چنین برخی از کودکان در کشت و برداشت کوکنار، تولید و قاچاق مواد مخدر مورد استفاده قرار می گیرند.

پس از تسلط طالبان در آگست 2021 میلادی، موارد قاچاق انسان افزایش یافته است. با وجودی که در برخی موارد مقامات طالبان جلو سفر کودکان بدون پدر و مادران شان را گرفته اند؛ اما در حال حاضر هیچ نوع سازوکار حمایتی در افغانستان وجود ندارد. بر اساس گزارش سالانه وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا، مقامات حاکم و نهادهای بخش دولتی به طور کامل معیارهای حداقلی برای محو قاچاق انسان را برآورده نمی کنند و تلاش های قابل توجهی برای انجام این کار انجام نداده اند¹²⁸. باوجودی که رهبر طالبان در سال 2025 میلادی فرمانی را برای مبارزه با قاچاق انسان صادر کرد و از وزارت های مختلف هدایت داد تا جرایم قاچاق انسان را بررسی نموده و فعالیت های آگاهی عامه را انجام دهند، اما در این فرمان هیچ اشاره ای به استخدام کودکان در صفوف نیروهای مسلح نشده است. وزارت ها و سایر نهادهای دولتی اقدامات معنادار و موثر برای مبارزه و محو قاچاق انسان انجام نداده است. مقامات حاکم هیچ گزارشی از تحقیقات، پیگردهای عدلی و یا مجازات عاملان قاچاق انسان ارائه نکرده و هیچ قربانی را شناسایی و حمایت ننموده است.

به نظر می رسد که مقامات حاکم از قاچاق انسان تعریف متفاوتی دارند و قاچاق انسان را صرفاً به مهاجرت های غیر قانونی اطلاق می کنند. در حالی که قاچاق انسان بر اساس "پروتوکل جلوگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان"، عبارت است از "استخدام، انتقال، جابجایی، نگهداری و پناه دادن یا دریافت اشخاص است که از طریق تهدید، یا استفاده از زور یا سایر اشکال اجبار، آدم ربایی، تقلب، فریب، سوء استفاده از قدرت یا از وضعیت آسیب پذیری، یا از طریق دادن یا گرفتن پول یا امتیازات برای به دست آوردن رضایت شخصی که بر فرد دیگری تسلط یا اختیار دارد، با هدف بهره کشی انجام می شود"¹²⁹.

بر اساس معلومات مرکز حقوق بشر افغانستان، ازدواج کودکان پس از تسلط طالبان در آگست 2021 میلادی افزایش یافته است. ممنوعیت آموزش دختران بالاتر از صنف ششم، نا امنی و ترس از جنگجویان طالبان، وخامت اوضاع اقتصادی خانواده از دلایل اصلی افزایش موارد ازدواج کودکان است. خانواده های که کودک دختر دارند یا به دلیل فقر و نا امنی غذایی و یا از ترس اینکه توسط طالبان بازداشت شده و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند، آنها را به ازدواج می دهند.

¹²⁷ وزارت خارجه ایالات متحده، گزارش قاچاق انسان در سال 2025: افغانستان

¹²⁸ همان

¹²⁹ سازمان ملل متحد، پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان، تکمیل کننده کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فرامرزی، ماده 3

به دلیل اینکه هیچ نهاد مستقل نظارت کننده در داخل افغانستان فعال نیست، آمار دقیق از قضایای ازدواج اجباری و زیر سن وجود ندارد. اما گزارش دسترسی زنان به حق آموزش با کیفیت نشان می دهد که قضایای ازدواج اجباری و زیر سن در سالهای اخیر افزایش یافته است. بر مبنای این گزارش 10 نفر از مصاحبه شدگان گفتند که آنها شاهد مستقیم 34 قضیه ازدواج اجباری و زیر سن دانش آموزان و دانشجویان بوده اند¹³⁰. این آمار به شدت تکان دهنده است و بیانگر افزایش بلند این نوع ازدواجها است.

خاطره یک خانم جوان از هرات در مصاحبه با مرکز حقوق بشر افغانستان چنین گفت:

"من در یک مکتب معلم هستم. روزی با همکاران ام در تاکسی طرف مکتب می رفتیم که محتسبان امر به معروف موتر ما را متوقف کردند و گفتند که چرا محرم مرد با خود نداریم. ما را از موتر پایین کردند و مانع رفتن ما شدند و موتران را بازداشت نمودند. وقتی ما گفتیم که مردان خانواده ما کار می کنند و نمی توانند با ما بیایند، گفتند که چون مردان تان کار می کنند، شما زنان نباید کار کنید. سپس از ما تعهد کتبی گرفتند که با خود محرم داشته باشیم و حجاب را کاملا رعایت کنیم."

محرومیت دختران و زنان از آموزش بالاتر از صنف ششم، کاهش دسترسی کودکان به خدمات آموزشی، کاهش کیفیت آموزش، کاهش کمک های بین المللی در زمینه آموزش در سالهای اخیر، آینده کودکان افغانستان به ویژه دختران را در مخاطره جدی قرار داده است. علاوه بر چالش ها و محرومیت ها در زمینه آموزش، چالش های دیگری چون قاچاق و بهره کشی های جنسی از کودکان، ازدواج های اجباری و زیر سن، استثمار و کار اجباری کودکان، فقر و گرسنگی، بازگشت های اجباری از کشور های همسایه، حوادث طبیعی مانند زلزله، خشکسالی، سیلاب، کودکان افغانستان را به شدت آسیب پذیر ساخته و آینده آنها را تاریک خواهد کرد.

مقامات حاکم هیچ نوع استراتژی برای آینده کودکان افغانستان و نقش آینده آنها در انکشاف کشور ندارد. در عوض، طالبان به طور سازمان یافته و گسترده مدرسه های دینی را تقویت می کنند و برای ساختن مدرسه های دینی جدید میلیون ها افغانی از بودجه وزارت معارف را مصرف می کنند. علاوه بر آن، نصاب تعلیمی مکاتب را تغییر داده و آموزش مضامین دینی مورد نظر طالبان که اغلبا با زندگی صلح آمیز در تضاد است، به جای آموزش مضامین اساسی تدریس می کنند. در مدارس دینی نیز مضامین مانند جهاد تدریس می شود که اغلبا کودکان را افراطی تربیت خواهند کرد. این سیاست طالبان، نه تنها که برای آینده کودکان افغانستان خطرناک است؛ بلکه امنیت و صلح در منطقه و حتی کشورهای دیگر دنیا را نیز در مخاطره خواهد انداخت.

فصل هشتم: حقوق اشخاص دارای معلولیت

افغانستان عضویت کنوانسیون بین المللی حقوق اشخاص دارای معلولیت را کسب نموده و به اصول برابری، مشارکت کامل و عدم تبعیض علیه اشخاص دارای معلولیت متعهد گردیده است. علاوه بر آن، قانون اساسی 2004 میلادی و قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت که در دوره جمهوریت تصویب گردید، از جمله سیاست های حمایتی به شمار می رفت.

پس از تسلط طالبان، این چارچوب های حقوقی در با ابهام و چالش های جدی رو به رو گردید. قانون اساسی و بسیاری قوانین دیگر ملغا شده و هنوز جاگزین آنها ارائه نشده است. مقامات اداره حاکم تا اکنون موضع روشن و رسمی درباره پابندی به تعهدات بین المللی از جمله کنوانسیون بین المللی حقوق اشخاص دارای معلولیت اتخاذ نکرده است. علاوه بر آن، ساز و کارهای مستقل که مطالبات اشخاص دارای معلولیت را پیگیری کند و برای حقوق آنها دادخواهی نماید، وجود ندارد.

¹³⁰ مرکز حقوق بشر افغانستان، "گزارش دسترسی زنان به حق آموزش با کیفیت در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، صفحه 10، جنوری 2025

افغانستان دارای بیشترین تعداد اشخاص دارای معلولیت در منطقه به شمار می رود. بیش از چهل سال منازعه مسلحانه، مهاجرت و بیجا شدگی، خشکسالی، حوادث طبیعی و ضعف در نظام صحتی و اقتصادی باعث افزایش تعداد اشخاص دارای معلولیت در افغانستان گردیده است. بر اساس برآورد هیات معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما)، یک و نیم میلیون نفر با معلولیت شدید زندگی می کنند. بر اساس بیانیه یوناما نزدیک به یک چهارم افغان ها (24.6%) با معلولیت خفیف، 40% با معلولیت متوسط و حدود 13.9% با اشکال شدید معلولیت رو به رو هستند¹³¹.

عوامل معلولیت در افغانستان متنوع است اما جنگ مهم ترین عامل معلولیت محسوب می شود. اشخاص زیادی در اثر حملات مسلحانه و انفجاری، ماین های زمینی، مواد انفجاری باقی مانده از جنگ مجروح شده و معلول می شوند. عوامل صحتی و بهداشتی مانند ضعف در ساختارهای صحتی، نبود خدمات پیشگیری و مراقبت های تخصصی، تولدهای پرخطر، بیماری ها مانند پولیو و سوء تغذیه کودکان یکی از عوامل معلولیت در افغانستان است. علاوه بر آنها، عوامل اجتماعی و محیطی مانند ازدواج های فامیلی، فقر گسترده و نبود آگاهی در مورد مراقبت های دوران بارداری موجب افزایش معلولیت های مادرزادی و مشکلات روانی و ذهنی می شود.

باوجودی که پس از آگست 2021 میلادی، منازعات مسلحانه کاهش یافته است؛ اما معلولیت در میان مردم افغانستان افزایش یافته است. بر اساس گزارش سازمان ابتکار رهیاب (The Rahyab Initiative) انفجار ماین ها و مواد انفجاری باقی مانده از جنگ، فروپاشی نظام صحتی، کاهش کمک های بین المللی، افزایش سوء تغذیه کودکان، فقر و مهاجرت های اجباری سبب افزایش معلولیت های قابل پیشگیری شده است. هم چنین یافته های این نهاد نشان می دهد که فشارهای روانی ناشی از بحران های اجتماعی و محدودیت های وضع شده بر حقوق و آزادی های زنان باعث افزایش اختلالات روانی و معلولیت های ذهنی گردیده است¹³².

اشخاص دارای معلولیت در افغانستان با چالش ها و مشکلات متعددی رو به رو هستند که حقوق و آزادی آنها را محدود نموده است. تبعیض، کمبود خدمات توان بخشی، محدودیت ها در آموزش، دسترسی به اماکن عامه، خدمات صحتی از جمله جدی ترین چالش ها برای اشخاص دارای معلولیت محسوب می شود. زنان معلول با تبعیض مضاعف رو به رو هستند.

به خاطری که سطح آگاهی عامه در افغانستان پایین است، تبعیض علیه اشخاص دارای معلولیت هم در میان خانواده ها و هم در جامعه وجود دارد. هرچند در دوره جمهوریت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سایر سازمان های مدنی برای حقوق اشخاص دارای معلولیت دادخواهی نمودند و برنامه های آگاهی دهی برگزار کردند، اما این فعالیت های کافی نبود. متأسفانه نگاه جامعه به اشخاص دارای معلولیت تبعیض آمیز و تحقیر کننده است و برخی از افراد جامعه آنها را با القاب تبعیض آمیز و تحقیر کننده خطاب می کنند. حتی برخی از خانواده ها، عضو معلول خانواده خود را مایه شرم و ننگ می پندارند و به این دلیل می کوشند که آنها در خانه محصور کنند. به همین گونه کارمندان ادارات عامه نیز با اشخاص دارای معلولیت برخورد تبعیض آمیز دارند و با آنها مانند سایر اشخاص برخورد نمی کنند.

پس از تسلط طالبان در آگست 2021 میلادی، کمک های بین المللی به مراکز صحتی افغانستان کاهش یافت. همانطوری که قبلاً گفته شد 364 مرکز صحتی بسته شده و 220 مرکز صحتی دیگر به دلیل کاهش کمک های بین المللی در معرض بسته

¹³¹ بیانیه سازمان ملل متحد در افغانستان به مناسبت روز جهانی افراد دارای معلولیت، سوم دسامبر 2025، قابل دسترسی در این لینک:

<https://unama.unmissions.org/en/press-releases/un-afghanistan-statement-occasion-international-day-persons-disabilities>

¹³² موسسه ابتکار رهیاب، "وضعیت حقوق بشر اشخاص دارای معلولیت در افغانستان (2021 تا 2025): صحت، آموزش، اشتغال و دسترسی به عدالت"، صفحات 13 و 14

شدن قرار دارد و یک تعداد مراکز صحتی در سالهای قبل مسدود گردیده و میلیون ها تن از مراقبت های صحتی اولیه محروم گردیده اند. این وضعیت، ارائه خدمات توان بخشی به اشخاص دارای معلولیت با چالش جدی مواجه می کند.

در حال حاضر تنها کمیته بین المللی صلیب سرخ (ICRC) مانند گذشته بزرگترین ارائه دهنده خدمات توان بخشی به اشخاص دارای معلولیت در افغانستان است. مراکز توان بخشی کمیته بین المللی صلیب سرخ در سالهای اخیر به دهها هزار نفر خدمات چون ساخت و ارائه اعضای مصنوعی، وسایل کمکی، فیزیوتراپی و تجهیزات کمکی ارائه نموده است. بررسی ها نشان می دهد که ظرفیت کمیته بین المللی صلیب سرخ به چند مرکز محدود می شود و این مراکز به تنهایی قادر به پاسخگویی به تمام نیازمندیها نیست¹³³.

غلام سخی یکی از افراد دارای معلولیت در مصاحبه با مرکز حقوق بشر افغانستان گفت که وی از ناحیه پای معلول است و پای مصنوعی اش بعد از ده سال شکست. او دو ماه پیش برای گرفتن یک پای مصنوعی به کمیته بین المللی صلیب سرخ در کابل مراجعه کرد. کمیته بین المللی صلیب سرخ پای مصنوعی را برای وی فراهم کرد؛ اما غلام سخی می گوید که کیفیت آن پایین است و پای او را اذیت می کند. او دوباره به کمیته بین المللی صلیب سرخ مراجعه کرد ولی به او گفته شد که به دلیل کمبود بودجه، آنها از مواد با کیفیت پایین برای ساخت پای مصنوعی استفاده شده است و پای مصنوعی فراهم شده را باید بپذیرد و بهتر از آن امکان ندارد.

در دوره جمهورییت علاوه بر کمیته بین المللی صلیب سرخ، کمیته سویدن نیز در ارائه خدمات مانند فیزیوتراپی، ساختن اندام مصنوعی و تهیه وسایل کمکی، آموزش های ویژه، آموزش مهارت ها به اشخاص دارای معلولیت در افغانستان فعالیت داشت؛ اما در ماه مارچ 2024 میلادی فعالیت های این موسسه متوقف گردید. طالبان در واکنش به سوزندان قرآن در سویدن، دفاتر کمیته سویدن را در افغانستان مسدود کرد. کمیته سویدن بیش از چهار دهه در افغانستان در عرصه های صحتی، آموزش و عمرانی فعالیت داشت. با ممنوعیت فعالیت کمیته سویدن، هزاران نفر به شمول اشخاص دارای معلولیت از خدمات آن موسسه محروم گردید.

همانطوری که قبلا گفته شد، مکانیزم های مستقل به ویژه سازمان های مدافع حقوق بشر پس از تسلط طالبان از بین رفتند. سازمان های مستقلی که برای حقوق اشخاص دارای معلولیت دادخواهی می کردند، نیز منحل شدند. اکنون تنها چند سازمان محدود به طور غیر رسمی و پنهانی در کابل و برخی شهرهای بزرگ در زمینه حقوق اشخاص دارای معلولیت فعالیت دارند. اتحادیه ها و انجمن های اشخاص دارای معلولیت که در دوره جمهورییت جواز دریافت کرده بودند، مجوز آنها از سوی مقامات حاکم ملغا اعلام شده است.

از آنجایی که در مجموع وضعیت اقتصادی در افغانستان وخیم تر شده و میزان فقر و بیکاری پس از تسلط طالبان افزایش یافته است، اشخاص دارای معلولیت بیشتر از سایر مردم آسیب پذیر تر گردیده است. احسان کریمی مسوول یکی از موسسات که در زمینه حقوق اشخاص دارای معلولیت در شهر کابل به طور غیر رسمی فعالیت دارد، اظهار نمود که اشخاص دارای معلولیت فقیر تر از گذشته شده است. وی گفت که تعداد گداهای که معلولیت دارند و در کنار جاده های شهر دست به گدایی می زنند، در سالهای اخیر بیشتر شده است.

در دوره جمهورییت، به اشخاص دارای معلولیت ماهانه مبلغ 5000 افغانی به حیث معاش به آنها داده می شد. این حقوق بر اساس قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت بدون تبعیض به همه اشخاص دارای معلولیت داده می شد. اما پس از تسلط طالبان، این مبلغ کاهش یافت. مقامات حاکم قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت را ملغا نموده و در عوض آن، یک طرزالعمل را در ماه فبروری 2022 میلادی به تصویب رسانده است. این طرزالعمل به طور آشکار میان

اشخاص دارای معلولیت تبعیض قایل می شود. بر اساس این طرزالعمل به معلولین متعلق به طالبان که از آن به نام "معلولین مجاهدین" یاد می شود، ماهانه مبلغ 5000 تا 15000 افغانی نظر به شدت معلولیت به آنها داده می شود؛ در حالی که به سایر معلولین بیشتر از 8000 افغانی داده نمی شود. بر اساس این طرزالعمل به افرادی که معلول متولد شده و یا در اثر مریضی و یا حوادث طبیعی معلول شده اند، مبلغ 2000 تا 3000 افغانی نظر به شدت معلولیت آنها، داده می شود.

در این طرزالعمل، واژه "معاش" حذف شده و به جای آن "اعانه" آورده شده است که این واژه بار الزامیت نداشته و بیشتر جنبه کمکی دارد. در سال 2025 میلادی مقامات حاکم نتوانستند معاش چندین ماه اشخاص دارای معلولیت را به دلیل کمبود بودجه پردازند. معلومات به دست آمده از کابل نشان می دهد که مقامات حاکم به دلیل کمبود بودجه قصد ندارند که معاش سه ماه زمستان امسال را به اشخاص دارای معلولیت پردازند.

گزارش های زیادی وجود دارد که مقامات حاکم، در پرداخت این حقوق میان اشخاص دارای معلولیت به دلیل جنسیت، قومیت و سایر تعلقات مورد تبعیض قرار می دهند. احسان کریمی مسوول یکی از موسسات که در زمینه حقوق اشخاص دارای معلولیت فعالیت دارد، گفت که نیروهای امنیتی دولت پیشین که معلولیت دارند، در هنگام مراجعه به ادارات دولتی مورد آزار و اذیت و توهین قرار می گیرند. آقای کریمی افزود که اشخاص دارای معلولیت متعلق به اقوام غیر پشتون توسط مقامات حاکم مورد تبعیض قرار می گیرند و بسیاری از آنها به دلیل قومیت شان از معاش ماهانه محروم می شوند و یا با پیگیری ها و تلاش های زیاد با تاخیر معاش شان را می گیرند. آقای کریمی می گوید که زنان هزاره که دارای معلولیت است به دلایل زن بودن، هزاره بودن و معلولیت داشتن، بیشتر از هرکسی دیگر مورد تبعیض قرار می گیرند.

کودکان بخشی بزرگی از افراد دارای معلولیت در افغانستان را تشکیل می دهد. ماین ها و اشیای منفجره باقی مانده از جنگ، هنوز قربانی می گیرد و بیشتر قربانیان را کودکان تشکیل می دهد. کودکان معلول نیز از جانب خانواده ها، جامعه و ادارات عامه مورد تبعیض و بی توجهی قرار می گیرند. کودکان نابینا و ناشنوا و کودکان که دارای معلولیت ذهنی هستند، لازم به خدمات ویژه آموزشی مانند خط بریل و زبان اشاره دارند. مقامات حاکم در مورد ارائه خدمات آموزشی ویژه برای چنین کودکان کاملاً بی توجه هستند. از جانب دیگر کاهش کمک های بین المللی سبب کاهش فعالیت نهادهای ملی و بین المللی در این زمینه گردیده است.

نبود برنامه ها و خدمات حمایتی کافی برای افراد دارای معلولیت سبب می شود که این افراد در حاشیه قرار بگیرند و نتوانند مهارت های شان را ارتقا داده و در تصمیم گیری ها سهم موثر بگیرند. برای ساختن افغانستان با ثبات، مرفه و عادلانه لازم است که افراد دارای معلولیت در همه عرصه های زندگی فردی و اجتماعی شامل گردند و در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری ها سهم بگیرند.

فصل نهم: حسابدهی، عدالت انتقالی و حسابدهی بین المللی

بیش از چهار دهه است که جنگ و نا امنی در افغانستان جریان دارد. در جریان اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی، جنگ های داخلی، حاکمیت اول طالبان، دوره جمهوریت و اکنون در دوره دوم حاکمیت طالبان، هزاران نفر کشته و زخمی شدند و میلیون ها تن دیگر در کشورهای دیگر مهاجر و یا در داخل کشور بیجا شده اند. این جنگ ها پیامدهای به شدت زیانبار بر تمام عرصه های زندگی مردم افغانستان گذاشته است.

در جریان این جنگ ها، قوانین و اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی نقض گردید و احزاب و گروه های مختلف افغانستان و در برخی از جنگ ها سربازان خارجی دخیل در منازعه افغانستان مرتکب جنایت جنگی شدند. حتی برخی از گروه های مسلح مرتکب جنایت علیه بشریت شدند. به طور مشخص گروه داعش شاخه خراسان اقلیت قومی و مذهبی هزاره های شیعه را

به طور سیستماتیک، هدفمند و گسترده مورد هدف حملات خود قرار داده که ممکن است از جمله مصادیق نسل‌کشی محسوب شود.

با وجودی که این همه جنایات در افغانستان ارتکاب یافته و هنوز هم ادامه دارد، هیچ شخصی و یا گروهی به طور رسمی از سوی نهادهای عدلی و قضایی داخلی و خارجی مورد بازداشت و محاکمه قرار نگرفته است. متهمان چنین جنایات از تداوم فرهنگ معافیت از مجازات سود برده و هم‌چنان به جنایات خود ادامه می‌دهند. این وضعیت سبب شده است که چرخه خشونت و جنایت در طول چهار دهه گذشته ادامه یابد. تا اکنون نیز چشم انداز رسیدگی به جنایات ارتکاب یافته چندان روشن نیست؛ درحالی که قربانیان جنگ هنوز انتظار دارند که عدالت در مورد آنها تامین گردد.

از اواخر سال 2001 تا 2021 میلادی تلاش‌های صورت‌گرفت تا به جنایات گذشته رسیدگی شود. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال 2005 میلادی یک مشوره ملی را راه‌اندازی نمود. دریافت‌های این مشوره ملی تحت عنوان "صدای مردم برای عدالت" به نشر رسید که بر اساس آن اکثریت مطلق افغانستان خواهان رسیدگی به جنایات گذشته شدند. سپس بر مبنای این مشوره ملی، برنامه عمل "صلح، آشتی و عدالت" توسط دولت افغانستان به تصویب رسید که مشهور به برنامه عدالت انتقالی بود. بر اساس این برنامه عمل، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در مورد جنایات گذشته را مستندسازی نموده و گزارش ترسیم‌منزعه را تهیه نمود. مستندسازی قضایا و تهیه گزارش یکی از فعالیت‌های کلیدی این برنامه عمل بود. سایر فعالیت‌های کلیدی که مسوولیت آنها به عهده دولت افغانستان بود، به خاطر ملاحظات سیاسی اجرا نگردید. از آنجایی که برخی از متهمان جنایت جنگی در قوه اجراییه و قوه مقننه حضور داشتند، ریاست جمهوری افغانستان را تحت فشار قرار دادند که تا این برنامه عمل تطبیق نگردد. در سال 2010 میلادی شورای ملی افغانستان "قانون مصالحه ملی و عفو عمومی" را به تصویب رساند که بر اساس آن متهمان به جنایات جنگی مورد عفو قرار می‌داد. تصویب این قانون، "برنامه عمل صلح، آشتی و عدالت" را خنثی نمود و تامین عدالت را ناممکن ساخت.

دوره جمهوریت در عرصه قانون‌گذاری و برخی اصلاحات در ارگانهای عدلی و قضایی کشور به وجود آمد. در سال 2017 میلادی قانون جزایی افغانستان اصلاح شد و جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، جنایت نسل‌کشی مطابق اساسنامه ژنوا جرم‌انگاری گردید. قانون جزا در سال 2018 میلادی تصویب شد و نافذ گردید. علاوه بر آن، یک دپارتمنت ویژه برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی در اداره لوی سارنوالی ایجاد گردید. در ستره محکمه نیز دیوان امنیت عامه وجود داشت. باوجود این اصلاحات و ساختارها در مکانیزم‌های عدلی و قضایی افغانستان، ارگانهای عدلی و قضایی موفقیت لازم در رسیدگی به جرایم سنگین مانند جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت نداشت.

پس از تسلط طالبان در 2021 میلادی، نظام عدلی و قضایی افغانستان کاملاً دگرگون شد. قانون اساسی و بسیاری قوانین دیگر که اغلباً با کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر سازگاری داشت، ملغاً شد. مقامات حاکم اعلان کردند که به جای قانون اساسی و سایر قوانین، از فقه اسلامی پیروی خواهند کرد. پارلمان افغانستان به حیث قوه مقننه منحل گردید. ارگانهای عدلی و قضایی نیز دچار تحول بنیادین شد. ملاهای که اغلباً اعضای طالبان هستند و فاقد تحصیلات آکادمیک هستند، به حیث قضات در ستره محکمه و سایر محاکم و هم‌چنین سارنوالی‌ها مقرر شدند.

نهادهای مستقل مانند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از سوی طالبان منحل شد و سایر نهادهای جامعه مدنی و حقوق بشر از بین رفتند. علاوه بر آن، رسانه‌های مستقل نیز با سانسور شدید مواجه هستند. دستاوردهای آزادی بیان کاملاً از بین رفته است. خبرنگارانی که خلاف پالیسی طالبان عمل کنند، با تهدید، شکنجه و قتل مواجه می‌شوند. اکنون هیچ نوع مکانیزم نظارتی که ارگانهای عدلی و قضایی طالبان را پاسخگو بسازد در داخل کشور فعالیت ندارد.

یگانه روزنه امید برای تامین عدالت در افغانستان، مکانیزم‌های حقوقی بین‌المللی مثل محکمه جزایی بین‌المللی (ICC) و محکمه بین‌المللی عدالت (ICJ) هستند. افغانستان در ماه می سال 2003 میلادی عضویت محکمه جزایی بین‌المللی (ICC)

را حاصل نمود. این محکمه ارزیابی اولیه خود از وضعیت افغانستان را از سال 2007 میلادی آغاز کرد و بعد از سال 2011 میلادی هر سال یک گزارش مختصر در مورد افغانستان نشر کرده است. براساس گزارش های مقدماتی این محکمه، دفتر سارنوالی این محکمه، ارتکاب قضایای جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در افغانستان را مورد تحقیق قرار داده است. متأسفانه دولت پیشین افغانستان و همکاران بین المللی آن همکاری لازم را با محکمه جزایی بین المللی انجام نداد.

پس از تسلط طالبان در 2021 میلادی، رابطه محکمه جزایی بین المللی با افغانستان کاملاً دگرگون شد و همکاری های اندکی از افغانستان با محکمه وجود داشت، کاملاً از بین رفت. به تاریخ 31 اکتوبر 2022 میلادی قضات محکمه جزایی بین المللی اعلام کردند که تحقیقات دفتر سارنوالی این محکمه در مورد جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در افغانستان از سر گرفته می شود؛ در حالی که سارنوالی این محکمه جرایم ارتکاب یافته توسط نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای بین المللی را اولویت نمی دهد و در عوض به جرایم ارتکاب یافته توسط طالبان و گروه داعش تمرکز خواهد کرد.

محکمه جزایی بین المللی تحقیقات خود را بیشتر به جرایم ارتکاب یافته توسط طالبان در مورد زنان افغانستان تمرکز کرد. سارنوالی محکمه در ماه جنوری 2025 میلادی از دیوان مقدماتی این محکمه خواست که حکم بازداشت ملا هیبت الله رهبر ارشد طالبان و عبدالحکیم حقانی رییس ستره محکمه را به دلیل ارتکاب آزار و اذیت زنان (gender-based persecution) صادر نماید. دیوان مقدماتی محکمه به تاریخ 8 جولای 2025 میلادی حکم بازداشت رهبر طالبان و قاضی القضاة طالبان را بر اساس ماده 7 بند 1 و فقره (ح) اساسنامه رم صادر کرد. در حکم دیوان مقدماتی محکمه جزایی بین المللی آمده است که "دلایل معقول وجود دارد که این دو رهبر طالبان با صدور دستور، ترغیب یا درخواست، مرتکب جرم "آزار و اذیت" به عنوان جنایت علیه بشریت بر اساس ماده 7، بند 1، فقره (ح) اساسنامه رم شده اند. این آزار و اذیت هم بر مبنای جنسیت در برابر دختران، زنان و سایر افرادی که با پالیسی طالبان در مورد جنسیت، هویت جنسیتی یا بیان جنسیت همخوانی ندارند، و هم بر مبنای گرایش سیاسی در برابر افرادی که هم پیمان دختران و زنان پنداشته می شود، اعمال شده است..."¹³⁴

این اولین بار در تاریخ افغانستان است که حکم بازداشت دو شهروند افغانستان به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت از سوی یک محکمه بین المللی صادر می شود. محکمه جزایی بین المللی اعلان کرد که در مورد سایر رهبران طالبان نیز تحقیقات جریان دارد و ممکن است که حکم بازداشت افراد بیشتری صادر شود. هرچند تحقیقات فعلی محکمه جزایی بین المللی بر وضعیت حقوق زنان متمرکز است؛ اما لازم است تا سایر جنایات ارتکاب یافته تحت پوشش اساسنامه رم مورد تحقیق قرار بگیرد. مرکز حقوق بشر افغانستان امیدوار است که محکمه جزایی بین المللی همه قضایای جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت و هم چنان قضایای نسل کشی هزاره ها که از سال 2003 میلادی به این سو ارتکاب یافته مورد تحقیقات گسترده و جامعه قرار داده و مرتکب را مورد پیگرد عدلی قرار دهند.

باوجودی که در عمل بازداشت این دو رهبر طالبان در شرایط فعلی دشوار است؛ اما این اقدام محکمه جزایی بین المللی برای آینده عدالت در افغانستان بسیار امیدوار کننده است. حداقل، این اقدام محکمه در مورد دو رهبر طالبان بیانگر این است که صدای قربانیان شنیده می شود و این مایه دلگرمی برای مدافعان حقوق بشر است.

انتظار می رفت که صدور حکم بازداشت دو رهبر طالبان توسط محکمه جزایی بین المللی، مقامات طالبان را تحت فشار قرار دهد تا بیشتر از این مرتکب جنایت نشوند؛ اما در عمل دیده می شود که مقامات طالبان هم چنان به جنایات خود ادامه می

¹³⁴ محکمه جزایی بین المللی، "شعبه دوم دیوان مقدماتی محکمه جزایی بین المللی حکم بازداشت هبت الله آخوند زاده و عبدالحکیم حقانی را صادر کرد"، 8 جولای 2025، قابل دسترس در این لینک: <https://www.icc-cpi.int/news/situation-afghanistan-icc-pre-trial-chamber-ii-issues-arrest-warrants-haibatullah-akhundzada>

دهند. هرچند از لحاظ سیاسی، مقامات حاکم بیشتر از گذشته با انزوای بین‌المللی مواجه شده‌اند؛ اما در وضعیت حقوق بشر نه تنها که بهبود به میان نیامده؛ بلکه وخیم‌تر شده است.

محکمه بین‌المللی عدالت (ICJ) مکانیزم بین‌المللی دیگری است که می‌تواند به قضایای جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در افغانستان رسیدگی کند در ماه سپتامبر 2024 میلادی، دولت‌های استرالیا، کانادا، جرمنی و هالند اعلان کردند که آنها گام‌های رسمی را برداشته‌اند تا از افغانستان بخواهند به نقض کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض علیه زنان پایان دهند.¹³⁵ آنها اعلان کردند تصمیم دارند که علیه افغانستان به دلیل نقض کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض علیه زنان در محکمه بین‌المللی عدالت دعوا نمایند.¹³⁶ اگر این اقدام صورت بگیرد، این نخستین قضیه در رابطه با کنوانسیون بین‌المللی منع هر نوع تبعیض علیه زنان در محکمه بین‌المللی عدالت که عالی‌ترین مرجع قضایی سازمان ملل متحد است، به شمار خواهد رفت.

محکمه بین‌المللی عدالت دو نقش اساسی دارد: نخست حل و فصل اختلافات حقوقی میان دولت‌ها مطابق حقوق بین‌المللی که به آن ارجاع می‌شود و دوم ارائه نظریات مشورتی در مورد مسایل حقوقی که از سوی ارگانهای ذیصلاح سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی آن به محکمه ارجاع می‌گردد. محکمه بین‌المللی عدالت به دعاوی افراد رسیدگی نمی‌کند؛ بلکه به دعاوی دولت علیه یک دولت دیگر رسیدگی می‌کند. در صورتی که قضیه افغانستان به محکمه بین‌المللی عدالت مورد رسیدگی قرار گیرد، افغانستان اولین کشوری خواهد بود که به دلیل تبعیض علیه زنان به این محکمه احضار می‌گردد.

طبق قواعد حقوق بین‌المللی، دولت‌های عضو کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض علیه زنان می‌توانند تا علیه افغانستان که عضویت این کنوانسیون را کسب کرده ولی به طور گسترده و سازمان‌یافته آن را نقض می‌کند، در محکمه بین‌المللی عدالت دعوا بازکنند. اما حاکمیت طالبان هنوز از سوی سازمان ملل متحد و سایر دولت‌ها به رسمیت شناخته نشده است. با جودی که حاکمیت طالبان به رسمیت شناخته نشده؛ قضیه افغانستان به حیث عضو کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض علیه زنان توسط محکمه بین‌المللی عدالت قابل رسیدگی است. مقامات حاکم بدون در نظر داشت اینکه به رسمیت شناخته شده‌اند یا خیر، مکلف به رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی که افغانستان عضویت آن را حاصل نموده است، می‌باشد.

هرچند چنین قضیه‌ای از منظر حقوق بین‌المللی پیچیده و زمان‌بر خواهد بود؛ اما رسیدگی به این قضیه می‌تواند تأثیر معنادار به جا بگذارد. این اقدام با درخواست‌های زنان و دختران افغانستان برای عدالت خواهی هم‌خوانی دارد و می‌تواند امیدواری‌ها برای تأمین عدالت و بازگرداندن حقوق اساسی زنان در افغانستان را افزایش دهد.

مکانیزم دیگری که در سطح بین‌المللی برای حفاظت از حقوق بشر وجود دارد، سازمان ملل متحد و سازوکارهای تحت مدیریت آن است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 2005 میلادی اصول مسوولیت حفاظت (Responsibility to Protect) را تصویب کرد. براساس اصول مسوولیت حفاظت، در صورتی که دولتی نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد که شهروندان خود را از جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و پاکسازی قومی حفاظت کند، جامعه جهانی از طریق سازمان ملل متحد مسوولیت دارد تا در این زمینه اقدام و مداخله نماید.¹³⁷ اقدامات سازمان ملل متحد می‌تواند شامل

¹³⁵ فوربس، "طالبان باید به محکمه بین‌المللی عدالت احضار شوند"، 26 سپتامبر 2024، جزئیات بیشتر در این لینک:

<https://www.forbes.com/sites/ewelinaochab/2024/09/26/the-taliban-to-be-taken-before-the-international-court-of-justice/>

¹³⁶ موسسه حقوق بشر انجمن بین‌المللی وکلای مدافع (IBAHRI)، پس از چهار سال حکومت طالبان رژیم اپارتاید جنسیتی را در افغانستان برجسته می‌کند، "29 اگست 2025، قابل دسترس در این لینک: <https://www.ibanet.org/IBAHRI-highlights-gender-apartheid-regime-in-Afghanistan-after-four-years-under-Taliban>

¹³⁷ سازمان ملل متحد، مجمع عمومی، قطعنامه تصویب شده توسط مجمع عمومی مورخ 16 سپتامبر 2005، پاراگراف 139، A/RES/60/1

استفاده از وسایل و روش های دیپلماتیک، بشردوستانه و سایر وسایل مسالمت آمیز براساس چپتر 6 و 8 منشور این سازمان باشد. در صورتی که همه اقدامات و روشهای دیپلماتیک و بشردوستانه برای حفاظت از گروههای در معرض خطر موثر واقع نشود، سایر اقدامات مانند تحریم های اقتصادی، ارجاع قضیه به محکمه جزایی بین المللی (ICC) و در نهایت استفاده از نیروهای نظامی توسط شورای امنیت ملل متحد در نظر گرفته می شود¹³⁸.

ماموریت های حقیقت یاب و کمیسیون های تحقیق در مورد قضایای سنگین نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی توسط ارگانهای مختلف متعلق به سازمان ملل متحد بر اساس صلاحیت های خود تشکیل دهند. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به تاریخ 6 اکتوبر 2025 میلادی با تصویب یک قطعنامه، ایجاد سازوکار مستقل تحقیقی برای بررسی نقض حقوق بشر در افغانستان را تایید کرد. این سازوکار مستقل تحقیقی برای افغانستان، به منظور گردآوری، تلفیق، حفظ و تحلیل اسناد، مدارک و شواهد نقض حقوق بشر و جنایات بین المللی به شمول جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت ایجاد گردید. این سازوکار مستقل تحقیقی برای نقض حقوق بشر در افغانستان هنوز شروع به فعالیت نکرده است.

علاوه بر آن، شورای حقوق بشر ملل متحد در ماه آپریل 2022 میلادی ریچارد بنت را به حیث گزارشگر ویژه برای حقوق بشر در افغانستان تعیین کرد. ماموریت گزارشگر ویژه تا اکنون در مستندسازی قضایای نقض حقوق بشر در افغانستان بسیار موثر بوده است. هرکدام از سازوکارهای فوق از لحاظ صلاحیت های حقوقی و از لحاظ عملی با چالش ها و محدودیت هایی مواجه هستند. هماهنگی میان ماموریت گزارشگر ویژه، سازوکار تحقیقی مستقل و تحقیقات محکمه جزایی بین المللی و محکمه بین المللی عدالت برای مستندسازی قضایا، نگهداری، تحلیل داده ها حیاتی و ضروری است. این سازوکارهای چهارگانه می توانند از طریق هماهنگی ها ماموریت های یکدیگر را تقویت و وضعیت را به طور دقیق مورد ارزیابی قرار دهند. چنین راهبرد یکپارچه می تواند برای دستیابی به عدالت در افغانستان نوید بخش باشد.

بدون همکاری نهادهای مدنی افغانستان که در خارج از کشور فعالیت دارند (دیاسپورا)، سازوکاری های بین المللی موثریت نخواهد داشت. همکاری نهادهای مدنی دیاسپورا در جمع آوری اسناد، مدارک و شواهد، تحلیل و بررسی قضایا بسیار حیاتی است. از آنجایی که نهادهای مدنی دیاسپورا سال های طولانی در داخل افغانستان تجربه کاری دارند، واقعیت های جاری در افغانستان را بهتر درک می کنند و تحلیل واقعی تر ارائه می کنند. این نهادها در طول چهار سال گذشته تلاش کرده اند که در زمینه مستندسازی قضایا کار کنند و برای تامین عدالت دادخواهی کرده اند.

در آخر، اما مهمتر از همه اینکه همکاری قربانیان در تامین عدالت و موثریت سازوکارهای بین المللی رسیدگی به قضایا بسیار حیاتی است. باید روایت های قربانیان شنیده شود و اینکه آنها از سازوکارهای بین المللی عدالت چه می خواهند. شنیدن صدای قربانیان بخشی از پروسه عدالت است.

برای رسیدگی به قضایای جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل کشی در افغانستان، لازم است که همکاری و هماهنگی همه جانبه میان تمامی دست اندرکاران به شمول محکمه جزایی بین المللی، محکمه بین المللی عدالت، سازوکار مستقل تحقیقی، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در افغانستان، نهادهای مدنی افغانستان و قربانیان ایجاد گردد. علاوه بر آن، سازمان ملل متحد و به طور مشخص شورای حقوق بشر صلاحیت و منابع لازم را در اختیار سازوکارهای مربوط به ملل متحد را تامین نماید و در سیاست گذاری ها خود در قبال افغانستان جدی تر از قبل عمل نماید.

¹³⁸ مرکز جهانی برای مسوولیت حفاظت، "مسوولیت حفاظت چیست"، معلومات بیشتر در این لینک: <https://www.global2p.org/publications/the-responsibility-to-protect-a-background-briefing/>

فصل دهم: نقشه راه، جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر

با در نظر داشت اینکه وضعیت حقوق بشر در افغانستان به ویژه حقوق زنان به طور گسترده و سازمان یافته توسط مقامات حاکم نقض می گردد، ضرورت است که برای آینده حقوق بشر یک نقشه راه مورد بحث قرار بگیرد. هرچند ارائه نقشه راه جامع با در نظر داشت شرایط کنونی دشوار است؛ اما می توان روی آن بحث کرد تا سایر دست اندرکاران نیز در این مورد توجه کنند و برای غنای و کاهش نواقص آن طرح ارائه کنند.

در شرایط حاضر، فعالیت در عرصه حقوق بشر در افغانستان دو بخش دارد و هر دو بخش چالش های خود را دارد. یکی کار از بیرون کشور است که چالش هایی خود را دارد و دیگری کار در داخل کشور که با چالش های زیادی به ویژه چالش امنیتی مواجه است. بنابر این، فعالیت در عرصه حقوق بشر در افغانستان به دلایل متعدد به ویژه خطرات امنیتی بسیار دشوار است. چنین وضعیت، سازمان حقوق بشری را با محدودیت ها و چالش های جدی رو به رو کرده است.

بسیاری از مدافعان حقوق بشر که تجربه و مهارت داشتند، از افغانستان خارج شده اند و مکانیزم های مستقل و نظارت کننده نیز از منحل شده و یا از فعالیت بازمانده اند. به همین دلیل، دسترسی به اطلاعات دقیق در داخل کشور بسیار دشوار است. علاوه بر آن، به دلیل خطرات امنیتی هرکس حاضر نیست که در عرصه حقوق بشر فعالیت کند؛ اما با وجود این همه چالشها، کار در عرصه حقوق بشر ناممکن نیست.

یکی از ضعف های سازمان های حقوق بشری افغانستان که در خارج از کشور فعالیت دارند (دیاسپورا)، نداشتن مهارت کافی کار از راه دور است. علاوه بر اینکه تعداد این سازمان ها اندک است؛ این سازمان ها هنوز تجربه و مهارت کافی برای تامین ارتباط با قربانیان و شاهدان در داخل کشور، جمع آوری مدارک و شواهد قضایی نقض حقوق بشر را ندارند. هم چنین، ناظران محلی در داخل افغانستان نیز تجربه و مهارت کافی برای کار در شرایط دشوار امنیتی را ندارند. بنابر این خطر اینکه افشاء شوند و توسط حاکمان فعلی مورد پیگرد قرار بگیرند، بالا است.

اصل ضرر نرسانیدن (Do Not Harm) در شرایط دشوار فعلی باید همیشه در مرکز فعالیت های حقوق بشری قرار بگیرد. سازمان های حقوق بشر نه تنها که این اصل مهم را در مورد کارمندان خود، بلکه در مورد قربانیان، شاهدان و سایر کسانی که در جمع آوری اسناد و شواهد همکاری می کنند، در نظر بگیرند.

علاوه بر آن، سازمان های حقوق بشر افغانستان آگاهی کافی از تروما ندارند. ممکن است که در هنگام مصاحبه با قربانیان این موضوع را در نظر نگیرند و استندردهای حقوق بشری را نقض کنند. لازم است که کارمندان این سازمان در مورد تروما آگاهی حاصل کنند و در هنگام جمع آوری معلومات و مصاحبه با قربانیان این موضوع مهم را در نظر بگیرند.

مرکز حقوق بشر افغانستان با توجه به وضعیت حقوق بشر تحت حاکمیت طالبان نقشه راه ذیل را به طور پیشنهاد ارائه می نماید. این نقشه راه استراتژیک به طور گسترده با نهادهای مدنی و مدافعان حقوق بشر افغانستان و شرکای بین المللی مورد بحث قرار خواهد گرفت و در مشوره با آنها نهایی و اجرایی خواهد شد.

دیدگاه: افغانستان آزاد که مردم آن از حقوق و آزادیهای بشری خود برخوردار بوده و در صلح زندگی می کنند.

ماموریت: تلاش برای انکشاف و حفاظت از حقوق بشر در افغانستان

هدف: تقویت و حفاظت از آزادی ها و حقوق بشری افراد در کشور از طریق نظارت و دادخواهی برای حقوق بشر

فعالیت های کلیدی:

فعالیت کلیدی اول: ایجاد انسجام و هماهنگی میان نهادهای مدنی و مدافعان حقوق بشر که در خارج از کشور به سر می‌برند.

فعالیت کلیدی دوم: نظارت از وضعیت حقوق بشر در افغانستان به شمول گردآوری اسناد، مدارک و شواهد قضایی نقض حقوق بشر، تحلیل و نگهداری این اطلاعات

فعالیت کلیدی سوم: دادخواهی از طریق شبکه سازی در سطح بین‌المللی از طریق راه‌اندازی کانفرانس‌ها، سیمینارها و گفت‌وگو با ارگانهای مختلف سازمان ملل متحد، سازوکارهای عدلی بین‌المللی، سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و مقامات کشورهای که در افغانستان موثر هستند.

فعالیت کلیدی چهارم: آگاهی دهی از طریق راه‌اندازی گفت‌وگوها از طریق آنلاین (وبینار) در رسانه‌های مستقل که در خارج از کشور فعالیت دارند.

فعالیت کلیدی پنجم: هماهنگی و همکاری با مکانیزم‌های عدلی بین‌المللی به شمول محکمه جزایی بین‌المللی و محکمه بین‌المللی عدالت و سازوکارهای تحقیقی سازمان ملل متحد. نهادهای مدنی و مدافعان حقوق بشر افغانستان اسناد، مدارک و شواهد قضایی نقض حقوق بشر را به این مکانیزم‌های بین‌المللی تسلیم نموده و برای تحلیل این اطلاعات با این مکانیزم‌ها همکاری لازم می‌نمایند.

فعالیت کلیدی ششم: ارتقای ظرفیت سازمان‌های حقوق بشری و ناظران محلی برای کار از راه دور در شرایط دشوار امنیتی به منظور کاهش خطرات امنیتی و نظارت موثر و جمع‌آوری معلومات دقیق و مدارک و شواهد قابل اعتبار برای مستندسازی قضایی نقض حقوق بشر. ارتقای آگاهی در مورد تروما و انجام مصاحبه‌های مسلکی با قربانیان نقض حقوق بشر.

فصل یازدهم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با در نظرداشت اطلاعات ارائه شده در فصل‌های مختلف این گزارش، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت حقوق بشر در افغانستان تحت حاکمیت طالبان در طول چهار سال گذشته بسیار وخیم گردیده و مقامات حاکم به طور سازمان یافته وضعیت را از این هم بدتر خواهد کرد. اگر در سیاست‌های فعلی طالبان کدام تغییری به وجود نیاید، مردم افغانستان با یک بحران بشری غیر قابل‌تصور مواجه خواهند شد. پیامدهای زیانبار سیاست‌های فعلی طالبان در قبال آزادی‌ها و حقوق بشری مردم افغانستان تا سالهای طولانی غیر قابل‌جبران است.

با در نظرداشت پالیسی‌ها و عملکرد طالبان در طول چهار سال گذشته، مقامات حاکم نه تنها که از سیاست‌های ضد حقوق بشری خود عقب‌نشینی نکرده‌اند، بلکه روز به روز برای نقض حقوق بشر و محدودیت آزادی‌های اساسی مردم، تلاش می‌کنند و وضعیت را بدتر می‌سازند. بنابراین، در حال حاضر هیچ نوع امیدی برای تغییر سیاست‌های فعلی مقامات حاکم وجود ندارد.

مقامات طالبان از آگست 2021 میلادی تا آخر سال 2025 میلادی، 251 فرمان، طرزالعمل و دستورهای کتبی و شفاهی به منظور محدود کردن آزادی‌ها و حقوق بشری مردم افغانستان صادر نموده است که اکثریت این فرامین مربوط به حقوق زنان و دختران می‌باشد. در طول سال 2025 میلادی، مقامات حاکم 25 فرمان و طرزالعمل محدود کننده حقوق بشری افراد صادر کردند و صدها حکم قضایی برای مجازات بدنی افراد صادر کردند و در اثر آن 1087 نفر در محضر عام شلاق زده شدند. در طول سال 2025 میلادی 5 تن در محضر عام اعدام شدند.

کشوری است که بدون قانون اساسی اداره می شود. قانون اساسی مصوب 2004 و اکثریت سایر قوانین که در دوره جمهوری به تصویب رسیده بود، ملغا اعلام شده است. تقریباً همه قوانین، فرامین و طرزالعمل های صادر شده از جانب مقامات حاکم، خلاف کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر است.

زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، با شدیدترین سرکوب ها و محدودیت ها مواجه هستند که تا حال در هیچ کشوری نظیر آن دیده نشده است. زنان افغانستان با تبعیض سیستماتیک، گسترده و سازمان یافته مواجه هستند. سیاست های تبعیض آمیز و سرکوب کننده مقامات حاکم، زنان افغانستان را تقریباً از همه عرصه های زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حذف کرده است. مقامات حاکم، تقریباً هر تصویری از آزادی و حقوق بشری زنان در ذهن داشته اند، برای آن محدودیت وضع کردند. این وضعیت را شاید هیچ اصطلاحی به جزء "اپارتاید جنسیتی" نتواند توصیف کند.

اقلیت های قومی و مذهبی نیز به طور سازمان یافته با سرکوب، تبعیض، تهدید، قتل، کوچ اجباری و غصب ملکیت ها مواجه هستند. کارکنان هزاره تقریباً از تمامی ادارات عامه برکنار شده اند. زمین ها و جایدادها هزاره ها در برخی ولایات با تهدید و با استفاده از زور اسلحه مورد غصب قرار گرفته و به افراد متعلق به طالبان توزیع می گردد. اقلیت مذهبی اسماعیلی در ولایت شمال شرقی به ویژه در بدخشان نیز به شدت تحت فشار هستند. در طول سال 2025 میلادی گزارش های متعددی وجود دارد که مقامات طالبان اسماعیلی ها را با استفاده از زور به تغییر مذهب وادار کرده اند و کسانی را که مقاومت می کنند، بازداشت و شکنجه نموده و یا هم به قتل می رسانند. سایر اقلیت های مذهبی مانند صوفی ها، احمدیه و مسیحیان نیز از ترس اینکه مورد آزار و اذیت قرار نگیرند، پنهانی زندگی می کنند.

باوجود اینکه مقامات طالبان عفو عمومی اعلان کردند، اما صدها نفر از نیروهای امنیتی پیشین بازداشت، شکنجه و یا به قتل رسیده اند. بررسی ها نشان می دهد که طالبان از فرمان عفو به حیث یک دام برای انتقام از نیروهای امنیتی پیشین استفاده می کنند. نظارت خانه ها و توقیف خانه های طالبان به ویژه نظارت خانه 40 استخبارات طالبان به شکنجه گاه ها تبدیل شده و برخی از افراد در اثر شکنجه شدید جان باخته اند.

وضعیت بد اقتصادی، افزایش فقر، بیکاری، خشکسالی، حوادث طبیعی، برگشت گسترده مهاجران از کشورهای همسایه، نبود حمایت های مالی و غذایی به دلیل کمبود کمک های بین المللی سبب شده است که اکثریت جمعیت افغانستان نیاز به کمک های عاجل بشری داشته باشند. با این وجود، امیدی برای جمع آوری کمک های بین المللی که برای جمعیت نیازمند کافی باشد، وجود ندارد. بنابر این، خطر بحران بشری در افغانستان بسیار جدی است.

باوجودی که محکمه جزایی بین المللی برای رهبر ارشد و قاضی القضاة طالبان به دلیل آزار و اذیت بر مبنای جنسیت که از جمله جنایت علیه بشریت شمرده می شود، صادر کرد، در سیاست طالبان در قبال زنان هیچ نوع تغییری دیده نمی شود. آنها با وقاحت تمام به سیاست های ظالمانه و تبعیض آمیز خود علیه زنان و سایر شهروندان افغانستان ادامه داده اند.

کشورهای عضو سازمان ملل به ویژه کشورهای غربی در قبال افغانستان تحت حاکمیت طالبان سیاست واضح و روشنی ندارند. هرچند حاکمیت طالبان را به رسمیت نشناخته اند؛ اما در برابر سیاست های ضد حقوق بشری طالبان بی تفاوتی و سکوت اختیار کرده اند که برای مردم افغانستان به ویژه زنان که قربانی اصلی هستند، غیر قابل قبول است. برخورد سطحی و انتقادات نرم جامعه جهانی در قبال سیاست های ظالمانه و انحصاری طالبان فرهنگ معافیت را تداوم می بخشد. بسیار حیاتی و ضروری است که همه دست اندرکاران به شمول جامعه جهانی به ویژه کشورهای عضو ناتو از برخورد های گذشته درس بگیرند.

اگر سیاست های جامعه بین المللی در قبال افغانستان تغییر نکند، وضعیت حقوق بشر در این کشور بسیار وخیم خواهد شد و افغانستان به مرکز تروریسم و خشونت تبدیل خواهد شد. کشورهای منطقه و حتی کشورهای غربی از پیامدهای زیانبار

وضعیت کنونی در امان نخواهند ماند. بنابر این، قبل از آنکه دیر شود، لازم است که همه دست اندرکاران به شمول سازمان های بین المللی، نهادهای مدنی و مدافعان حقوق بشر افغانستان، کشورهای ذیدخل در امور افغانستان، وضعیت حقوق بشر در افغانستان به طور جدی پیگیری نموده و به طور مسوولانه در این مورد تصامیم لازم را اتخاذ نمایند.

پیشنهادات:

مرکز حقوق بشر افغانستان با ابراز نگرانی شدید از وضعیت موجود حقوق بشر در افغانستان، پیشنهادات ذیل را برای بهبود وضعیت پیشنهاد می کند:

الف. پیشنهادات به جامعه جهانی و سازمان های بین المللی:

1. رژیم طالبان نباید به عنوان یک دولت مشروع در افغانستان به رسمیت شناخته شود؛ زیرا آنان با استفاده از زور قدرت را به دست گرفته و مردم را زیر تهدید اسلحه خاموش ساخته اند. تحریم ها علیه رهبران طالبان نباید لغو شود، بلکه باید مقامات بیشتری در فهرست تحریم ها افزوده شوند.
2. از عادی سازی نقض حقوق بشر، به ویژه انزوای کامل و تبعیض سیستماتیک علیه زنان در افغانستان، باید جلوگیری شود. بهانه هایی مانند احترام به حاکمیت، فرهنگ و مذهب نباید برای توجیه این وضعیت مورد استفاده قرار گیرد.
3. از سازمان ملل متحد کشورهای عضو آن تقاضا می کنیم که مقامات طالبان از طریق وضع تحریم های سیاسی و اقتصادی تحت فشار قرار دهند تا سیاست های خود را در قبال حقوق بشر تغییر دهند.
4. نقض حقوق بشر و تبعیض شدید علیه زنان باید به عنوان آپارتاید جنسیتی و جنایت علیه بشریت مورد برخورد قرار گیرد. همچنان باید از گنجاندن و تدوین مفهوم آپارتاید جنسیتی در افغانستان در کنوانسیون جنایات علیه بشریت حمایت شود. این اقدام می تواند به پایان دادن به فرهنگ معافیت از مجازات در قبال خشونت های مبتنی بر جنسیت کمک کند.
5. جرم انگاری آپارتاید جنسیتی باید به عنوان یک اولویت توسط سازمان ملل متحد در نظر گرفته شود. حمایت های لازم باید از تلاش های افراد و سازمان های حقوق بشر و حقوق زنان که در این زمینه فعالیت می کنند، فراهم گردد.
6. از جامعه مدنی و گروه های زنان در داخل و خارج از افغانستان حمایت شود تا بتوانند حقوق بشر را ترویج کرده و موارد نقض حقوق بشر علیه زنان و اقلیت ها را مستندسازی کنند. این اسناد می تواند برای افزایش آگاهی درباره وضعیت حقوق بشر در افغانستان و نیز برای تأمین پاسخگویی و ترویج عدالت از طریق سازوکارهای بین المللی عدالت مورد استفاده قرار گیرد.
7. حمایت مالی و سیاسی از محکمه جزایی بین المللی (ICC) و محکمه بین المللی عدالت (ICJ) برای تأمین پاسخگویی در افغانستان بسیار اساسی است؛ زیرا نظام قضایی در داخل کشور نه توانایی و نه اراده لازم برای رسیدگی به این نقض های فاحش حقوق بشر را دارد.
8. از کشورهای که در ماه سپتامبر سال 2025 اعلام نمودند که بر علیه گروه طالبان در محکمه بین المللی عدالت شکایت درج می کنند، می خواهیم که به آن وعده خود عمل نموده و برای گروه طالبان به دلیل نقض گسترده مفاد کنوانسیون منع هرنوع تبعیض علیه زنان، از جمله نقض حق آموزش، پرونده باز کنند. آنها باید با ارزیابی دقیق خطرات تعامل با طالبان و پیامدهای ناخواسته اعطای مشروعیت به طالبان اقدام کنند.

9. کمک‌های بشردوستانه باید همچنان به‌طور عادلانه به مردم نیازمند در افغانستان ارائه و توزیع شود، همراه با نظارت دقیق برای جلوگیری از سوءاستفاده و فساد از سوی رژیم طالبان. سازمان‌های بین‌المللی و ملی غیردولتی باید در صورت مشاهده سوءاستفاده یا فساد، با ارائه اسناد دقیق، صدای خود را از طریق رسانه‌ها بلند کنند.
10. گفت‌وگو با طالبان باید بر اساس اصول و معیارها انجام شود؛ زیرا رویکردهای نرم تاکنون مؤثر نبوده و فشار کافی برای تغییر رفتار آنان ایجاد نکرده است.
11. هماهنگی میان نهادهای مختلف سازمان ملل متحد و سایر ذی‌نفعان بین‌المللی بسیار مهم است تا در تعامل با این رژیم نتایج مؤثرتری به دست آید.
12. از سازمان ملل متحد و کشورهای عضو سازمان ملل متحد تقاضا می‌کنیم که از طریق دیپلماتیک بر طالبان فشار وارد کنند تا سیاست‌های تبعیض آمیز خود علیه هزاره‌ها و سایر اقلیت‌های قومی و مذهبی را لغو کرده و به حقوق بشری آنها احترام بگذارند.
13. از دولت‌های ایران و پاکستان تقاضا می‌کنیم که اخراج اجباری و دسته‌جمعی مهاجران افغان به ویژه افراد دارای مدرک قانونی و اشخاصی که به دلایل امنیتی در افغانستان تحت حاکمیت طالبان در معرض خطر شکنجه و قتل قرار می‌گیرند، متوقف نمایند.
14. از کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR)، یونیسف، کمیته حقوق بشر و شورای حقوق بشر ملل متحد می‌خواهیم که تیم‌های میدانی حقوق بشری به مرزهای افغانستان و ایران و پاکستان اعزام کرده و وضعیت مهاجران را از نزدیک بررسی کنند، گزارش‌های جامع تهیه کرده و وضعیت را به مجامع بین‌المللی ارائه دهند و در عین حال فشارهای سیاسی و حقوقی به ایران و پاکستان وارد کنند تا به تعهدات بین‌المللی خود پایبند باشد.
15. ممنوعیت صدور ویزا برای شهروندان افغانستان که از سوی برخی کشورها آغاز شده و متأسفانه در حال گسترش است، افراد، به‌ویژه زنان، را در معرض خطر دوچندان و تبعیض مضاعف قرار می‌دهد. در این زمینه، با در نظر گرفتن تعهدات بین‌المللی و مسئولیت‌های اخلاقی، بازنگری ضروری است.
16. در نهایت، مسئله افغانستان تنها یک مشکل داخلی نیست، بلکه مسئله‌ای انسانی و جهانی است که باید با جدیت با آن برخورد شود. این بحران در مرزهای افغانستان محدود نخواهد ماند و می‌تواند به سایر کشورها نیز سرایت کند؛ همان‌گونه که در گذشته نیز شاهد آن بوده‌ایم.

ب. پیشنهادات برای مردم و جامعه مدنی افغانستان:

1. از تمامی سازمان‌های جامعه مدنی افغانستان و فعالان حقوق بشر در داخل و خارج کشور تقاضا می‌کنیم تا برای حقوق زنان و دختران، فعالان حقوق بشر، خبرنگاران، اقلیت‌های قومی و مذهبی و تطبیق عدالت دادخواهی نمایند.
2. یک نقشه راه جامع و چندجانبه باید برای حفاظت از حقوق بشر در افغانستان توسط نهادهای جامعه مدنی تدوین شود که شامل فعالیت‌های حمایتی، نظارتی، بشردوستانه و اقدامات پاسخگویی باشد.
3. از رسانه‌های آزاد در داخل و خارج کشور تقاضا می‌کنیم تا در نشر و مستندسازی قضایای جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت نسلی کشتی که در افغانستان جریان دارد، توجه جدی مبذول بدارند.
4. مردم افغانستان به آموزش و برنامه‌های آگاهی دهی در مورد حقوق بشر نیاز دارند تا از این طریق حساسیت شان را در برابر جنایات جاری افزایش داده و در برابر خشونت و تبعیض، اتحاد و همبستگی خود را تقویت کنند.
5. عالمان دین در داخل افغانستان نباید در برابر سوءاستفاده طالبان از آموزه‌های اسلامی بی‌تفاوت بمانند. تحریف و ابزارسازی دین به‌منظور حذف و سرکوب زنان و نقض حقوق آنان، تحت هیچ شرایطی قابل توجیه نیست.

6. مردم افغانستان، به‌ویژه مردان کشور، باید از حق نافرمانی مدنی خود برای طرح و پیگیری مسئله حقوق زنان استفاده کنند؛ به‌ویژه حقوق اساسی مانند آموزش دختران. زیرا این موضوع تنها مشکل زنان یا مدافعان حقوق بشر نیست، بلکه مسئله‌ای است که هر خانواده را در بر می‌گیرد و به آینده یک کشور کامل مربوط می‌شود.
7. مردم افغانستان، به‌ویژه پدران و برادران، باید از هر اقدام ممکن برای فراهم ساختن زمینه آموزش برای اعضای زن خانواده خود استفاده کنند. هر خانه باید به مکتبی برای دختران تبدیل شود و از هر وسیله و امکان ممکن در این راستا بهره گرفته شود. همچنان زنان و دختران در خانواده باید پدران و برادران خود را تشویق کنند تا آنچه را که آموخته‌اند به آنان آموزش دهند.
8. مردم باید از جامعه مدنی که در زمینه حقوق بشر و مستندسازی نقض حقوق بشر فعالیت می‌کنند حمایت کنند؛ برای مثال، ثبت و مستندسازی موارد شکنجه یا بی‌جا شدن اجباری گروه‌های اقلیت در کشور. این مستندات می‌تواند برای ترویج پاسخگویی و عدالت برای قربانیان مورد استفاده قرار گیرد و همچنین به‌عنوان بخشی از تاریخ معاصر کشور حفظ شود. این اسناد می‌توانند برای جلوگیری از تکرار جرایم بین‌المللی به کار روند و به پایان دادن به فرهنگ معافیت از مجازات برای جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت کمک کنند.

ج. پیشنهادات به مقامات حاکم:

1. مقامات حاکم باید به تمامی حقوق و آزادی‌های اساسی زنان و دختران احترام بگذارند و محدودیت‌های وضع شده در مورد حق کار، حق تحصیل، آزادی گشت و گذار و سایر آزادی‌های زنان و دختران را ملغاً اعلان کنند.
2. مقامات حاکم باید به شکنجه، قتل‌های فراقانونی، بازداشت‌های خودسرانه و مجازات بدنی و اعدام‌ها در محضر عام پایان دهند.
3. مقامات حاکم باید حقوق انسانی و شهروندی اقلیت‌های قومی و مذهبی احترام بگذارند و از سرکوب، تهدید، غصب جایدادها و ملکیت‌های آنها دست بردارند. به‌طور ویژه از سرکوب و اعمال فشار برای تغییر مذهب فرقه اسماعیلیه دست بردارند.
4. باید به آنان یادآوری شود که مکلف به اجرای تعهدات افغانستان در قبال حقوق بشر بین‌المللی و کنوانسیون‌هایی هستند که دولت افغانستان آن‌ها را تصویب کرده است. تغییر رژیم در کشور، مسئولیت آنان را در قبال نقض حقوق بشر از بین نمی‌برد.
5. آنان باید تمامی فرامین، قوانین و دستوراتی را که در تضاد با تعهدات افغانستان در برابر حقوق بشر بین‌المللی و کنوانسیون‌ها قرار دارد لغو کنند؛ در غیر آن با پیامدهای قانونی آن روبه‌رو خواهند شد.
6. آنان باید مشروعیت خود را از مردم افغانستان به دست آورند. مشارکت مردم، به‌ویژه زنان، در فعالیت‌های اجتماعی یکی از شاخص‌های اساسی حکمرانی مشروع و مسئولانه به شمار می‌رود.

پایان.